

دبستان

فصل نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
دوره ششم / شماره ۲ / زمستان ۱۳۹۳



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری
سر دبیر: دکتر فرخنده مفیدی
هیئت تحریریه:
مرتضی طاهری
فریده عصاره
شیرین برزین
مسعود تهرانی فرجاد
مدیر داخلی: شهلا فهیمی
ویراستار: لیلا بنی طباطبائی
طراح گرافیک: مهسا قیابایی
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵
تلفن ۰۲۱-۸۸۸۳۱۱۶۱-۹ (داخلی ۳۷۴)
شماره: ۸۸۴۹۰۱۰۹
وبگاه: www.roshdmag.ir
پیام نگار: pishdabestani@roshdmag.ir
تلفن پیامگیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۱۳
کد امور مشترکین: ۱۱۴
پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۰۷
شمارگان: ۷۰۰۰ نسخه

یادداشت سردبیر / سرد است ولی دل سرد نشوید! / ۲

گفت و گو / دوره پیش دبستانی، نیازمند مدیریت یکپارچه است / شهلا فهیمی و سیدرضا صاحبی / ۴

شاهد کلام وحی / بهترین پناهگاه / مسعود تهرانی فرجاد / ۹

برنامه درسی پیش دبستانی / دوره پیش از دبستان و رویکرد کودک محور / دکتر فرخنده مفیدی / ۱۰

آموزش / کودکان پیش دبستانی و مفهوم مرگ / غفار کریمیان پور و گل نما مرادی / ۱۳

آموزش / پرورش عادت های بهداشتی در کودکان مراکز پیش دبستانی / دکتر مرجان گودرزی / ۱۶

آموزش / چهار چوب های یادگیری نخستین سال های کودکی / دکتر مسعود مرادی و سمانه ابراهیمی / ۱۸

با مریبان / نگا، چی درست کردم، مامان! / نرگس دهستانی اردکانی / ۲۱

با مادران و پدران / فرزندم با دیگران فرق دارد / سردبیر / ۲۲

نقد و نظر / پدیده کودک آزاری و رسالت مربی پیش دبستانی / سیدغلامرضا فلسفی / ۲۴

بازی / آب بازی، شیرین ترین بازی / فریده عصاره / ۲۶

هنر / نمادها و رنگها در نقاشی کودکان / حسین زراعتی / ۲۸

شاهد کلام وحی / قصه های قرآنی و تربیت کودک / مهدی مروجی / ۳۱

آموزش / ضرورت آزمون سازی و استاندارد کردن آزمون ها / غلامرضا تبریزی و مریم تبریزی / ۳۴

برنامه درسی پیش دبستانی / مواد آموزشی و پرورشی دوره پیش دبستان / مرتضی طاهری / ۳۹

آموزش / تاب آوری، راز موفقیت کودکان در آینده / زهرا میرمحمدی / ۴۰

آموزش / پول توجیبی؛ فرصت یا تهدید آینده مالی کودک / فایزه فیض نژاد / ۴۴

آموزش / تربیت جنسی کودکان / اکرم صالح زاده / ۴۶

معرفی کتاب / مبانی تحولات اساسی / دکتر مریم باریک بین / ۴۸

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

مقاله هایی را که برای درج در مجله می فرستید، باید با آموزش پیش دبستانی مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنان چه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته و با ماشین شود (مقاله ها می توانند با نرم افزار ورد - Word - و بر روی لوح فشرده (CD) یا فلاپی و یا از طریق پست الکترونیکی مجله نیز ارسال شوند). نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. محل قرار گرفتن جدول ها، نمودارها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. مجله در، رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان رشد آموزش پیش دبستانی نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ گویی به پرسش های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است. مجله از عودت مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی شود، معذور است.





سرد است ولی دلسرد نشوید!

زمان چه زود می‌گذرد، باز هم زمستان و ماه‌های سرد دی، بهمن و اسفند، بازتاب گذشت زمان و ردیابی روزهای سرد در اعمالمان نیز هویداست. باید کوشید سردی را حس کنیم ولی دلسرد نشویم.

خوشبختانه مدیران، مربیان، دانشجویان و علاقه‌مندان مثل همیشه با ارسال پیام‌ها و سؤال‌هایشان ما را دلگرم می‌کنند و ما نیز برآنیم تا با درج مطالب ارزنده و متناسب با نیازهایشان، فصل‌نامه را پر بار کنیم. مقاله‌ها و نوشتار این مجموعه نیز در راستای شکل‌دهی به هدف دانش‌افزایی، اطلاع‌رسانی و پاسخ‌گویی به نیازهای مخاطبان گرامی تنظیم شده است که امیدواریم موجبات رضایتشان را فراهم آورند و اما چند نکته:

● رابطه عملکرد مدیران مراکز پیش‌دبستان و رشد رفتار اجتماعی کودکان

تحقیقات دانشگاهی بسیاری در زمینه افزایش سطح رشد اجتماعی کودکان صورت گرفته است که بازتاب آن‌ها به‌درستی در عمل مورد استفاده قرار

نمی‌گیرد. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که علت عدم ارتباط بین مؤلفه برنامه‌ریزی و رشد رفتار اجتماعی چهار عامل می‌باشد:

- الف) ۱. ارتباط ضعیف مدیر با کارکنان، ۲. داشتن مدرک نامرتب مدیران با رشته مدیریت به‌ویژه دوره پیش از دبستان، ۳. تعیین اهداف نامناسب از جانب مدیر و ۴. تدارک امکانات نامناسب از جانب مدیر

آنچه مسلم است برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، ایجاد انگیزه و ارزش‌یابی از جمله مهم‌ترین وظایف یک مدیر در هر سطح به‌ویژه در سطح مدیریت مراکز سال‌های اولیه می‌باشد. بنابراین، چنانچه مدیر نتواند و یا شایستگی آن را نداشته باشد که به وظایف خود به‌درستی عمل کند، نه تنها کارکنان دلزده و دلسرد خواهند شد، بلکه کسانی نیز که به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم در ارتباط هستند مثل کودکان، خانواده‌ها و مراجعه‌کنندگان و شبکه‌های ارتباطی دورتر نیز کم‌انگیزه خواهند شد و با کارهای خود را به‌درستی انجام نمی‌دهند و عدم موفقیت و کاهش در میزان بازدهی مالی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی کارکنان و کودکان و خانواده‌ها ایجاد می‌شود. به این بهانه مسئولان باید به انتخاب مدیران شایسته، توانا و داشتن مدرک مرتبط با رشته تحصیلی پیش از دبستان توجه جدی کنند.

ب) نکته دوم آموزش خانواده‌هاست. همان‌گونه که می‌دانیم یکی از وظایف مراکز پیش از دبستان توجه به خانواده‌های کودکان می‌باشد. با توجه به جوان بودن سن بسیاری از مادران و پدران و نداشتن تجربه کافی در امر ارتباط با فرزندان و یا نیاز فوری به فرستادن کودکانشان به این مراکز، مسئله آگاهی و شناخت از دوره‌های رشد، مسائل و مشکلات و نیز اطلاع از برنامه‌ها و انتظارات از مراکز پیش از دبستان برای آنان امری حیاتی است. ارزش‌یابی

تحقیقات دانشگاهی بسیاری در زمینه
افزایش سطح رشد اجتماعی کودکان صورت
گرفته است که بازتاب آن‌ها به‌درستی در
عمل مورد استفاده قرار نمی‌گیرد

مراکز باید براساس میزان توجه آنان علاوه بر کودک به خانواده‌ها نیز صورت گیرد. این مراکز باید بتوانند برنامه‌های منظم آموزش خانواده با هدف گسترش دانش و رفع دشواری‌ها و پاسخ‌گویی به سؤال‌های مادران و پدران را در دستور کار خود قرار دهند زیرا بی‌توجهی به این امر، در حقیقت نشانه ضعف عملکرد این مراکز است.

ج) و اما سومین نکته: استخدام مربیان شایسته و با مدرک تحصیلی مرتبط با نیازهای کودکان پیش‌دبستان. در خبرها آمده است که طرح‌های استخدام مربیان مراکز پیش‌دبستان به دلایل داشتن بار مالی و غیره به تصویب نرسید. آنچه مسلم است عدم تصویب به منزله رفع مشکل و یا عدم دشواری معیشتی و رفاهی مربیان عزیز نیست. به‌ویژه چنانچه هویدا است اگر برنامه این باشد که مسئله کمبود مربی از طریق استفاده از نیروهای مازاد کم‌انگیزه در سطوح بالاتر و معلمان بازنشسته و یا با مدارک تحصیلی غیرمرتبط و بدون تجربه پیش‌دبستان حل گردد، دشواری صدچندان می‌شود. زیرا در این صورت نه تنها

مربی مشکل دارد بلکه کودکان و خانواده‌ها نیز با مشکلات عدیده‌ای از جمله اطلاعات ناکافی مربیان جدید روبه‌رو خواهند شد که برای جامعه مقرون به صرفه نخواهد بود و ضایعه کمبودها در این سطح در حقیقت عدم پاسخ‌گویی درست به خانواده‌ها و نیازهای به‌حق و روبه رشد کودکان نیز خواهد بود. در این مسئله نیز مسئولان باید جدیت بیشتری داشته باشند تا هماهنگ با دیگر کشورهای پیشرفته، بتوانیم کار را به‌کاردان بسپاریم و مربیان از حقوق حقه و شایستگی‌های تحصیلی و تجربی خود در جای مناسب بهره‌مند شوند. مربیانی که به عشق کار با کودکان و خانواده‌ها تحصیلات خود را در این سطح به پایان رسانیده و در انتظار کار متناسب با دانش خود می‌باشند.

در این فصل پربرکت نیز رویدادهای مهم و روزهایی به یادماندنی وجود دارند که مربیان عزیز و برنامه‌ریزان توانا در مراکز پیش‌دبستان می‌توانند با تأمل در آن‌ها، زیبایی رویدادها را در ذهن و روح کودکان صدچندان کنند. ولادت حضرت عیسی (ع)، هفته وحدت و ولادت پیامبر (ص)، ولادت ائمه اطهار (ع)، دهه فجر انقلاب اسلامی که آموزش‌های دلچسب و بازی‌های لذت‌بخشی را می‌توان در برنامه‌های کودکان به این مناسبت‌ها اختصاص داد. ولادت حضرت زینب و روز پرستار، روز احسان و نیکوکاری و درختکاری از دیگر برنامه‌هایی هستند که باید مربیان زمان‌بندی خاصی در موردشان صورت دهند و برای کودکان خاطره‌برانگیزشان کنند.

باز هم از همه اعضای هیئت تحریریه، و مشوقان این مجله اختصاصی کودکان، کمال سپاسگزاری را دارم. ان‌شاءالله ما را در ادامه راه و خدمت‌رسانی به کودکان و خانواده‌ها و مراکز پیش‌دبستان یاری دهید. از انتقادات و پیشنهادات همه عزیزان استقبال خواهیم کرد.

آنچه مسلم است عدم تصویب طرح استخدام مربیان پیش‌دبستان، به‌منزله رفع مشکل و یا عدم دشواری معیشتی و رفاهی مربیان عزیز نیست

اشاره

در صد سال اخیر نظام آموزشی کشور بارها دستخوش تغییر و تحول شده است. گاهی ساختار آن تغییر کرده و بعد از چند سال دوباره به همان ساختار پیشین بازگشته است. در این میان، دوره پیش دبستان نیز از این تغییر و تحول مستثنی نبوده است. این بی‌ثباتی آسیب‌های زیادی به بدنه آموزش و پرورش پیش دبستانی وارد کرده است و در حال حاضر با به رسمیت شناخته شدن آن در اسناد بالادستی، این امید وجود دارد که به دوره پیش دبستان به‌عنوان بخشی از آموزش رسمی کشور توجه بیشتری شود.

دکتر **رخساره فضلی** که مدت کوتاهی است مدیریت دفتر آموزش پیش دبستانی را به عهده گرفته است، با تکیه بر مبانی اعتقادی و آموزه‌های علمی، نیاز کشور و همچنین اسناد بالادستی و اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران را در جهت رشد و تعالی روز افزون این دوره حساس آموزشی می‌داند. ایشان دوره لیسانس را در دانشگاه علامه طباطبایی در رشته علوم تربیتی و با گرایش آموزش و پرورش دبستان و پیش دبستان گذرانده و مدرک کارشناسی ارشد و دکترای خود را در رشته روان‌شناسی تربیتی اخذ کرده است.

دکتر فضلی در حال حاضر مسئول کمیته کیفیت آموزش پروژه مشترک وزارت آموزش و پرورش و دفتر یونسف در تهران است و مسئولیت‌هایی چون کارشناس مسئول مطالعات و برنامه‌ریزی دفتر معاونت آموزش ابتدایی، مشاور معاون آموزش ابتدایی، دبیر کمیته پژوهشی معاونت آموزش ابتدایی، نماینده وزارت آموزش و پرورش در FASPPED را در پرونده کاری خود دارد. در این گفت‌وگو می‌کوشیم برنامه‌ها، اهداف و اقدامات را در حوزه پیش دبستانی مورد توجه قرار دهیم.

پای صحبت دکتر رخساره فضلی

مدیرکل دفتر آموزش پیش دبستانی وزارت آموزش و پرورش

دوره پیش دبستانی، نیازمند مدیریت یکپارچه است

گفت‌وگو: شهلا فهیمی

تنظیم: سیدرضا صاحبی

به‌خصوص حالا که دوره پیش دبستانی در اسناد بالادستی نیز دیده شده و رسمیت یافته است، فرصت مناسبی است که طبق قانون و با درک و فهم مشکلات، این پایه‌ریزی را به کمک همکارانم به درستی انجام دهیم. در این مسیر آرامش، جدیت و حرکت با شیبی ملایم و مطمئن می‌تواند امید به موفقیت را افزایش دهد.

چه اهداف و برنامه‌هایی برای کودکان، خانواده‌ها و مربیان دوره پیش دبستانی دارید؟

آن واقفم اما عشق به این کار، فارغ از مدیر یا محقق بودن در این زمینه، مرا بر آن داشته است که هر چه در توان دارم به کار گیرم تا حداقل بتوانم در دوران مسئولیتم چند مبنای درست را برای این دوره مهم پایه‌ریزی کنم که مدیران بعدی بتوانند بر پایه آن کار را پیش ببرند. بنای معجزه ندارم اما فکر می‌کنم در برهه خاصی که به‌سر می‌بریم و اسناد تحولی مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مبانی تعلیم و تربیت اسلامی را در اختیار داریم و

شما با توجه به مسئولیت‌های قبلی‌تان با مشکلات و پیچیدگی‌های کار در حوزه پیش دبستانی کاملاً آشنا بودید. چطور شد این مسئولیت را پذیرفتید؟

دو عامل سبب شد این مسئولیت را قبول کنم. ابتدا هم‌راستا بودن با تحصیلات دانشگاهی‌ام و دیگری علاقه و دغدغه‌ای است که همواره در این ارتباط با من بوده است. مشکلات و سختی‌های این کار را می‌شناسم و بر پیچیده بودن

مهم‌ترین محور برنامه‌ریزی در این حوزه خود کودکان و نیازهای آن‌هاست. اهداف تربیتی نظام و تلاش برای شکل‌گیری باورهای صحیح امری است که باید در این دوره به‌درستی صورت گیرد. در گذشته نه چندان دور، کودک‌آزاری به شکل‌های مختلف به چشم می‌خورد و امروزه گاهی امتیازاتی به کودک می‌دهیم که نوعی ظلم به اوست. بخش اعظم آنچه انسان دارد- از شخصیت و باورها گرفته تا مسائل دیگر- در سنین بدو تولد و حتی قبل از تولد آغاز می‌شود و در همین دوره پیش‌دستانی شکل می‌گیرد. نباید بچه‌های این سنین را کودک‌کافی ببینیم که فهم و درکی از مسائل ندارند بلکه باید به‌عنوان سرمایه‌ها و عوامل مولد آینده به آن‌ها نگاه کنیم که اکنون در اختیار ما هستند. بنابراین، برنامه‌ریزی درست و اجرای برنامه‌ها در این دوره بسیار مهم است. اما پیش از آن باید توجه داشت که در کشور ما شرایط برای آموزش و تربیت بچه‌های این دوره هماهنگ نیست و بسیاری از مناطق هستند که امکانات کافی برای اجرای برنامه‌ها در دوره پیش‌دستانی ندارند. من اولویت اصلی خود را مناطق محروم، مناطق مرزی و بخش‌هایی از کشور که شرایط خاص خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی دارند قرار داده‌ام. در برخی مناطق کودک‌کافی هستند که امکان حضور در فضاهای تربیتی خارج از مدرسه را ندارند. در کشور ما خانواده‌هایی هستند که به فرزندان خود به‌عنوان نیروی کار نگاه می‌کنند که البته با توجه به اقلیم و شرایط محل زندگی آنان شاید امری طبیعی باشد اما ما وظیفه داریم برای این افراد هم چاره‌اندیشی کنیم. بنابراین، یکی از اولین کارهای ما این بود که به کمک معاونت راهبردی دفتر ریاست جمهوری آمار کودکان را در محروم‌ترین و دورافتاده‌ترین نقاط کشور استخراج کردیم و از مهرماه امسال می‌توانیم با حمایت دولت دوره پیش‌دستانی را برای آن‌ها دایر کنیم و این یکی از مهم‌ترین محورهای برنامه من است.

محور دیگر توجه به کلاس‌های چند پایه است. در مناطقی از کشور کلاس‌های ویژه- که حاوی چند پایه تحصیلی است- وجود دارد که هر چند به‌عنوان مسئله به آن توجه می‌شود اما فرصت ویژه‌ای برای رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان است. از همین کلاس‌ها می‌توان برای دوره پیش‌دستانی به‌عنوان یک فرصت استفاده کرد. در این‌گونه کلاس‌ها به‌دلیل اختلاف سن دانش‌آموزان می‌توان از کمک دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر برای پیش‌دستانی‌ها بهره برد. به نظر من باید بچه‌های پیش‌دستانی اجازه داشته باشند به‌صورت منعطف و با حداقل الزاماتی که برای پایه‌های دیگر هست به کلاس‌ها بروند و معلم و دانش‌آموزان، فرصت قصه‌گویی، بازی، نقاشی و سایر مواردی را که مربوط به دوره پیش‌دستان است برایشان فراهم کنند. هدف‌های دوره پیش‌دستان روشن است و تحقق آن‌ها پیچیدگی خاصی ندارند و چنانچه برنامه‌ریزی درستی باشد از این راه‌ها می‌توان به اهداف رسید. در همین راستا، من پیش از این مسئولیت پروژه‌ای با عنوان «توانمندسازی دختران روستایی» داشته‌ام که بازتاب و نتایج خوبی نیز داشته است. در این طرح دخترها مسئولیت می‌پذیرند و یکی از بخش‌های آن همین است که به بچه‌های پیش‌دستانی کمک کنند. یک محتوای ساده شامل بازی، قصه، کاردستی، نقاشی و همچنین متونی را که کودکان پیش‌دستانی نیاز دارند آماده می‌کنیم تا دانش‌آموزان دوره ابتدایی برای

آنان ارائه کنند. بنابراین، توجه به مناطق محروم، کلاس‌های چند پایه و استفاده از دختران روستایی برای توسعه پیش‌دستان سه برنامه‌ای است که برای مناطق دور و روستایی در دستور کار داریم. برنامه دیگر ما توسعه کمی است. طبق قانون، اداره پیش‌دستانی به دو شیوه دولتی و غیردولتی است اما سال‌های گذشته مسئولان وقت تصمیم گرفتند دوره پیش‌دستان غیردولتی باشد. حاصل این نگاه، صدور مجوز و اجازه فضا و استفاده از امکانات توسط آموزش و پرورش و پرداخت شهریه توسط خانواده‌ها بود و مراکز غیردولتی آموزش این دوره را به عهده گرفتند. این روند باید مطابق قانون تغییر کند. ما از فعالیت مراکز و مدارس غیردولتی حمایت می‌کنیم، در عین حال بنا داریم از امسال با تمهیداتی بخشی از این کلاس‌ها را در



حمایت دولت با مشارکت مردم اداره کنیم و به مرور به سمت یکپارچگی کلی پیش برویم. کمبود نیرو و نبودن مجوز استخدام نیروی متخصص یکی از مشکلات ما در این زمینه است. مدیران مدرسه‌های دولتی هم به لحاظ قانونی حق به‌کارگیری نیروهای آزاد را ندارند. اجرای دولتی با مشارکت مردم در دستور کار قرار دارد. مدیر با مجوز اداره آموزش و پرورش حسب شرایط با تأکید بر مناطق محروم این امکان را دارد که از نیروهای غیرموظف یا کسر ساعت برای این دوره استفاده کند. میزان حمایت دولت در مناطق با ضریب محرومیت بالا زیاد است و با کاهش ضریب محرومیت، حمایت دولت کم و مشارکت مردم بیشتر می‌شود. در مورد جزئیات کار با همه استان‌ها و اداره‌های کل به توافق و تفاهم رسیدیم که تعدادی کلاس با این ویژگی می‌تواند تشکیل شود. در این زمینه تفاهم‌نامه‌ای تهیه شد که معاونان استان‌ها آن را امضا کردند.

بودجه این برنامه‌ها چگونه تأمین می‌شود؟

در حال حاضر با لطف وزیر محترم آموزش و پرورش، و معاونت آموزش ابتدایی، سهم اعتبار پیش‌دبستان از کل اعتبارات محقق شده و هر استان سهم خاصی از کل اعتبار دارد که رقم آن مصوب شده است. رقم این اعتبار نسبت به سال‌های اخیر نسبتاً خوب است، اما پاسخ‌گوی همه نیازهای این دوره نیست. البته با همراهی سایر دستگاه‌ها،

به‌ویژه وزارت کشور و استانداری‌ها، و پیگیری‌های جدی همکاران در ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها حمایت‌های استانی را هم در این حوزه داریم. امیدوارم در آینده بتوانیم از مشارکت و حمایت خیرین هم بهره‌مند شویم.

آموزش‌هایی که تاکنون توسط مراکز مختلف و به شکل‌های گوناگون صورت گرفته، مشکلات عدیده‌ای را برای کودکان به وجود آورده است. نظر شما در این باره چیست؟

طبق قانون، وزارت آموزش و پرورش مسئول و متولی دوره پیش‌دبستانی است. این به هم ریختگی که الان وجود دارد حاصل نبود مدیریت یکپارچه دوره پیش‌دبستانی است و انرژی‌ها را هدر می‌دهد. دولتی‌ها و غیردولتی‌ها در دستگاه‌های مختلف کار خودشان را می‌کنند. بهزیستی، شهرداری، ارشاد، بسیج و یا مؤسسه‌هایی که در جوار کارخانه‌ها و مراکز تولیدی فعالیت می‌کنند، از جمله مراکزی هستند که در این امر مشارکت دارند. حاصل این پراکندگی این است که کودکان هر کدام محتوایی مجزا می‌آموزند و زمانی که به کلاس اول می‌روند افرادی با مهارت‌های شناختی، نگرش‌ها و توانایی‌های مختلف‌اند که معلم را با مشکل مواجه می‌کنند. برخی از آنان خواندن و نوشتن آموخته‌اند، برخی زبان انگلیسی می‌دانند، برخی عربی و هر کدام با روش متفاوتی آموخته‌اند که با اهداف و روش‌های دوره ابتدایی همخوانی ندارد و معلم قادر به هماهنگی آنان نیست.

شما برای ساماندهی این مراکز و محتواهای آموزشی مختلف چه برنامه‌هایی دارید؟

بنای سیاست‌گذاری مدیریتی ما حذف هیچ‌یک از مؤسسه‌ها و نهاد‌های خدمت‌گزار کودکان پیش‌دبستانی نیست؛ مگر اینکه نخواهند تابع قوانین ما باشند. هر مرکزی بخواهد مشارکت کند، استقبال می‌کنیم اما باید تابع قوانین وزارت آموزش و پرورش و زیر چتر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی

باشد. اینکه پیش‌دبستان نیازمند مدیریت یکپارچه است امری است که کارشناسان این حوزه بدان اذعان دارند. اما برخی دستگاه‌ها مقاومت می‌کنند و نگاه خاص خود را دارند. مبنای باید همه جا یکسان باشد. برخی مراکز مانند شهرداری و هلال احمر این مبنای یکپارچگی را پذیرفته‌اند و سایرین نیز باید بپذیرند. قوانین در این زمینه روشن است و در شورای عالی انقلاب فرهنگی کاملاً تبیین شده است. این شورا به استفساریه ما نیز جواب داد که براساس آن وظایف مراکزی از این دست کاملاً روشن است. مهدهای کودک و هر جایی که به گروه سنی چهار تا شش سال خدمات می‌دهند باید با مدیریت و زیر نظر آموزش و پرورش باشند. ما به‌سوی همه این مراکز دست یاری دراز می‌کنیم؛ با تأکید جدی بر اینکه تابع قوانین آموزش و پرورش باشند. امیدوارم این یکدستی و یکپارچگی حاصل شود. با توجه به سیاست‌های کلی تحولی ابلاغی توسط مقام معظم رهبری، «وزارت آموزش و پرورش متولی حاکمیتی مهدکودک و پیش‌دبستانی تا دانشگاه است.» به این مسئله مهم هم خواهیم پرداخت.

مجوز این مراکز را کدام حوزه صادر می‌کند؟

صدور مجوز با «حوزه مدارس و مراکز غیردولتی» است و مقدر شهریه را براساس دستورالعمل دقیقی که موجود است تعیین و اعلام می‌کنند. نظارت بر روند کار به‌عهده خود مراکز است و نظارت بر کیفیت و محتوا بر عهده بخش دولتی است؛ یعنی این نظارت توسط حوزه دولتی اعمال می‌شود.

لطفاً در مورد میزان و چگونگی این نظارت‌ها توضیح دهید.

در بُعد کلان طرح نظارت ملی پیش‌بینی شد که در مراحل پایانی تدوین است. همچنین طرح نظارت سالانه را در دستور کار داریم که تدوین شده و مراحل اجرایی آن در دست اقدام است. به این ترتیب، برای ریز برنامه‌ها بُعد نظارتی در نظر گرفته شده است. البته امکانات دفتر

طبق قانون، وزارت آموزش و پرورش مسئول و متولی دوره پیش‌دبستانی است. این به هم ریختگی که الان وجود دارد حاصل نبود مدیریت یکپارچه دوره پیش‌دبستانی است

پیش دبستانی کم و مسئولیت و وظایف ما زیاد است، اما بر نظارت تأکید داریم و به وجوه مختلف این نظارت انجام می‌شود. «خودارزیابی» یکی از این وجوه نظارت است که هر استان براساس فرم‌هایی که برایشان ارسال می‌کنیم، خود را ارزیابی می‌کنند. موارد را به صورت فهرست وارسی در این فرم‌ها قرار داده ایم که آن‌ها گزارش می‌دهند. شکل دیگر نظارت، نظارت معاونت‌های استانی بر مناطق است و همچنین نظارت مناطق بر مدرسه‌ها که به ترتیب انجام می‌شود. در نهایت، نظارتی است که توسط گروه‌های همسان (استان‌ها از هم) و همچنین به‌طور مستقیم از سوی همکاران و کارشناسان دفتر پیش دبستان و به صورت بازدیدهای سرزده انجام خواهد شد. این بازدیدها براساس گزارش‌های رسیده و توسط همکاران دفتر انجام می‌شود. بنابراین، نقشه راه دفتر پیش دبستانی در سطح ملی آماده است و به ازاء آن نظارت هم وجود دارد و هر چیزی که جدول زمانی دارد جدول نظارتی آن هم موجود است.

یکی از مهم‌ترین مشکلات مربیان پیش دبستان به رسمیت شناخته نشدن آن‌ها توسط آموزش و پرورش است. برای مربیان چه برنامه‌هایی دارید؟

مربیان پیش دبستانی مثل خود پیش دبستانی‌ها هستند، یعنی دوره‌ای که مظلوم واقع شده است، آسیب‌های ناشی از آن شامل بچه‌ها، نیروها، کارشناس‌ها و مربیان نیز می‌شود. اینکه انتظار داشته باشیم یکباره اتفاق عجیبی بیفتد، میسر نیست. من با خیلی از مربیان پیش دبستانی دیدار کرده و پای صحبت‌ها و درد دل‌های آن‌ها نشسته‌ام. حل مشکلات استخدامی خارج از اختیارات ماست اما لازم است توجه کنیم که بخشی از ارتقای جایگاه مربیان پیش دبستانی در اختیار خود آن‌هاست. با این افراد آشنا هستیم و می‌دانم در خلق قصه، شعر، بازی و بسیاری از فعالیت‌ها و آموزش‌های مربوط به پیش دبستان تبحر دارند اما ضمن اینکه آن‌ها را

به صورت عملی ارائه می‌کنند، باید به صورت نظری نیز نوشته و منتشر نمایند. مربیان یکی از دغدغه‌های اصلی ما هستند، زیرا

سرنوشت بچه‌های ما دست این افراد است. مطالباتشان را به حق می‌دانیم. ما نیز برنامه‌هایی به صورت میان مدت برای مربیان داریم که به شدت آن‌ها را پی‌گیری می‌کنیم.

بنابراین، یک بخش مطالباتی است که ما از دولت و مسئولان داریم و ما وظیفه انسانی و قانونی خود می‌دانیم که این کار را دنبال کنیم تا جایگاه ویژه‌ای برای مربیان پیش دبستانی در برنامه ششم توسعه پیش‌بینی نماییم. اما به مربیان هم توصیه می‌کنم خود را قوی کنند و حرف برای گفتن داشته باشند، زیرا آنچه این مربیان انجام می‌دهند در صحنه عمل است و کاربرد آموخته‌ها در عمل است. بنابراین، می‌توان کار آن‌ها را در نشست‌های تخصصی و همایش‌ها در سطوح مختلف ارائه داد.

برای آموزش خانواده‌ها چه برنامه‌هایی دارید؟

در حال حاضر آموزش پیش دبستانی متولی کل بچه‌های گروه چهار تا شش ساله است که جمعیت آن‌ها بیش از دو میلیون و پانصد هزار نفر می‌باشد و از این تعداد تنها پانصد هزار نفر در کلاس‌های پیش دبستانی حضور دارند. بر همین اساس، در حال طراحی یک بسته آموزشی هستیم که یکی از محورهای آن اولیا هستند. تلاش ما این است که اولیا را ترغیب کنیم تا به‌ویژه در مورد شیوه‌های فرزندپروری و نحوه برخورد با مسائل تربیتی مطالعاتی داشته باشند. رایزنی‌هایی هم با صدا و سیما داشته‌ایم که در شبکه آموزش - که شبکه تعلیم و تربیت است - مطالبی ارائه کنند. یکی از اولویت‌های ما در این زمینه این است که ببینیم در برنامه‌های صدا و سیما

سعی ما بر این است که از یافته‌های علمی استفاده کنیم می‌شوند باید از الزاماتی برخوردار باشند تا به نتیجه برسند

به والدین چه خوراکی داده می‌شود. واقعیت این است که موضوعات متفاوتی که در برنامه‌های مختلف گفته می‌شود خانواده‌ها را دچار سردرگمی کرده است.

خانواده‌ها اذعان دارند که نمی‌دانند دقیقاً باید چه کار کنند. با توجه به شرایط فرهنگی و اهداف تربیتی می‌توان از یافته‌های علمی استفاده کرد. مثلاً یک شاه کلید این است که پدر و مادر و مربیان موفق در تربیت، کسانی هستند که در جریان تربیت تعادل و ثبات داشته باشند و تربیتشان مثل ترازو دو کفه داشته باشد؛ یک طرف آن اقتدار و تحکم و طرف دیگرش محبت و نرمی. اگر متعادل شد، برنده‌اند و گرنه به کودک آسیب می‌رسانند. قواعد و اصولی وجود دارد که راه‌گشاست.

آیا آموزش خانواده‌ها را فقط از طریق رسانه‌های جمعی دنبال می‌کنید؟

خیر. انجمن اولیا و مربیان هم داریم و از آن‌ها درخواست می‌کنیم یکی از محورهای انجمن اولیا و مربیان حتماً پیش دبستان باشد. البته ما آمادگی داریم محور اصلی محتوا را هم در اختیارشان بگذاریم و انتظارات دوره پیش دبستان را برای آن‌ها ترسیم می‌کنیم.

آیا برای اجرای برنامه‌های متنوع و اهدافی که ترسیم کرده‌اید، اختیارات کافی دارید؟ در این مسیر چه موانعی وجود دارد و از چه مساعدت‌هایی بهره می‌برید؟

خوشبختانه، مسئولان همراهی خوبی می‌کنند و این به دلیل نگاه مسئولانه‌ای است که در این مقوله وجود دارد و این نگاه مورد اتفاق همه است. دوره پیش دبستانی جایگاه ویژه‌ای دارد و مبناست، اما محدودیت‌هایی هم داریم. برای مثال، کمبود نیروی کافی و متخصص. بنا داریم نوآموزانی در طراز اسناد بالادستی و با ویژگی‌های خاص تربیت کنیم اما نیروی انسانی مورد نیاز و متخصص را

در اختیار نداریم. محدودیت‌هایی که در کل آموزش و پرورش وجود دارد، برای دوره پیش دبستان هم هست اما هیچ کدام را نمی‌توان مانع تلقی کرد. مسئولیت ما اجرای قانون است. ما باید به راه‌های خلاقانه و منعطف فکر و عمل کنیم و همه این‌ها براساس قانون خواهد بود. برای مثال، شیوه‌نامه‌ای که برای اجرا آماده کرده‌ایم سه بخش دارد: «دوزبانه»، «دولتی با مشارکت مردم» و «غیر دولتی». معاونت حقوقی به‌عنوان مرجع قانونی، اداره مالی برای حمایت‌های مالی و سایر حوزه‌ها باید آن را تأیید کنند تا اجرایی شود. این‌ها محدودیت و مانع نیست بلکه قانون است. ما به‌عنوان بخشی از وزارت آموزش و پرورش باید در حوزه‌های مختلف ورود و هماهنگی و همکاری داشته باشیم. مهم اتفاق نظر در انجام کار است. امسال تأکیدمان بر مناطق محروم، کلاس‌های خاص و چند پایه و توسعه کمی است. همچنین در حال تدوین توسعه کیفیت بخشی نیز هستیم و کیفیت برای ما بسیار حیاتی است.

با توجه به گسترش کمی و اضافه شدن مناطق محروم آیا به لحاظ کیفی هم به آموزش‌ها توجه کافی شده است؟

بله، کیفیت خیلی مهم است. با اینکه مدت کوتاهی است این مسئولیت را پذیرفته‌ام اما تدوین یک خودآموز ساده برای معلمان را در دستور کار قرار داده‌ام که به زبان ساده و علمی به معلم می‌آموزد با یک کودک پیش دبستانی چگونه باید برخورد کرد. یک محتوای فشرده و آماده، شامل تعدادی قصه کوتاه و بازی ساده متکی بر لزوم توجه به کرامت بچه‌ها؛ زیرا در پیش دبستان رویکرد شکوفایی فطرت و انس با قرآن مدنظر است. منظور یاد دادن حروف عربی یا صرفاً حفظ قرآن نیست. ممکن است آموزش هم باشد اما هدف انس گرفتن بچه‌ها با قرآن است و اینکه نگاه قرآنی داشته باشند، کرامت ذاتی‌شان مورد توجه قرار گیرد تا به کرامت‌های اکتسابی که بعداً به دست

می‌آورند کمک کند. بنابراین، خودآموز با رویکرد فرهنگی - تربیتی تهیه می‌شود. من بیشتر درصدد افزایش ظرفیت کودکان هستم تا توانمند شوند و بینش پیدا کنند. به‌خصوص در بخش انس با قرآن باید طوری رفتار شود که کودک قرآن را کتابی متفاوت، محترم و مقدس بداند. باید باور کند قرآن کتاب زندگی است. بنابراین، مقوله کیفیت خیلی مهم است و باید متناسب با ویژگی‌ها و نیاز بچه‌ها و در راستای تحقق اهداف باشد.

در تدوین و اجرای برنامه‌ها تا چه حد به مقوله پژوهش و تحقیق توجه می‌کنید؟

سعی ما بر این است که از یافته‌های علمی استفاده کنیم اما این یافته‌ها وقتی وارد حوزه عمل می‌شوند باید از الزاماتی برخوردار باشند تا به نتیجه برسند. برای مثال، مربی متخصص یکی از این الزامات است. ما در حال حاضر با افرادی مواجه هستیم که از پیش در این سمت به کار مشغول شده‌اند و اگر تخصص کافی نباشد، پژوهش‌ها امکان تحقق نمی‌یابند. مربی پیش دبستان کودک را از مادرش جدا و وارد فضایی می‌کند که ضمن اینکه فعالیت‌هایش باید مکمل فعالیت‌های مادر باشد، در عین حال هدف‌گذاری‌های سیستم را نیز باید لحاظ کند؛ لذا باید مربی متخصص و آموزش دیده‌ای باشد. شاید از منظر یافته‌های علمی تنها بخشی از نیروهای موجود حائز چنین صلاحیتی باشند اما نمی‌توان مابقی را از کار برکنار کرد. بنابراین، باید آموزش کافی به آن‌ها داده شود تا بتوانیم به اهداف مورد نظر برسیم. تلاش من این است که آنچه را آموخته‌ام به کار ببرم اما باید سختی‌های عرصه عمل را نیز در نظر داشت. به هر حال، یافته‌های علمی وجود دارند که باید با ساختار بومی و بستر فرهنگی و اجتماعی کشور انطباق داده شوند و من به‌شدت به حمایت علمی نیاز دارم.

مشارکت شما با سازمان پژوهش چگونه است و چه ارتباطی در این زمینه با آن‌ها دارید؟
شورایی برای آموزش پیش دبستانی

تشکیل شده است که اعضای اصلی آن سازمان پژوهش، مشارکت‌های مردمی، معاونت حقوقی و معاونت توسعه هستند و همکاران دیگر هم حسب مورد شرکت می‌کنند و شورایی است که مسائل کلان پیش دبستان در آن مطرح می‌شود. در عین حال، ارتباطمان با دیگر حوزه‌ها را هم تعریف کرده‌ایم و کاملاً چارچوب دارد. سازمان پژوهش برای من به‌عنوان متولی بحث آموزش و درسی کشور جایگاه ویژه‌ای دارد. گرچه من از گروه پیش دبستانی دفتر تألیف سازمان انتظار بیشتری دارم. به‌رحال کارشناسان آن دفتر صاحب‌نظر و دلسوزند و دوست دارند خدمت کنند، اما با این تعداد کم و یک گروه پیش دبستان کار به سامان نمی‌رسد و این قسمت باید جدی دیده شود.

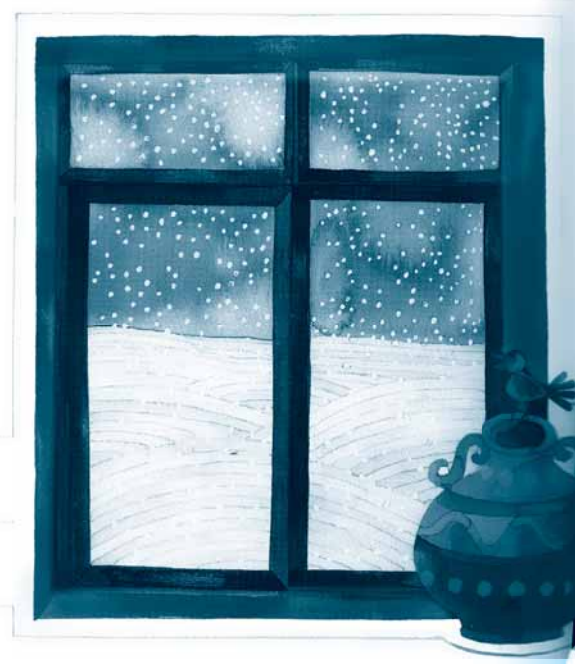
فصلنامه پیش دبستان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ چه انتظاری از آن دارید و آیا دوست دارید از این طریق با مریبان و خانواده‌ها ارتباط برقرار کنید؟

این فصلنامه فرصت بسیار خوبی است برای برقراری ارتباط با مراکز آموزشی، مریبان، مدیران و خانواده‌های کودکان و مجله‌ای وزین و معتبر علمی است که در مدت کوتاه توانسته جایگاه خود را باز کند. مطالب کاربردی زیادی دارد و من انتظار دارم پل ارتباطی ما با کل کشور باشد. فضایی باشد که کلام ما به همکارانمان و حرف‌ها و درد‌ها و خواسته‌های آن‌ها به ما منتقل شود. درخواست ما این است که این نشریه با ما در اجرای طرح‌های مشترک همکاری کند و البته این نگاه مثبت هم ایجاد شده است.

مریبان و مدیران واحدهای پیش دبستانی سراسر کشور

نظرات، پیشنهادهای و مشکلات خود را می‌توانید از طریق وبگاه:
<http://gea.medu.ir>

به دفتر آموزش پیش دبستان ارسال کنید.



مسعود تهرانی فرجاد
کارشناس قرآن دفتر تألیف

بهترین پناهگاه

اشاره

«حتماً می‌دانید که لاک‌پشت‌ها و جوجه‌تیغی‌ها چگونه از خود دفاع می‌کنند. آیا رنگ عوض کردن یک آفتاب‌پرست را دیده‌اید؟ می‌دانید چرا او در هر جا که قرار می‌گیرد هم‌رنگ آنجا می‌شود؟ همهٔ موجودات را خداوند به‌گونه‌ای خلق کرده است که به‌طور طبیعی در مواقعی که احساس خطر می‌کنند به شکلی از خود دفاع می‌کنند و هر چه خطر بزرگ‌تر باشد، دفاع نیز باید دقیق‌تر و محکم‌تر باشد.»

آخرین سوره‌ای که در فهرست سوره‌های قرآن قرار دارد سورهٔ ناس است. خدای مهربان در این سوره به ما سفارش می‌کند که مراقب وسوسه‌های شیطان باشیم. یادمان باشد که شیطان اصلاً دوست ندارد که ما به سخنان خدا و انسان‌های خوب گوش کنیم. دائم منتظر فرصت است تا ما را فریب دهد و حتی ممکن است با استفاده از برخی انسان‌ها این کار را بکند. به‌خاطر همین است که در سورهٔ ناس آمده است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ: به‌نام خداوند بخشنده و مهربان

۱. قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ: بگو پناه می‌برم به پروردگار (و صاحب اختیار) مردم

۲. مَلِكِ النَّاسِ: به فرمانروا و حاکم بر مردم

۳. اِلٰهِ النَّاسِ: به خدای مردم

۴. مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ: از شرّ وسوسه‌گر پنهان‌کار که به‌طور نامحسوس وسوسه می‌کند.

۵. الَّذِیْ یُؤَسِّسُ فِیْ صُدُوْرِ النَّاسِ: همان که در درون قلب مردم وسوسه می‌کند.

۶. مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ: خواه از جنّ باشد یا از انسان.

از زیبایی این سوره این است که در چند آیه کوتاه موضوعات بسیار مهمی بیان شده است. این سوره به ما هشدار می‌دهد که هر لحظه ممکن است انسان از طریق افکار بد خود یا دیگران دچار وسوسه‌های شیطان شود.

به‌همین خاطر خدای مهربان، که دوست همیشگی ما انسان‌هاست، به ما می‌آموزد که از او کمک بخواهیم و سخنان او و راهنمایان، یعنی پیامبران و امامان، را مانند پناهگاه امن بدانیم. اگر به این راهنمایی‌ها گوش دهیم و عمل کنیم، در پناه خداوند از خطر وسوسه‌های شیطان و انسان‌های بد در امان خواهیم بود.

در این سوره می‌آموزیم که انسان مانند سایر موجودات باید خود را در «بهترین پناهگاه» - که همان یاد خداوند و حرف‌شنوی از اوست - قرار دهد تا از خطرهای محفوظ بماند و زندگی سعادت‌مندانه‌ای داشته باشد.

ان‌شاءالله

دورهٔ پیش از دبستان و رویکرد کودک محور

دکتر فرخنده مفیدی

استاد دانشگاه علامه طباطبایی

انسان اهمیت شایان توجهی دارد.

۲. توجیه اقتصادی (تحلیل هزینه - فایده و سودآوری)

گاه ممکن است سرمایه‌گذاری برای تربیت کودکان در سال‌های اولیه، والدین و خانواده‌ها را قدری نگران کند اما باید دانست برای تربیت، هرچه سرمایه‌گذاری مالی داشته باشیم و البته به نحو معقول و حساب شده هزینه کنیم، فواید و بهره‌دهی آن در سال‌های بالاتر رضایت‌بخش‌تر و امیدوارکننده‌تر است. به دلیل همین سودآوری اقتصادی است که بعضی جوامع سرمایه‌گذاری برای تربیت انسان از سال‌های پایه را سرنوشت‌ساز دانسته‌اند؛ مثلاً در بعضی کشورها هزینه کردن یک دلار در این سال‌ها به افزایش ۱۲-۸ دلار انجامیده است.

کشور دانمارک بیشترین سرمایه‌گذاری را با ۲ درصد تولید ناخالص ملی در حوزهٔ خدمات کودکان زیر شش سال داشته است و پس از آن کشورهای سوئد، فنلاند، فرانسه، آمریکا، استرالیا و کانادا قرار دارند.

امروزه که زیر پوشش قرار دادن حداقل ۷۰ درصد از کودکان زیر شش سال را نشانه و شاخص توسعهٔ کشورها و جوامع دانسته‌اند، خانواده‌ها باید بتوانند برنامه‌ریزی مناسبی برای فرزندانشان در سنین اولیه داشته باشند و با انتخاب مراکز تربیتی شناخته شده و هدفمند

و رشد سخنگویی کودکان، که تا هجده سالگی صورت می‌گیرد، در هشت سال اول زندگی کسب می‌شود.

● در حدود ۵۰ درصد از اکتساب‌های آموزشی کلی کودک که تا هجده سالگی حاصل می‌شود، در نه سال نخست زندگی شکل می‌گیرد.

بنابراین، سال‌های نخستین برای رشد کلی کودک بسیار حساس است و هر کودک برای رشد به محیط تربیتی پرباری نیاز دارد.

اهمیت و ضرورت تولد تا شش سالگی و دوران پیش از دبستان را شاید بتوان از چهار منظر زیر بهتر و ساده‌تر توصیف کرد:

۱. منظر بیولوژیک (یافته‌های پژوهشی حوزه عصب‌شناختی و مغز محور)

می‌دانیم که رشد فرایندی مستمر است و طی آن کودک به تدریج تغییراتی می‌یابد ولی به‌عنوان مادر، مربی و افراد حرفه‌ای در این مراکز آموزشی باید به خاطر داشته باشیم که دوران رشد نیز چالش‌ها و فرصت‌های خاص خود را دارد. تحقیقات مغز محور، که عمدتاً به رشد مغز کودکان در سال‌های اولیه توجه دارند، مؤید این مطلب‌اند که در این دوره کانال‌ها و شاهراه‌های ارتباط عصبی (نورون‌ها، دندریت‌ها و آکسون‌ها و شبکه‌های ارتباطی بین آن‌ها) رشد سریع و بی‌بدیلی دارند که تأثیر آن‌ها بر یادگیری و رشد مادام‌العمر

کلیدواژه‌ها: آموزش‌های کودک محور، سازگاری اجتماعی، دورهٔ پیش از دبستان

آموزش و پرورش پیش از دبستان رشته‌ای جالب و غنی است. بسیاری از اندیشمندان، صاحب‌نظران و محققان به اهمیت و ضرورت این دوره از ابعاد مختلف رشد فیزیکی، اجتماعی، شناختی، روانی، زبان‌شناختی، زیبایی‌شناختی و خلاقیت به کودکان و یادگیری‌های آنان نگرسته‌اند. دستاوردهای تحقیقی و دیدگاه‌های آنان نشانگر حساسیت ویژه‌ای است.

رشد کودک در سال‌های اولیه بسیار سریع است. رشد کنجکاوی، علائق، مبانی شکل‌گیری شخصیت، رشد اجتماعی و سازگاری، رشد مغز، زبان و گفتار در این سال‌ها چنان سریع است که از دست‌دادن فرصت‌ها و فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای توجه و آموزش و تربیت کودکان بسیار جبران‌ناپذیر است. آنچه در این دوران شکل می‌گیرد، دوام و پایداری زیادی دارد و بر سرنوشت تربیتی و آیندهٔ کودک تأثیر عمیقی می‌گذارد.

نتایج تحقیقاتی که تاکنون به‌عمل آمده نشان داده است که:

- در حدود پنجاه درصد از رشد هوشی کودک بین زمان تولد و چهار سالگی و در حدود هشتاد درصد بین چهار تا شش سالگی صورت می‌گیرد.
- در حدود پنجاه درصد از یادگیری لغات

و دارای برنامه‌های کیفی، سرمایه‌گذاری ایمن و مطلوبی را برای آینده خانواده و فرزندان‌شان رقم بزنند.

۳. توجیه اجتماعی

رشد اجتماعی و سازگاری کودکان در این دوران به قابلیت الگوهای مناسب و رفتارهای بزرگ‌ترها و کنش و واکنش‌های اجتماعی مطلوب بستگی دارد. روان‌شناسی مدرن نشان داده است که تجارب کودکان آثار عمیقی بر قابلیت‌ها و توانایی‌های آن‌ها در برقراری ارتباط عاطفی دوره بزرگسالی‌شان دارد. کودکان قدرت تقلید و همانندسازی زیادی دارند. در ارتباط سازنده با مربیان، مادر، پدر و بزرگ‌ترهاست که کودکان رفتار و برخورد با دیگران را

یاد می‌گیرند و با اجتماع سازگار می‌شوند. شکل‌گیری سازگاری اجتماعی مطلوب در این دوره در سراسر عمر می‌تواند پایدار باشد و به شکل‌گیری شخصیت فرد بینجامد؛ به طوری که حتی رفتار اجتماعی همپایه و بلکه ممتازتر از هوش فرد تلقی می‌شود.

۴. توجیه آموزشی (عملکرد و پیشرفت تحصیلی مطلوب در طول دوره تحصیل و آینده)

یافته‌های تحقیقی بسیار در ایران و سایر کشورها نشان داده است که برنامه‌های باکیفیت آموزشی می‌توانند موفقیت و چشم‌انداز آینده کودکان را رقم بزنند. کودکانی که به مراکز آموزش پیش‌دبستان راه یافته و سال‌هایی را از برنامه‌های آموزشی و پرورشی سازنده و پربار برخوردار شده‌اند، در مقایسه با کودکانی که به هر دلیل از

نعمت آموزش‌های این دوره محروم بوده‌اند، از امتیازات زیادی برخوردار شده‌اند. نقش این امتیازات در پیشرفت تحصیلی و در زمینه‌های خواندن، نوشتن، حساب کردن، علوم، ریاضی و استدلال کردن و فکروورزی و نیز رشد اخلاقی چشمگیر بوده است و همه این یافته‌ها در تحقیقات کشوری و ملی ما نیز هویدا است.

بنابراین و با شواهد فعلی، آموزش و پرورش پیش از دبستان از ضرورت تام برخوردار است و خوشبختانه در سیاست‌های اخیر نظام آموزشی، سند تحول و چشم‌انداز ملی، و برنامه درسی ملی کشور نیز از جایگاه مطلوبی برخوردار شده و به‌عنوان دوره‌ای رسمی از آن یاد شده است که نشانه رشد و پختگی و بلوغ در تصمیم‌گیری‌ها می‌باشد.



و اما رویکرد آموزشی کودک محور در برنامه‌های آموزشی این دوره

رویکردهای گوناگونی براساس مدل‌های آموزشی در دنیا برای یادگیری و آموزش کودکان این دوره مطرح شده است. این مدل‌های آموزشی بر پایه نظریه‌ها و تئوری‌های حاصل از اندیشه صاحب‌نظران استوارند.

رویکردهای کودک محور، معلم محور، رشدی - شناختی و موارد دیگر شاخص‌ها و مؤلفه‌های ویژه‌ای دارند که باید با ویژگی‌های یادگیرندگان و سن و توانایی‌های یادگیری آن‌ها تناسب داشته باشد.

شاید بتوان الگوهای کودک محور را به ظهور اندیشه‌های پیشین و با افکار ژان ژاک روسو که از او به‌عنوان پدر نهضت کودک‌محوری یاد می‌شود قرین دانست. **فردریک فروبل**، که وی نیز پدر کودکستان لقب گرفته است، تا حدود زیادی از این رویکرد در برنامه آموزشی خود برای کودکان ۳-۷ سال بهره گرفته است و البته پیروان بسیاری نیز دارد.

شاید در اینجا فرصت بحث در مورد سایر مدل‌ها و رویکردها نباشد و به همین دلیل تنها درباره رویکرد کودک محور، که دلیل تنها درباره رویکرد کودک محور، که در برنامه‌های آموزشی کودکان زیر شش سال هم جایگاه مطلوب و سازنده و مثبتی دارد، بیشتر بحث می‌کنیم.

ویژگی‌های رویکرد کودک محور

در این رویکرد کودک نقش فعال و تعیین‌کننده‌ای دارد. می‌تواند انتخاب کند، تصمیم بگیرد، استقلال فکر و اندیشه داشته باشد، دیدگاه‌ها و عقاید خود را به راحتی بیان کند و در کارها و فعالیت‌ها احساس وابستگی نکند.

در برنامه‌های مبتنی بر این رویکرد به نیازهای همه‌جانبه کودکان توجه اصولی می‌شود تا شایستگی‌ها و نقاط قوت و ضعف او شناخته شوند. البته کودک نباید از ضعف‌های خود هراسی داشته باشد بلکه خودبایی و خودشناسی مطلوبی پیدا می‌کند. خوداصلاحی، کار خود خواست و فکروزی در زمینه‌های مختلف فرد را برای عبور از بحران‌ها و مشکلات آماده می‌کنند.

نقش مربی و فرد بزرگ‌تر نقشی راهنما، هدایتگر و مهرورز است.

تا جایی که لازم باشد و کودک از ایمنی برخوردار باشد، در فعالیت‌ها و کنش‌های او از جانب بزرگ‌ترها مداخله افراطی و یا حتی خواسته و دست و پاگیر صورت نمی‌گیرد. حتی مقررات و دستورالعمل‌ها نیز با همکاری، مشارکت فکری و همراهی با کودک وضع می‌شوند. کودک چون آغازگر فعالیت و کار و عمل است احساس شکست کمتری دارد و موفقیت‌هایش او را با غرور

کاذب مواجه نمی‌کند.

نقش فعال کودک از یک طرف و نقش راهنمایی‌کننده مربی و فرد بزرگ‌تر از جانب دیگر محیطی شاد و پذیرا، بدون رعب و وحشت و انعطاف‌پذیر فراهم می‌آورد. این محیط انگیزه‌های فراوانی برای نظام یاددهی و یادگیری ایجاد می‌کند. محیطی که پروژه‌های مشارکتی و بر پایه همکاری، همفکری و همراهی کودک با کودک و مربی و کودک صورت می‌پذیرد.

سیستم پاداش و تقویت و عبرت‌آموزی برخلاف دیگر رویکردها و به‌ویژه معلم‌محوری، بر پایه عطف و مهربانی استوار است. تنبیه نه به معنای فیزیکی، که البته ممنوع و مذموم است، بلکه به معنای پی بردن به مورد نادرست و اصلاح رفتار، فارغ از ترس افراطی صورت می‌گیرد و شاید بتوان گفت در جریان ارتباط، فراوانی و تعداد جمله‌ها و دستورالعمل‌های منفی و «نه» بسیار کمتر از مثبت‌ها و «آری» است. در این صورت کودکان با هدایت بزرگ‌ترها و با آسودگی و امنیت روانی بیشتر و تکیه بر عنصر شادی و شادکامی در مراکز آموزشی روزگار می‌گذرانند و شخصیت مثبت، غیرمضطرب و مطلوبی پیدامی‌کنند.

امید است، در برنامه‌های تنظیم شده برای کودکان، از این رویکرد نیز با آگاهی و پختگی بهره گرفته شود.





چکیده

در این تحقیق مفهوم مرگ، دیدگاه کودکان پیش دبستانی درباره مفهوم مرگ و راهکارهایی برای والدین جهت کمک به کودکانی که با این مشکل روبه‌رو می‌شوند، با استفاده از روش اسنادی (کتابخانه‌ای) مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری این تحقیق کلیه متون موجود در این زمینه بوده و نمونه‌گیری نداشته است. ابزار مورد استفاده فیش‌برداری بوده و نتایج به‌صورت کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: مرگ، کودکان

پیش دبستانی

مقدمه

مرگ جزئی جدایی ناپذیر و در واقع قطعی‌ترین رویداد زندگی هر فرد محسوب می‌شود؛ زیرا می‌تواند غم و اندوه فراوان، ناامیدی و خشم زیادی به بار آورد. وقتی عزیزی از میان خانواده‌ای رخت برمی‌بندد، علاوه بر ضربه عاطفی‌ای که از این واقعه به‌طور مستقیم به کودک وارد می‌سازد، ناراحتی سایر سوگواران و عوارض عاطفی‌ای که برای آن‌ها اتفاق می‌افتد نیز باعث می‌شود از میزان مراقبتشان از کودک کاسته شود و این خود موجب افزایش سردرگمی و اضطراب بیشتر کودک می‌شود.

بی‌تفاوتی احتمالی و یا واکنش خفیف عاطفی برخی کودکان به‌خصوص در

سنین پایین تا چند هفته پس از مرگ عزیزان لزوماً پدیده‌ای غیرطبیعی و نابهنجار نیست بلکه به دلیل نداشتن درک کامل از بازگشت ناپذیری فرد متوفی و یا ناتوانی در پیش‌بینی پیامدهای منفی آن می‌باشد اما در مواردی که این بی‌تفاوتی یا انکار مرگ طول می‌کشد و یا بروز واکنش‌ها نسبت به مرگ عزیزان بیش از حد به تأخیر می‌افتد، در آینده مشکلات بسیاری می‌تواند به‌وجود آورد. وقتی فرد متوفی یکی از والدین کودک است، اضطراب و بی‌پناهی و فقدان حمایت در کودک آشکارا دیده می‌شود. لذا در هر سنی که قرار دارد، حضور فردی که با وجود سوگواری بتواند به نیازهای پیوستگی و حمایت‌جویی او پاسخ دهد ضروری است. لازم به ذکر است که به‌علت شدت حالات انفعالی، والد باقی‌مانده ممکن است بهترین فرد برای این کار نباشد. (بهمنی، ۱۳۷۷)

امروزه کودکان بیش از آنچه والدین فکر می‌کنند، از واقعیت مرگ آگاه‌اند؛ زیرا آن‌ها در سنین خیلی پایین با تجاربی مواجه می‌شوند که در آن‌ها دیگر زندگی وجود ندارد. (ماسن و همکاران، ترجمه یاسایی، ۱۳۹۲) مثلاً «حیوان اهلی خانه می‌میرد، مراسم تشییع جنازه دیگران از نظرشان می‌گذرد، پدر بزرگ و یا مادر بزرگ می‌میرند، برنامه‌های تلویزیون رویدادهای مرگ را مجسم می‌سازد؛ بنابراین، ضرورت پرداختن به این امر و آشنایی با درک کودکان پیش



کودکان پیش دبستانی و مفهوم مرگ

غفار کریمیان پور، کارشناس ارشد آموزش پیش از دبستان و مدرس دانشگاه پیام نور

گل‌نما مرادی، کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی و مدرس دانشگاه پیام نور

از دبستان با مفهوم مرگ و مردن اهمیت فوق العاده ای دارد. در این مقاله به درک کودکان پیش دبستانی از مفهوم مرگ و ارائه راهکارهایی به والدین و مربیان برای کمک به کودکانی که با این مشکل روبه‌رو می‌شوند، خواهیم پرداخت.

واژه‌های مرگ و مردن در فرهنگ لغات خردسالان متداول است؛ اما درک آن‌ها از این مفاهیم بر حسب سن، رشد شناختی عاطفی - اجتماعی و تجربه‌های آنان متفاوت است. کودکان پیش از دبستان مرگ را به‌عنوان رویدادی دائمی و نهایی انکار می‌کنند و برای آن‌ها مرگ مانند خوابیدن یا مسافرت کردن است. همچنان که فرد بعد از خوابیدن دوباره بیدار می‌شود و یا به سفر می‌رود و دوباره بازمی‌گردد، کودکان تصور می‌کنند مرده هم می‌تواند دوباره زنده شود. در این سنین به‌نظر می‌رسد که کودک قبل از اینکه بفهمد مرگ موجب توقف کلیه اعمال حیاتی می‌شود، معتقد است که مرگ صرفاً باعث از بین رفتن بعضی از اعمال حیاتی بدن از جمله دیدن و حرف زدن می‌شود. کودکان در این مرحله از رشد اغلب عقیده دارند که به کمک اعمال خاص می‌توان از مردن اجتناب ورزید. (نجاریان و خدارحیمی، ۱۳۷۵) در واقع، تا سه سالگی مفهوم مرگ برای کودکان غیرقابل درک است. آن‌ها در سه تا پنج سالگی مرگ را یک مسافرت طولانی مدت

تلقی می‌کنند و غیرقابل بازگشت بودن آن برایشان قابل درک نیست. در این سنین، مرگ برای کودکان معادل خواب تلقی می‌شود و اگر فرصت کافی برای صحبت کردن درباره مرگ را نیافته باشند و یا در اثر برخورد نارسای اطرافیان اضطراب زیادی را تجربه کرده باشند، ممکن است حین خواب دچار مشکلاتی شوند. آن‌ها ممکن است دلیل نبودن فرد با اهمیت در زندگی خود را به رفتار غلط خود نسبت دهند و بنابراین، احساس گناه زیادی کنند. این احساس گناه‌ها ممکن است مشکلاتی جدی در توانایی حفظ آرامش کودک، خوابیدن، غذا خوردن و حفظ ارتباط با همسالان و بزرگ‌ترها را بر جای بگذارد. (بهمنی، ۱۳۷۷)

هرچند مفهوم مرگ حتی برای بزرگسالان هم قابل درک نیست. با وجود این، مسئولیت والدین و مربیان این است که کودک را در تجربه و دانش خود، هرچند هم ناقص باشد، سهیم سازند. رها ساختن کودک در تلاطم گیجی و تحیر به‌هیچ وجه توجیه‌پذیر نیست. والدین و مربیان کودک می‌توانند برای کمک به کودکان خود توصیه‌های زیر را به‌خاطر داشته باشند.

● باید به کودک فرصت داد تا به‌راحتی عزاداری و گریه کند، در مورد خاطراتی که با فرد متوفی داشته است سخن بگوید و احساس محبت یا کینه‌ای را که ممکن

است به فرد متوفی داشته باشد مطرح سازد.

● دیدن بدن متوفی برای کودکان پیش دبستانی به‌هیچ‌وجه توصیه‌نمی‌شود و اطرافیان باید از این کار ممانعت کنند. با توجه به اینکه پرخاشگری‌های کودک اغلب ناشی از ناکامی او در ارضای نیازهای اساسی خویش است، در صورتی که فرد متوفی ارضاکنده بسیاری از نیازهای اساسی، امنیت مادی و عاطفی کودک بوده است، فقدانش به‌عنوان یک ناکامی عمده می‌تواند در کودک پرخاشگری زیادی تولید کند. دیدن بدن متوفی علاوه بر پرخاشگری می‌تواند عواقبی همچون کابوس‌های شبانه، باورهای نادرست از زندگی، مرگ و ترس از خاک، خواب، تاریکی و زیرزمین را برای کودکان به همراه داشته باشد. (بهمنی، ۱۳۷۷)

● کودک در سنین پیش از دبستان به‌دلیل خودمداری در درک پدیده‌ها علت هر آنچه را در اطرافش رخ می‌دهد به خود نسبت می‌دهد. در این هنگام، به احتمال زیاد تصور می‌کند که سبب اصلی مرگ متوفی خود اوست و احساس گناه ناشی از این تصور می‌تواند اضطراب‌زا باشد که آن را در قالب علائم رفتاری متعدد نشان می‌دهد. بنابراین، باید به کودک فرصت داد که بدون شرم، ترس و انکار هیجان‌ات مثبت و منفی خود را به‌راحتی بروز دهد. در این مواقع، وجود بزرگ‌سالی که بتواند

**دیدن بدن متوفی برای کودکان
پیش دبستانی به‌هیچ‌وجه توصیه‌نمی‌شود و
اطرافیان باید از این کار ممانعت کنند**

در حین نشان دادن اندوه خود با آرامش به حرف‌های کودک گوش دهد، او را نگاه کند و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم او را حمایت کند ضروری است.

● به پرسش‌های کودکان باید به زبان کودک و مطابق با قدرت درک او، واقع‌بینانه و توأم با مهربانی و صداقت و بدون احساسات بیش از حد پاسخ داد. مسلماً پاسخ‌ها باید متناسب با سن و رشد ذهنی کودکان باشند. تعبیر و تفسیرهای فلسفی از مرگ برای کودکان به‌ندرت قابل فهم است و غالباً سودمند هم نیست. کودک حق دارد در موقعیتی که بر او هم به‌عنوان یک عضو خانواده اثر می‌گذارد دخالت کند. در این موارد، سکوت بزرگسالان تنها کودک را از فرصت اینکه غم و اندوهش را با آنان در میان بگذارد محروم می‌سازد و چنانچه کودک مجبور به جلوگیری از بروز هیجانات و اندوه خود شود، در آینده به مشکلات عدیدهای دچار خواهد شد. به یاد داشته باشیم که نباید رنج و مرگ را به گناه و تنبیه الهی ارتباط داد؛ زیرا بچه‌ها به‌قدر کافی احساس گناه می‌کنند و نیازی به افزودن تنبیه و مجازات خداوندی نیست. (نجاریان و خداریمی، ۱۳۷۵)

● به کودکان باید کمک کرد تا با توجه به رشد شناختی خود به‌تدریج با مفاهیم مرگ و مردن آشنا شوند. (ماسن و همکاران، ترجمه یاسایی، ۱۳۹۲) مرگ حیوانات و

گیاهان برای آشنا ساختن کودکان با این مفاهیم جالب و مفیدند؛ زیرا کودک در زندگی روزمره خود مرگ گیاهان و جانوران را مشاهده می‌کند و چنانچه مرگ این موجودات و هیجان‌های ناشی از آن‌ها به‌طور مناسب و منطقی با کودک در میان گذاشته شود، او را در مواجهه با مفاهیم مرگ و مردن کمک می‌کند و از ترس او می‌کاهد. می‌توانید گفت‌وگو را با صحبت درباره گل‌ها که در بهار و تابستان می‌رویند و در پاییز و زمستان از بین می‌روند شروع کنید و این مفهوم را به کودک انتقال دهید که همه موجودات زنده زمانی می‌رویند، رشد می‌کنند و سپس می‌میرند.

● اجتناب ورزیدن از اعتراف به مردن یک نفر و گفتن اینکه فرد متوفی به سفر رفته است، توصیه نمی‌شود؛ زیرا این کار می‌تواند کودک را تشویق به فراموش کردن رویدادهای ناخوشایند کند و این امر او را آماده نمی‌سازد تا با واقعیت‌های زندگی کنار بیاید و سازش یابد. والدین نباید با این گفته مسئله را سرپوش بگذارند؛ زیرا برای کودک هیچ نیازی بالاتر از صداقت نیست و عبارت‌هایی همچون «به سفر رفتن»، «به بهشت رفتن»، «پیش خدا رفتن» شبهه‌هایی در ذهن کودک ایجاد می‌کنند و ممکن است کودک این‌ها را از ما بیپرسد: آیا من و مامان بیشتر از خدا، به بابا نیاز نداریم؟ آیا همه آن‌هایی که به سفر می‌روند، دیگر بر نمی‌گردند؟ اگر

قرار است پدر به بهشت برود، پس چرا او را توی زمین می‌گذارند؟ خدا مرا دوست دارد، پس من شاید نفر بعدی باشم که او می‌خواهد ببرد» که خود این سؤالات می‌تواند اضطراب بیشتری برای کودک ایجاد کند.

● بدیهی است که مشارکت دادن کودک متناسب با توان او در مراسم ختم، شب هفت و چهلم و نیز چیدن سفره اطعام می‌تواند در تسریع ایجاد حالت تعادل مؤثر باشد اما چنانچه در موقع تدفین کودک از شرکت در مراسم بترسد، نباید او را مجبور به این کار کرد.

● در جریان مراسم یادبود همواره مسئولیت‌های اجرایی در حد توان کودک به وی محول شود.

به‌خاطر داشته باشیم که به‌جای کودک نمی‌توانیم چنین وضعیتی را تجربه کنیم بلکه فقط می‌توانیم در کنار او تسهیل‌کننده تجربه گذار از فاجعه باشیم.

منابع

۱. هنری ماسن و دیگران؛ رشد و شخصیت کودک، مترجم: مهشید یاسایی، نشر مرکز، ۱۳۹۲.
۲. زندی پور، طیبیه؛ «بهداشت روانی کودکان و رویداد مرگ»، نشریه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۳ و ۴، ۱۳۶۹.
۳. بهمنی، بهمن؛ «کودک و مرگ نزدیکان»، نشریه پیوند، شماره ۲۳۰، ۱۳۷۷.
۴. نجاریان، بهمن و سیامک خداریمی؛ «تبیین مرگ برای کودکان و نوجوانان»، نشریه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۱۷ و ۱۸، ۱۳۷۵.
۵. کریمی، عبدالعظیم؛ «تحول مفهوم مرگ در کودکان»، نشریه رشد معلم، شماره ۹۳، ۱۳۷۲.



پرورش عادت‌های بهداشتی در کودکان مراکز پیش دبستانی

دکتر مرجان گودرزی
پزشک عمومی و خانواده

مفاهیم بهداشتی اساسی و پایه به کودکان در سنین خردسالی زمینه مناسبی را برای چرخه سلامت و سبک زندگی بهداشتی آن‌ها در آینده فراهم می‌آورد.

● پس چه باید کرد؟

همان‌گونه که به فرزندان دوچرخه‌سواری و یا دیگر فعالیت‌های بازی و ورزش را آموزش می‌دهید و سعی دارید از همین سال‌ها مهارت‌ها و عادت‌های سالمی را در آن‌ها شکل دهید، همین‌طور نیز بسیار حائز اهمیت است که در آن‌ها عادت‌های بهداشتی مناسب و مطلوبی را به‌وجود آورید.

منظور از بهداشت فردی مواردی چون شستن دست‌ها، حمام کردن، مسواک زدن دندان‌ها، شانه‌زدن موها و استفاده از توالت به نحو درست و شستن خود بعد از استفاده از هر بار توالت رفتن است. یکی از معمول‌ترین مسائل - که کودکان پیش دبستانی رعایت نمی‌کنند - این است که آن‌ها اغلب اشیاء و مواد و وسایل غیر بهداشتی را به‌دست می‌گیرند و یا به دهان می‌برند. به همین دلیل بسیاری از پزشکان معتقدند که عادت دادن آنان در

این‌ها جمله‌هایی هستند که والدین کودکان معمولاً و به‌طور مرتب تکرار می‌کنند. مطمئناً رابطه نزدیکی بین دست‌های کودکان و وجود میکروب‌ها وجود دارد. مریبان و والدین کودکان را روزانه در بازی‌های مختلف، شن بازی و بازی با وسایل مختلف در پارک و جاهای دیگر مشاهده می‌کنند. کودکان در این حالات حتی ممکن است انگشتان خود را به دهان و یا بینی خود فرو کنند، اشیای کوچک را از زمین و یا روی قالی و کفپوش بردارند، و گاه نیز مشتاقانه و با ولع خاص تکه‌ای خوردنی و یا شیرینی و میوه را از روی زمین بردارند و بخورند. در حقیقت، همه این اعمال و رفتارها از جانب کودکان می‌تواند برای بزرگ‌ترها نگران‌کننده و تأمل برانگیز باشد.

ملزم کردن کودکان پیش دبستان به مسواک زدن، شستن و آب‌کشی کردن دست‌ها گامی بسیار مهم و اساسی در سلامت و نیز پرورش استقلال آن‌هاست. نه تنها آموزش کودکان از نظر رعایت بهداشت فردی به سلامت کلی آن‌ها و اطرفیان‌شان می‌انجامد و نگرانی‌های والدین را کاهش می‌دهد بلکه آموزش

مقدمه

بسیاری از والدین نگران شکل‌گیری عادت‌های بهداشتی فرزندان خردسال خود از سال‌های پایه هستند. به همین دلیل گاه به شکلی وسواس گونه و با برقراری مقررات سخت و انعطاف‌ناپذیر فرزندان خود را ملزم به اجرای بعضی اصول بهداشتی می‌کنند که به گفته خودشان کارگر نمی‌افتد. گاه نیز والدینی یافت می‌شوند که چندان به این مسئله، شاید ناخودآگاه، اهمیت نمی‌دهند و فکر می‌کنند مثلاً شستن دندان‌ها، و یا ملزم کردن کودکان به شانه زدن و شستن دست‌ها در این سنین آن‌ها را آزار می‌دهد و معتقدند که کودکان در سنین بالاتر این مسائل و ضرورت‌ها را خودبه‌خود درک می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: بهداشت، سلامت، بازی

«دست‌هایم را بشوی»، «دندان‌هایم را مسواک بزن»، «آیا از صابون استفاده کردی؟»

این سنین به شستن دست‌ها می‌تواند از بسیاری از بیماری‌ها بکاهد و آن‌ها را از قرار گرفتن در معرض میکروب‌ها دور کند.

به کودکان رعایت نکات بهداشتی و شستن دست‌ها بعد از هر فعالیت مانند استفاده از توالت، بازی در پارک و یا رفتن به خانه دوست و دست‌زدن به خاک، گل و مواد دیگر بازی را آموزش دهید. سعی کنید جدول منظمی برای حمام کردن، شستن دندان‌ها و شانه زدن موها در هنگام صبح و قبل از خواب برای کودکان خود درست کنید. مطمئناً وقتی کودکان در چرخه عادت منظم سلامت قرار گیرند، رعایت آن برایشان طبیعی‌تر می‌شود و شاید وسواس و نگرانی و حتی تکرار و به‌خاطر آوری آن‌ها از جانب والدین کمتر ضروری باشد. یکی از شیوه‌های مؤثر و کارآمد در آموزش، استمرار و پایداری در کسب عادت‌های بهداشتی در این سال‌ها، نقش الگویی و سرمشق قرار گرفتن بزرگ‌ترهاست. والدین باید به‌طور منظم نمونه و الگوی بسیار مناسبی از جهت شستن دست‌ها، مسواک‌زدن، حمام کردن و شانه کردن موها باشند. در نهایت، همیشه باید به‌خاطر داشته باشیم که آنچه در این سال‌های حساس و پایه شکل می‌گیرد، چنانچه درست و منظم صورت گیرد، می‌تواند زندگی سالم

و بهداشتی کودک را در آینده رقم بزند و نگرانی‌های والدین را کاهش دهد. ضمناً، نقش مربیان در مراکز تربیتی مهدکودک، کودکان و پیش‌دبستان را نیز باید بسیار

مهم دانست. چنانچه کودکان در مراکز آموزشی نیز برنامه بهداشتی منظمی را رعایت کنند و بزرگ‌ترها در این فضاها نیز به مسائل بهداشتی کودکان اهمیت دهند و اعمال و رفتارهای بهداشتی کودکان را بعد از هر فعالیت تشویق کنند، مطمئناً این عادت‌ها در کودکان همه‌گیر خواهد شد و استثنای پذیر نیست.

والدین
باید از جهت شستن دست‌ها،
مسواک‌زدن، حمام کردن و شانه کردن و
مرتب کردن موها نمونه و الگوی بسیار مناسبی
برای به وجود آوردن عادات بهداشتی سالم در
فرزندانشان باشند



چهارچوب‌های یادگیری نخستین سال‌های کودکی

دکتر مسعود مرادی، استادیار دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
سمانه ابراهیمی، دانشجوی کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

چکیده

سال‌های اولیه زندگی برای نتایج بعدی بسیار حیاتی‌اند. کودکان میل ذاتی برای یادگیری دارند. این میل می‌تواند با توجه به تجربیاتی که در ابتدا کسب می‌کنند حمایت یا تضعیف شود. آموزش با کیفیت بالا در سال‌های اولیه زندگی کودک می‌تواند باعث ارتقای رشد فکری، زبانی، فیزیکی، اجتماعی و عاطفی، ایجاد آمادگی برای مدرسه و ایجاد یک پایه و اساس برای آموزش‌های آکادمیک بعدی و صلاحیت اجتماعی کودک شود. با تعریف محتوای مورد نظر و نتایج آموزش اولیه کودکان، استانداردهای یادگیری اولیه می‌تواند به فرصت‌های بیشتر برای رشد و یادگیری بهتر در سال‌های اولیه زندگی منجر شود.

کلیدواژه‌ها: یادگیری اولیه، اصول یادگیری اولیه، چهارچوب‌های یادگیری اولیه



مقدمه

بدون شک، سال‌های اولیه زندگی کودک تا پنج سالگی از مهم‌ترین دوره‌های رشد و توسعه توانمندی‌های کودک در کل دوره حیاتش است. کودکان زندگی را کاملاً وابسته به بزرگ‌ترها آغاز می‌کنند و هنگامی که توانایی راه رفتن، محبت کردن، نوشتن و ارتباط برقرار کردن با دنیای اطراف خود را پیدا کردند، به نوجوان تبدیل می‌شوند. پیشرفت انسان به‌طور شگفت‌انگیز در این سال‌ها پیچیده است. بعضی افراد از این دوران به‌عنوان «سال‌های جادویی» یاد می‌کنند. در حالی که والدین به‌عنوان مسئولین اولیه مشغول پرورش کودک خود هستند، عوامل زیادی موجود است که آن‌ها را در این دوران بحرانی یاری می‌دهد. در بسیاری از جوامع پیشرفته، جامعه بستر لازم برای تطبیع والدین با برنامه آموزشی مناسب را فراهم کرده است (Alaska's ELG, 2007).

ریشه‌یابی دیدگاه‌های چندگانه

هیچ تک‌تئوری پذیرفته شده جهانی درباره رشد کودک وجود ندارد. محققان و تعلیم‌دهندگان اساس و پایه تحقیقاتشان را درباره رشد و توسعه کودک بر روی مجموعه متفاوت از باورها و نظریه‌ها بنا نهاده‌اند. یک نظریه مجموعه‌ای از نظرات و عقاید است که یک موضوع اصلی را توضیح می‌دهد در عمل نظریه‌ها برای مدیریت رفتار و فهمیدن اینکه کودکان چگونه یاد می‌گیرند و نیازهای خاص آن‌ها چیست معنی پیدا می‌کنند (Taylor & Byers, 2006).

آموزش‌های اولیه دوره‌های آغازین کودکی بر یادگیری کودکان به‌وسیله بازی براساس تحقیقات ژان پیاژه تأکید دارد. این باور در «قدرت بازی» متمرکز شده است. نظریه بازی ناشی از حس کنجکاوی و تخیل کودکان است که اجازه می‌دهد درس - موضوعی رخ بدهد. از مسائل کلیدی بازی داشتن یک محیط سالم و امن، داشتن فضاهای زیاد، نظارت

صحیح و کیفیت مراقبت از محیط، نگرش مربیان و آگاهی فرهنگی آن‌ها از مراحل یادگیری اولیه است (Tassoni, 2000). یادگیری اولیه به ظهور و گسترش ظرفیت‌های خلاق، اجتماعی، عاطفی، فیزیکی و فکری کودکان اشاره دارد. همه کودکان با یک حس کنجکاوی نسبت به خود و دیگران و دنیای اطرافشان به دنیا می‌آیند. همان‌طور که آن‌ها رشد می‌کنند، توانایی‌ها و خواسته‌هایشان برای یادگیری از طریق روابط با خانواده، دیگر کودکان و بزرگسالان در جوامع را توسعه می‌دهند. یادگیری اولیه پایه و زیربنای یادگیری در طول دوره زندگی می‌باشد. هر کدام از کودکان ویژگی‌های فردی، اجتماعی، زمانی و قومی منحصر به فرد خود را به ارمان می‌آورند. این تفاوت‌ها آن‌ها را در یادگیری اولیه با کودکان دیگر غنی می‌کند (British Columbia ELF, 2007).

چهار چوب‌های یادگیری اولیه

اگر یادگیری اولیه را به‌صورت یک درخت تصور کنیم، خانواده و محیط و جامعه و دولت ریشه‌های آن هستند، یادگیری از طریق بازی تنه درخت و چهار شاخه اصلی آن که همان چهار چوب‌ها را تشکیل می‌دهند عبارت‌اند از: ۱. تندرستی و تعلقات، ۲. اکتشاف و خلاقیت، ۳. تفاوت‌ها و مسئولیت اجتماعی، ۴. زبان و سوادآموزی، حال به اختصار به توضیح این چهار شاخه می‌پردازیم.

۱. تندرستی و تعلق

حس تندرستی و تعلق برای کودکان حیاتی است. کودکان در سال‌های اولیه زندگی سلطه خود را بر روی جسم‌شان و کارهای روزانه‌شان توسعه می‌دهند. تأمین سلامتی و تندرستی آن‌ها در طول زندگی و تأمین آن‌ها با حس تعلق به مکان - یعنی حس اینکه در محیطی هستند که روابط آن‌ها و فرهنگ آن‌ها تثبیت شده است

- برای اعتماد کودکان ضروری است تا بتوانند ظرفیت‌های خلاق خود را کشف کنند.

۲. اکتشاف و خلاقیت

ظرفیت برای کشف و ایجاد خلاقیت برای بهتر کردن زندگی ضروری است. در حین بازی کودکان کنجکاوی طبیعی خود را درباره جهان بیان می‌کنند و اهداف چندگانه یادگیری زودهنگام را به‌طور هم‌زمان کشف می‌کنند. حمایت کردن از بازی اکتشافی کودکان احتمالاً از مهم‌ترین معنی‌ها برای ترویج دادن یادگیری معنی‌دار در کودکان است.

۳. تفاوت‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی

تجربیات یادگیری کودکان در سال‌های اولیه تأثیرات بلندمدت بر تمام زندگی آن‌ها و هم‌چنین آینده بومی، ایالتی و بین‌المللی آن‌ها دارد. کودکان از فرصت‌ها برای ساختن روابط سود می‌برند، برای یادگیری درباره میراث و فرهنگ خود و دیگران، فهمیدن روابط بین عمل‌های خودشان و جهان بزرگ‌تر و وسیع‌تر تلاش می‌کنند. این فعالیت‌ها کمک می‌کند که پایه‌های اخلاقی برای سلامت اجتماعی و تندرستی محیطی در حال حاضر و آینده را بسازند.

۴- زبان و سوادآموزی

توسعه زبان و سوادآموزی در بین کودکان آن‌ها را با یک پایه قوی از یادگیری موفقیت‌آمیز در طول دوره زندگی تأمین می‌کند. سوادآموزی یک اصطلاح گسترده برای توصیف رشد فیزیکی، عاطفی، اجتماعی، خلاق زبانی و ارتباطاتی در میان کودکان خردسال است.

نتایج تحقیقات

تحقیقات آمریکای شمالی بر رشد کودکان نشان داده است کودکان و نوزادان

نوپا برای ایجاد یک پایه امن برای کشف جهان نیاز به تشکیل یک دلبستگی قوی به مراقبان اولیه خود دارند. دلبستگی قوی به کودکان این حس اعتماد به نفس را که آن‌ها نیاز به ساختن مفاهیم معنی دار از هم‌سنان، بزرگ‌ترها و والدین و محیطی که در آن زندگی می‌کنند می‌دهد. نتایج یک تحقیق در میشیگان نشان داده است که کودکان که در سه و چهار سالگی از خانواده‌های با درآمد پایین به‌طور تصادفی انتخاب شدند، پنج برابر بیشتر از کسانی که در کودکی آموزش‌های قبل از دبستان را دیدند و به قانون‌شکنان مزمین در هجده سالگی تبدیل شدند (L. J. Schweinhart & et al, 2005). همچنین مطالعه مذکور نشان داد که افراد کم‌درآمد که در یک برنامه پیش از دبستان با کیفیت متوسط شرکت کرده بودند در ۴۰ سالگی درآمد سالانه حدود ۵۵۰۰ دلار بیشتر از آنهایی که این دوران را نگذرانده بودند به‌دست آوردند. علاوه بر این، این

مطالعه نشان داد که افراد با درآمد پایین که در کودکی در دوره‌های آموزشی پیش از دبستان شرکت کرده بودند تحصیلات به‌تر، دارای مسکن و ازدواج‌های طولانی‌تر نسبت به آن‌ها که شرکت نکرده بودند داشتند. مطالعه دیگر نشان می‌دهد که کودکان خانواده‌های کم‌درآمد که برنامه‌های آموزشی پیش از دبستان را با کیفیت نسبی می‌گذرانند، کمتر نیاز به آموزش خاص، تکرار دوره و یا درآینده با قانون دچار مشکل شدن را دارند (Cappelloni, 2013). کودک باید توجه و تأثیر مثبت برای رشد اخلاق سالم و فردی دریافت کند. یک باور نادرست در بین افراد وجود دارد که می‌گویند ساعات بیشتری از آموزش و پرورش رسمی برای یک کودک مزایای بیشتر نسبت به توازن بین آموزش رسمی و خانواده دارد. بررسی‌های نظام‌مند بین‌المللی نشان می‌دهد که مزایای آموزش اوایل دوران کودکی از تجربه مشارکت به‌دست آمده است. بیش از ۲/۵ ساعت در روز تا حد زیادی به نتایج رشد کودک اضافه می‌کنند. به‌خصوص وقتی که کودکان از سایر تجارب و تماس با خانواده جدا شوند (Farquhar, 2008)

آن‌ها ایجاد محیط با محبت و با تحرک برای کودک است. دیگری نظارت منظم بر رشد سالم اوست و وظیفه دیگر کمک به کودک برای ایجاد تصویر خوب از خود (نگرش مثبت به خود به‌عنوان یک فرد مفید) است. اگر چه برای ایجاد تصویر خوب از خود والدین تنها عامل تأثیرگذار نیستند ولی داشتن رابطه مشترک بزرگ و ارانه، ابراز همدردی و احترام، اهمیت دادن پذیرش کودک بدون تعیین شرط و شروط، تشویق رفتار و تفکر آزاد و دادن استقلال رفتاری و فکری در چهارچوب‌های مشخص مسلماً بهترین کارها برای ایجاد چنین تصویری خوب از خود می‌باشد. در کل، آنچه می‌خواهیم بگوییم و لازم است والدین بدانند این است که کودک از بدو تولد شروع به جذب اطلاعات می‌کند و قسمت زیادی از این اطلاعات را از والدین می‌گیرد. بنابراین، مسئولیت کامل یادگیری‌های اولیه کودک برعهده والدین است و نقش آن‌ها به‌عنوان معلم اهمیت زیادی دارد.

منابع

1. Alaska's Early Learning Guidelines (2007), developed by both the department of Education and Early development, division of Teaching and learning support, office of Special Education, Head Start Collaboration Office and the department of Health and social services, division of Public Assistance Child Care Program Office.
2. British Columbia Early Learning Framework, Co-published by the Ministry of Health and the Ministry of Children and Family Development. Issued by the Early Learning Advisory Group.
3. Byers, Elisabeth & Taylor, Wendy (2006). Understanding Early Years: Theory in Practice. Heinemann Educational Publishers.
4. Cappelloni, Nancy (2013). Kindergarten readiness, National Education Association, Educational Consultant, Texas.
- Farquhar, Sarah-Eve (2008). The benefits & Risks of Childcare (ECE) for young children: A Review of the best Available NZ and International Research. New Zealand: Child Forum.
5. Schweinhart, Lawrence J.; Montie, J.; Xiang, Z.; Barnett, W.; Belfield, R. & Milagros Nores (2005). Lifetime Effects: The High Scope Perry Preschool Study Through Age 40. Ypsilanti, MI: High/Scope Press. pp. 194-215
6. Tassoni, P (2000). Early childhood education. London: Heinemann Educational



از آنچه گفته شد درمی‌یابیم که پدر و مادر نقش‌های متعددی را در زندگی کودک ایفا می‌کنند. یکی از





- اعتماد به نفس و شادابی کودک را افزایش می‌دهد. (رشد عاطفی).
- کودک می‌تواند به صورت گروهی کار دست‌های درست کند، هنگام ساختن آن نظر دیگران را بپرسد و در آخر، با نشان دادن اثرش و واکنش اطرافیان را ببیند. (رشد اجتماعی).

پژوهش‌های اخیر نیو و برد کمپ

حاکمی از آن است که کودکان در صورت برخورداری از محیط برانگیزنده و پرورش دهنده در زمینه خلاقیت، رشد و نمو خواهند داشت. این یافته‌ها با توجه به رویکردهای آموزشی، که در یک مدرسه ایتالیایی به نام رگیو امیلیا^۱ به کار گرفته می‌شود، مورد تأیید قرار گرفته است. رویکردهای آموزشی در این مدرسه شور و شوقی در زمینه خلاق بودن برنامه‌های درسی ایجاد کرده است.

بررسی کار دست‌های پیش دبستانی‌ها در مدرسه رگیو امیلیا نشان می‌دهد که این رویکردها رشد و استمرار فرایندهای خلاق را در کودکان تسهیل می‌کنند.

شما نیز می‌توانید کودکان را به جمع‌آوری اشیاء دورریختنی، مانند بطری و جعبه و انواع مواد طبیعی مثل سنگ، شاخه و پروانه، تشویق کنید تا همیشه مجموعه‌ای از مواد در دسترسشان باشد و از آن‌ها برای ساخت وساز الهام بگیرند.

پی‌نوشت

1. Reggio Emilia

منابع

۱. طالبزاده نوبریان، محسن؛ اصول و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش پیش از دبستان. جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۵.
۲. مفیدی، فرخنده؛ آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستانی. دانشگاه پیام‌نور، ۱۳۸۹.

تاکنون بارها و بارها کودکانی با خمیر بازی چیزهایی ساخته و با ذوق به من نشان داده‌اند.

بارها شاهد بوده‌ام که کودکی از ساختن چیزی با گل (سفالگری) لذت برده است.

بارها و بارها با دیدن ذوق و شوق کودک از قیچی کردن و چسباندن و درست کردن کار دست‌های من نیز ذوق زده شده‌ام. شما نیز تاکنون حتماً شاهد هیجان کودکی از کشیدن یک نقاشی یا خمیر بازی یا ساختن کار دست‌های بوده‌اید.

هر کودکی نیروی خلاقه‌اش را طی دوران رشد خود گسترش می‌دهد. او کشف می‌کند که می‌تواند اندیشه و احساسش را با مواد و امکانات موجود بیان کند. توانایی کودک در بیان احساسات و افکار خود با تسلط تدریجی بر کار با مواد افزایش می‌یابد که خود نشانه‌ای از رشد است. هر قدر کودک راه‌های بیشتری برای نشان دادن روابط فضایی ساده کشف کند، از قدرت تصور بهتری برای ترسیم این روابط برخوردار خواهد شد. هر چه روش‌های متنوع‌تری را برای ساخت و ساز امتحان کند، قدرت ابداع و خلاقیتش بیشتر پرورش می‌یابد.

کودکان می‌بینند، می‌پرسند، تمرین و تکرار می‌کنند و شکل‌های گوناگون می‌سازند. تعامل مربیان و والدین باید به گونه‌ای باشد که کودک ویژگی‌های خود را آزادانه بروز دهد.

یکی از سرگرمی‌های مهم کودکان ساختن کار دست‌های است. کودکان هر چه بیشتر با مواد و ابزار دست‌ورزی کنند، توانا تر می‌شوند. کار دست‌های خلاقیت و تفکر را پرورش می‌دهد و بر دقت و اعتماد به نفس می‌افزاید. همچنین، باعث هماهنگی حواس و همکاری می‌شود.

ساختن کار دست‌های بر جنبه‌های مختلف رشد کودک (جسمانی، عاطفی، اجتماعی، شناختی و زیبایی‌شناختی) تأثیر می‌گذارد؛ از جمله:

- باعث افزایش قدرت و توانایی کنترل عضلات می‌شود و بین حواس پنج‌گانه هماهنگی ایجاد می‌کند. (رشد جسمانی).
- با توجه به اینکه هدف‌دار است، باعث تقویت فرایند تحلیل در مغز می‌شود (رشد شناختی).
- خلاقیت کودک را تقویت می‌کند. (رشد زیبایی‌شناختی و خلاقیت).

نرگس دهستانی اردکانی
کارشناس ارشد پیش از دبستان

کار دست‌های و رشد خلاقیت و تفکر کودکان

نگا، چی درست کردم، مامان!



فرزندم با دیگران فرق دارد

سردبیر

از دوران خردسالی، نگرانی‌ها نیز در مورد درمان و برخورد با آن‌ها افزایش یافته است. به‌طور معمول این بیماری در سنین قبل از دو و دو سال ونیم سالگی آشکار می‌شود. ویژگی‌هایی که بیشتر در کودکان اتیستیک یا در خود فرورفته و یا در خودمانده دیده می‌شود در چند مقوله بیشتر نمایان هستند. چون خود این کودکان نیز تفاوت‌هایی را با یکدیگر دارند. میزان رشد، پاسخ به تحریکات حسی، توانایی گفتاری زبانی و شناختی و از همه مهمتر توانایی برقراری ارتباط با افراد، وقایع، اشیا و

خواهشمندم بگویید که چه انتظاری باید از مریدان در مورد این کودکان و در مهدهای کودک داشت؟

پاسخ: سلام می‌کنم خدمت مادر عزیز پسرچه زیبایمان. مطمئن هستیم که درباره علل و روش‌های ارتباط با کودکان اتیستیک اطلاعاتی را کسب کرده‌اید. در سال‌های اخیر با توجه به افزایش میزان تشخیص و شناخت این دسته از کودکان و به‌ویژه

سؤال: مادری هستم ۳۷ ساله که صاحب فرزند پسر شده‌ام که بسیار زیبا است و هیچ مشکل آشکاری از نظر فیزیکی ندارد ولی الان که سه سالش شده است، متوجه شده‌ام که واقعاً با دیگر کودکان فرق دارد. پزشکان گفته‌اند بیماری اتیسم دارد. الان که به مهدکودک می‌رود مشکلاتی را گزارش می‌دهند. البته اطلاعاتی در مورد این بیماری دارم ولی



میزان رشد، پاسخ به تحریکات حسی، توانایی گفتاری زبانی و شناختی و از همه مهمتر توانایی برقراری ارتباط با افراد، وقایع، اشیا و رویدادها در کودکان اُتیستیک قابل بررسی است و از مشخصه‌های تشخیصی آن‌ها محسوب می‌شود

رویدادها در این کودکان قابل بررسی است و از مشخصه‌های تشخیصی آن‌ها محسوب می‌شوند. اگرچه پژوهشگران معتقدند که این اختلال علل ارگانیک دارد ولی ناتوانی در برقراری ارتباط اجتماعی و عاطفی با دیگران از ویژگی‌های اصلی اختلال کودکان در خود مانده می‌باشد. این نشانه‌ها به شکل فقدان رابطه متقابل عاطفی، فقدان گفتار، به‌جز صداهای ساده یا **پژواک‌گویی** (به‌صورت تکرار گفته‌ها به جای پاسخ به آنچه گفته می‌شود) و حرکات کلیشه‌ای و تکراری مانند تکان دادن دست‌ها و تکان دادن بدن و بالاخره محدودیت در مهارت‌های خودیاری و انجام کارهای شخصی نمایان‌ترند.

اما نکته مهم که شما مادر عزیز خواهان اطلاع از آن می‌باشید نقش بزرگ‌ترها و به‌ویژه مربیان عزیز در مهدهای کودک است. باید بگویم که البته اگر این دسته از کودکان نتوانند خود را با محیط پیش از دبستان تطبیق دهند و از آنجا که تخصص‌های لازم برای ارتباط با این کودکان در این مراکز معمولاً موجود نیست، حتماً باید به مراکز خاص بروند تا تحت نظر کارشناسان زبده و مراکز کودکان استثنایی تحت حمایت، آموزش و مراقبت قرار گیرند. مهم این است که ما هرگز نباید نقش حمایتی، هدایتی خود را

فراموش کنیم و اما این کودکان در محیط‌هایی که امنیت و آرامش حکم‌فرماست بهترین کارکرد را دارند. والدین به‌عنوان بهترین منبع جهت درک آن‌ها و چگونگی به‌وجود آوردن یک محیط قابل پیش‌بینی به‌شمار می‌روند، ارتباط منظم و همیشگی مربیان با والدین، به آن‌ها در درک علایق، ترس‌ها، ناراحتی‌ها و پاسخ‌های آن‌ها به محرکات محیطی کمک‌شایان توجهی می‌کند. از آنجا که این کودکان به آسانی وحشت‌زده می‌شوند ممکن است تغییر در محیط، فعالیت‌ها و آنچه می‌گذرد باعث ناراحتی‌شان شود و در برابر دیگران مقاومت داشته باشند. بنابراین، باید با حوصله از آنچه قرار است اتفاق بیفتد آن‌ها را به موقع مطلع نمایند. برای مثال، قبل از لمس کردن کودک و گرفتن دست‌هایش باید مربی به او بگوید که می‌خواهم لباس‌ها را بپوشانم و یا قبل از تغییر در هر فعالیت به او بگویم که مثلاً حالا می‌خواهیم اسباب‌بازی‌ها را کنار بگذاریم و خوراکی بخوریم.

به این ترتیب، از قبل کودک را برای رخدادهای جدید و تغییرات محیطی آماده می‌کنیم. آموزش مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی مانند راه‌های درست پاسخ دادن به دیگران و ابراز نیازهایشان از جمله فعالیت‌های دادن‌هایی است که مربیان

باید از آن‌ها اطلاع داشته باشند. مربیان باید سعی کنند نشانه‌ها و علائم راهنمایی را برای ارتباط با این کودکان مورد استفاده قرار دهند. مثل دست کشیدن به‌صورت خود برای تشویق به نگاه کردن و یا اشاره به شکم برای انتقال پیام غذا خوردن و مانند این‌ها. البته شما مادر عزیز باید بدانید که در مراکز استثنایی مربیان و متخصصان اطلاعات و آموزش‌های خاص این کودکان را دارند و نباید از مربی معمولی مراکز پیش‌دبستان انتظار داشته باشید که تمام توجه خود را معطوف کودک شما بکند و حتماً باید از دیگر کارشناسان مانند گفتار درمان و مشاور نیز کمک بگیرید. برای شما آرزوی تندرستی و تاب‌آوری خوبی را آرزو می‌کنم و برای کودک زیبای‌تان نیز ارتباط بهتر اجتماعی و سلامتی آرزو مندم.

هر چند که گزارش‌های آماری مشخص از کودک آزاری در مهدهای کودک و پیش‌دبستانی‌ها در دست نیست اما امکان این‌که هر مربی پیش‌دبستانی میزبان کودکی قربانی در کلاس خود باشد دور از ذهن نیست. لذا میزان آگاهی و مهارت مربی، چه به لحاظ شناسایی و چه به لحاظ نحوه مواجهه با این کودکان و اولیای آن‌ها بسیار حیاتی است. بر خلاف آنچه عموماً تصور می‌شود، کودک آزاران لزوماً افرادی غریبه نیستند. بیشتر موارد کودک آزاری از سوی افراد آشنا و بزرگسالان نزدیک به کودک مانند پدر و مادر، افراد فامیل، معلمان یا آشنایان خانوادگی انجام می‌شود. برخی اولیا با تصور اینکه روش تنبیهی که علیه کودک خود در پیش می‌گیرند تنها روش تربیتی مؤثر است، گاه ناخواسته آسیب‌هایی جبران‌ناپذیر را متوجه فرزند خود می‌سازند. از این‌رو، آموزش در این زمینه به خانواده‌ها امری ضروری است. هم‌چنین، هم‌مربی و هم‌والدین باید بیاموزند که برای جلوگیری از سوءاستفاده افراد سودجو و اشخاص منحرف از کودک و اعمال هرگونه خشونت علیه او باید آگاهی‌هایی مفید به نحو مقتضی در اختیار کودک قرار گیرد و با روشنگری‌های به موقع، از جمله آشنا کردن کودک با حقوق خود در چارچوب پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک و معرفی مراکز مداخله‌گر و حمایتی در زمینه کودک آزاری مانند نیروی انتظامی (۱۱۰)، اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی (۱۲۳)، و صدای یارا (۴۲۱۵۲)، آنان را نسبت به تهدیدها و خطراتی که در کمینشان است،

مستندات تاریخی در خصوص پیشینه کودک آزاری به سال ۱۸۹۸ و مادر بزرگی از ایالت ویرجینیا برمی‌گردد که نوه ۱۵ ماهه‌اش در اثر شدت ضربات مادر در آغوش او جان سپرد. این مادر بزرگ اولین کسی بود که برای یادآوری کبودی‌های بدن نوه‌اش با نصب روبان آبی بر ماشین خود اعتراضش را به این پدیده شوم ابراز کرد و برای آگاهی‌رساندن به مردم و تأکید بر لزوم برنامه‌های پیشگیری از کودک آزاری اولین گام‌ها را برداشت.

کودک آزاری پدیده‌ای پیچیده و مانند هر آسیب اجتماعی دیگر، چند وجهی و ناشی از عوامل زیستی، روانی، اجتماعی، و معنوی بوده که رد پای آن در اکثر قریب به اتفاق آمارهای جهانی دنیا مشهود است. آزار کودکان و اعمال خشونت نسبت به آن‌ها مخصوص جامعه و طبقه‌ای خاص نیست و امروزه تمامی کشورها به نحوی با آن دست به گریبان‌اند. کودکان به دلیل شرایط خاص جسمانی، بیش از دیگران در معرض خشونت و آسیب‌دیدگی قرار داشته و در مقابل از کمترین حمایت‌های حقوقی، اقتصادی، و اجتماعی برخوردارند. سازمان بهداشت جهانی در تعریف این عمل غیرانسانی، آن را رفتاری غیرطبیعی می‌داند که به آزار رساندن به خود و دیگران به لحاظ جسمی، روحی و یا توان منجر شود. طبق گزارش‌های این سازمان، روزانه بیش از ۲۳ کودک در جهان در نتیجه بدرفتاری والدین می‌میرند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند افرادی که در کودکی بیش از چهار بار مورد آزار قرار گرفته و آثانی که حتی خود قربانی نبوده ولی شاهد کودک آزاری بوده‌اند، ۱۲ برابر بیش از دیگران با خطر انحرافات اجتماعی روبه‌رو می‌شوند که قاتلان زنجیره‌ای و آزارگران از جمله این افراد هستند.

کودکان به شیوه‌های جنسی (هرگونه عمل جنسی بین یک بزرگسال و یک کودک با نیت لذت جنسی)، جسمی (هرگونه آسیب جسمی غیرتصادفی حتی اگر عامل این آسیب مراقبت کننده از کودک بوده و قصد آسیب‌رسانی به کودک را نداشته باشد)، غفلت (فراهم نکردن نیازهای اولیه کودک شامل نیازهای عاطفی، جسمانی و تحصیلی) و روانی (هرگونه نگرش یا رفتار که سلامت روانی یا رشد اجتماعی کودک را به مخاطره اندازد) مورد آزار قرار می‌گیرند.

کودک آزاری در ایران تا حدودی ریشه فرهنگی داشته و امری تربیتی تلقی می‌شود. برخی خانواده‌ها هنوز به گونه‌ای سنتی به نقش تنبیه در پرورش کودک معتقدند و چون این امر بنا به ماهیت خود در خفا و پنهان صورت می‌گیرد، آمار دقیق در این زمینه وجود ندارد. بسیاری از والدین صرف نظر از سطح سواد و تمکن مالی ممکن است با بسیاری از انواع کودک آزاری آشنا نباشند. چنان‌که نهادهای متولی حمایت از کودکان حتی محرومیت از تحصیل را در زمره کودک آزاری برمی‌شمارند در حالی که فرهنگ برخی مناطق ایران متوجه این تأکید است که کودک کمک حال معاش و اقتصاد خانواده است؛ بنابراین تحصیل او در اولویت‌های توجه خانواده قرار نمی‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: کودک آزاری، خشونت، اورژانس اجتماعی

سیدغلامرضا فلسفی
کارشناس دفتر تألیف

پدیده کودک آزاری و رسالت مربی پیش‌دبستانی

مطلع و بیدار کرد.

برای این که بتوانید کودک قربانی را شناسایی کنید، به برخی از نشانه‌ها و علامت‌های مربوط به کودک آزاری به شرح زیر اشاره می‌شود.

- رفتارهای ناشی از ترس، منفعل شدن، تمایل به فرار از محیط خانه یا مرکز پیش‌دبستانی و دوری از بزرگسالان

- لکنت زبان، مکیدن انگشت یا خوردن مو، افزایش کابوس‌های شبانه و شب‌اداری

- افسردگی و انزوای طلبی، احساس خستگی یا بی‌حوصلگی مداوم

- تمایلی سیری‌ناپذیر به کسب رفتارهای محبت‌آمیز

- رفتارهای آسیب‌زننده، خودآزاری، تحقیر کردن یا خوار شمردن خود

- معده درد، دردهای شکمی یا سردردهای بدون علت مشخص و کاهش یا افزایش

غیرطبیعی وزن

- و هرگونه جراحت که کودک در مورد آن واقعیت را نگوید.

به‌طور معمول، کودک پیش‌دبستانی مهارت‌های کلامی و ارتباطی لازم را برای توضیح دادن آزار و اذیتی که بر او رفته است ندارد یا ممکن است از درک و خامت اوضاع عاجز باشد.

لذا، باید تغییرات رفتاری کودکان را به دقت مشاهده کرد. اگر براساس نشانه‌های مذکور به این نتیجه رسیدید که کودکی قربانی، پناهجوی کلاس شماسست، اقدامات اولیه

زیر می‌توانند مفید تلقی شوند:

- کودک را به محلی امن و آرام ببرید.

- اطلاعاتی دقیق از چگونگی آزارهایی را که به او رسیده است به نحوی کسب کنید که

او درک کند شما حرف‌هایش را باور دارید.

- آرام باشید و کودک را عصبانی نکنید.

- با دقت به گفته‌های کودک توجه کنید، چرا که شاید در آینده لازم شود

صحبت‌های او را به خاطر آورید.

- برای این که کودک درباره آزارهایی که دیده

است صحبت کند، به او اطمینان دهید

که شما از این که او مشکل خود را

مطرح کرده است خوشحالید

و تصریح نمایید که مشکل

پیش آمده تقصیر او

نیست و به او کمک

می‌کنید تا در آینده

این واقعه به هیچ

وجه تکرار نشود.

- در حضور

کودک از کسی که

آزار را مرتکب شده

است بد نگوئید.

- اگر فکر می‌کنید

کودک می‌خواهد

مطالبی را بگوید اما

به دلیل ترس خودسانسوری

می‌کند، او را تشویق کنید

که سرگذشت خود را به کمک

عروسک، اسباب‌بازی‌های دیگر و یا از

طریق تلفن برایتان نقل کند.

کودک

ممکن است

به این شیوه

راحت‌تر صحبت

کند.

- فوراً به مقامات مسئول

در این زمینه گزارش دهید.

منابع

- خوشای، کتابون؛ کودک‌آزاری، نشر قطره، تهران،

۱۳۸۸.

- صیدی، معصومه؛ در سوگ زندگی، انتشارات شیرازه،

تهران، ۱۳۸۶.

- تقوی، اعظم، و فاتحی‌زاده. مریم؛ کودک‌آزاری.

انتشارات دانژه، تهران، ۱۳۸۷.

تربیت بدون خشونت (کودک‌آزاری از نظر فقه شیعه)

www.unicef.org/iran/fa/cp-farsi.pdf

سازمان بهزیستی کشور

www.behzisti.ir

انجمن حمایت از حقوق کودکان

www.irsprc.org

خانه امن

www.khane-amm.org

www.khane-amm.org

www.khane-amm.org

www.khane-amm.org

www.khane-amm.org

www.khane-amm.org

www.khane-amm.org

www.khane-amm.org

www.khane-amm.org

www.khane-amm.org

www.khane-amm.org

www.khane-amm.org

www.khane-amm.org

www.khane-amm.org

www.khane-amm.org

www.khane-amm.org

www.khane-amm.org

www.khane-amm.org

www.khane-amm.org

www.khane-amm.org

www.khane-amm.org

www.khane-amm.org

www.khane-amm.org

www.khane-amm.org

www.khane-amm.org

آب بازی شیرین ترین بازی

فریده عصاره

اشاره

حالت شگفتی به من نگاهی می اندازد. یک لحظه شیر را می بندم و توجهش را به سقف جلب می کنم. به او می گویم: «نگاه کن بارون داره میاد.» او هم کلمه «بارون» را به طور ناقص تکرار می کند. دوباره شیلنگ را دستش می گیرد. این بار جریان آب را به سمت دیوارها نشانه می گیرد و از تماشای برخورد آب به دیوارها و برگشت قطرات آب به خودش کیف می کند. انگشتش را جلو جریان آب بر سر شیلنگ قرار می دهد و با درست کردن فواره بلندتر، آب را به جاهای بالاتر می پاشد و خنده های پیروز مندا نه اش هر لحظه بیشتر و بیشتر می شود.

حالا دیگر از پاشیدن آب به این طرف و آن طرف علاوه بر خودش من هم خیس شده ام. نزدیکش می شوم؛ چون فکر می کند می خواهم شیلنگ را از دستش بگیرم. بایک جیغ مرا از صحنه دور می کند و هر بار که جریان آب را به این طرف و آن طرف می پاشد نگاه شوق آمیزی به من می اندازد و می گوید: «آبه! آبه!»

در فکر آنم که به گونه ای که متوجه نشود آب را ببندم و از هدر رفتن آب جلوگیری کنم که بر اثر برخورد آب، صابون از روی روشویی قلمپ در آب کف حمام می افتد. با دیدن آن به پهنای صورتش می خندد. به سمت آن می رود و شیلنگ را می کند. من هم فرصتی می یابم و آب را می بندم.

چند بار تلاش می کند صابون را در دستش بگیرد، ولی هر بار از دستش سر می خورد و می افتد. می گویم: «صابون لیزه.» او هم کلمه «لیزه» را به طور ناآشکاری تکرار می کند.

هنوز مشغول بازی با صابون است که بیرون می روم و سبد اسباب بازی هایش را می آورم. وقتی برمی گردم پایکوبان پاهایش را شلپ شلپ در آب جمع شده در کف حمام می زند و شوق و شعف و خنده سراپای وجودش را پر می کند. حقیقتاً وجود کودکان برای شادی چه گنجایشی دارد!

دو تا کتاب داستان پلاستیکی را در تشت آب می گذارم. توجهش به سمت آن ها جلب می شود. دستش را روی کتاب می گذارد و آن را در آب فرو می برد. وقتی دستش را از روی کتاب برمی دارد با برگشت کتاب روی آب از خنده روده بر می شود. چند بار این کار را تکرار می کند. اسباب بازی های دیگر را در تشت آب می اندازد. برخی از آن ها روی آب شناور می مانند، برخی زیر آب می روند. کف دستش را روی اشیاء شناور می زند و سعی می کند آن ها را به زیر آب فروبرد. لباس عروسک (خرس) را در می آورد و در تشت آب می اندازد. چند بار آن را در آب فرو می کند و بیرون می آورد. آن را فشار می دهد و

در این مقاله، که در آن چند نمونه واقعی از مشاهدات یک کودک است، می خوانیم که آب، این مایه حیات عامل آرامش و تسکین اعصاب کودکان، لذت بخش ترین بازی، محمل مناسبی برای کسب تجربیات و آموزش برخی مفاهیم برای کودکان است.

کلیدواژه ها: آب، آب بازی، بازی، خوابیدن نوزاد، کودکان، شنای نوزاد، شور و شعف آب بازی

سیزده ماه و پنج روزگی

از او می پرسیم «کتیف کردی؟» چشمانش برقی می زند و با خوشحالی می گوید: «ان» «هبو» یعنی بله، بریم حمام. اولین واژه ای که تکلم کرد کلمه «حمام» بود؛ چون آنجا برایش بهترین مکان دنیاست.

دیگر منتظر عکس العمل من نمی شود. به سرعت برق و با اشتیاق هر چه تمام تر خودش را به در حمام می رساند. ضربه ای به در می کوبد. در را برایش باز می کنم. بدون هیچ تأملی خودش را به شیر دوش آب می رساند؛ بدون اینکه نگاه کند. از ترس اینکه مبادا نگاهم پیام ممانعت را به او القا کند و او را از مقصودش دور سازد. با سرعت پدال دوش حمام را بالا می زند پخش شدن آب دوش هر دو بمان را خیس می کند. دوش را می بندم و تشتت پر آب را جلوی می گذارم. در این فاصله پوشکش را باز می کنم و متوجه می شوم کتیف نکرده است. به او می گویم: «تو که کتیف نکردی! نگاهم می کند و لبخندی تحویلیم می دهد.»

چهارده ماه و بیست روزگی

در حمام باز است. چشم مرا دور می بیند و خودش را به آنجا می رساند. وقتی او را می یابم که شیلنگ آب در دستش است و آب آن را به کف حمام می ریزد. نگاهم می کند. من هم با لبخندی، رضایت و پاسخ مثبتم را به او اعلام می کنم.

فشار آب را کمی بیشتر می کند. آب با فشار بیشتری سرازیر می شود. سر شیلنگ را بالا می گیرد و چون آب فشار دارد، جریان آب به یک متری بالاتر از قدش فوران می کند. نگاهم می کند، می خندد و می گوید: «آبه» من هم با او می خندم.

این بار شیر آب را تا آخر باز می کند. با فشار انگشتش بر جریان آب، فوران آن به سقف می زند. نگاهی به سقف می اندازد که شرشر آب همانند باران برمی گردد. مسست در قاه قاه خنده می شود و با

بحث و بررسی درباره آب و آب بازی

آب، این ماده با ترکیب اکسیژن و هیدروژن چه خاصیتی دارد که بچه‌ها از هم‌نشینی و بازی کردن با آن لذت می‌برند و ساعت‌های متمادی از آن خسته نمی‌شوند. هم دیدنش هم شنیدنش و هم بازی با آن برایشان تا این اندازه دلپذیر و روح‌بخش است.

افرادی که در زمینه روان‌شناسی بازی کودکان فعالیت می‌کنند، بر این باورند که آب بازی از لذت‌بخش‌ترین بازی‌های کودکان است. به طوری که بچه‌ها ساعت‌ها از بازی با آب خسته نمی‌شوند و شور و شغف بیشتری را نسبت به بازی‌های دیگر از خود بروز می‌دهند. آب بازی موجب تسکین اعصاب، فشارها و تنش‌های روحی آنان است و همه جوانب شخصیتی کودکان را رشد می‌دهد. این کار باعث هماهنگی چشم و دست، تقویت ماهیچه‌های ظریف بدن، تقویت احساسات و عواطف آنان و بالا رفتن شناختشان درباره پدیده‌ها و محیط اطرافشان می‌شود. ارتقای خلاقیت و کنجکاوی آن‌ها هم که جای خود دارد. به علاوه، زبان و به‌ویژه گنجینه واژگان کودکان را غنی می‌کند و چنانچه بازی با افراد دیگری انجام شود، در رشد اجتماعی و روحیه جمعی کودکان تأثیر می‌گذارد.

آب از نگاه ادیان مختلف مظهر طهارت، پاکی و قداست و رکن اساسی آیین‌های مذهبی است. در دین مبین اسلام نیز قبل از حضور در محضر پروردگار متعال وضو گرفتن امری واجب است. در بسیاری از آیات قرآن آب مایه حیات و منشأ رشد و نمو هستی یافتن معرفی شده است.

خیلی‌ها از نتیجه مطالعات پژوهشگر ژاپنی، «ماسارو ایموتو» بر روی مولکول‌های آب در جاهای مختلف کره زمین مطلع‌اند. او معتقد است که آب همانند ذرات دیگر عالم هستی دارای فهم و شعور است و از احساسات، اندیشه‌ها، مفاهیم دعاها و نیایش‌ها و یا از اندیشه‌های منفی و شیطانی تأثیر می‌پذیرد و آرایش مولکولی آن تغییر می‌یابد؛ به طوری که، آرایش مولکولی بلورهای آب مورد بررسی در برابر کلمه‌ها و عبارات مثبت و مقدس تغییر می‌کند شکل زیبایی به خود می‌گیرد. مثلاً کریستال‌های آبی که در معرض آیه‌های قرآنی قرار داده شده‌اند بسیار زیبا و دیدنی ولی کریستال‌های آبی که در برابر کلمات و عبارات شنیع و تنفرآمیز قرار گرفته‌اند زشت و نازیبا هستند.

بنابراین، آب که پاک و زلال است، همان‌گونه که تصویر افراد را در خود منعکس می‌کند، از انرژی‌های فکری مرتعش شده آنان نیز تأثیر می‌پذیرد. پس اگر کودکان که خود به پاکی و زلالی آب هستند و دارای افکار و احساسات تمام‌قد مثبت‌اند، با آب هم‌نشین و هم‌نوا شوند و آن آب را به یخ تبدیل کنیم، بلورهای آن زیبا و دیدنی می‌شوند. قطعاً آب برای زیبا کردن خود مؤانست و مجالست با کودکان را برمی‌گزینند.

پی‌نوشت‌ها

1. Masaru emoto
2. Htt/www.zohd.ir

سرازیر شدن آب از آن را مشاهده می‌کند.

حالا دیگر نوع بازی‌اش تغییر کرده است؛ مشغول بازی با اسباب‌بازی‌هایش در آب شده و مدتی را با آن‌ها سرگرم است.

وقتی یک ماهه بود؛ در حالت ایستاده، پاهایش را در تشت آب قرار می‌دادم. آن‌ها را در آب و دست‌هایش را نیز در خشکی حرکت می‌داد. شادی و نشاط را در چهره‌اش مشاهده می‌کردم. بعد که قدرت نشستن پیدا کرد، او را در تشت آب می‌نشاندم. شلپ‌شلپ روی آب می‌کوبید و قه‌قهه می‌خندید.

به تدریج که بزرگ‌تر می‌شد، به روش‌های مختلف با آب بازی می‌کرد و بی‌نهایت لذت می‌برد ولی به سختی حاضر می‌شد از آب دست‌بکشد.

در جست‌وجوهای اینترنتی دریافتیم چنانچه نوزاد در آب رها شود، دست و پا می‌زند و شنا می‌کند. از طرفی، سال‌هاست پزشکان زایمان در آب را توصیه می‌کنند. اعتقادشان بر این است که هم موجب کاهش درد زایمان می‌شود و هم چنانچه دمای آب با دمای محیط رحم مادر یکسان باشد، نوزاد از تولد در آب احساس آرامش می‌کند.

خوابیدن نوزاد چهل روزه با نغمه آب

باز از آن روزهاست که بدجوری گریه می‌کند. با هیچ ترفندی ساکت نمی‌شود؛ نه با تعویض پوشک، نه خوراندن شیر، نه لالایی، نه جاروبرقی. او را بیرون می‌بریم بلکه با حرکت ماشین خوابش ببرد. آنجا هم ساکت نمی‌شود. در طول جاده سرسبز کلاردشت رودخانه با جوش و خروشی جاری است. او را به کنار رودخانه می‌بریم. در چهل و پنج دقیقه‌ای که آنجا هستیم، نه تنها بدون هیچ تلاشی مانند لالایی، تکان دادن‌ها در کمال آرامش می‌خوابد بلکه طول راه برگشت را نیز خواب است. در هنگام پیاده شدن از ماشین دقایقی می‌خوابد.

چه عاملی او را طولانی مدت خواباند؟ از لطافت هوا بود یا از نغمه و ترنم آب؟ به جرئت می‌توانم بگویم هوا عامل به خواب رفتن او نبود؛ زیرا ما چند روزی است که این هوا را استشمام می‌کنیم، ولی چنین تأثیری را دریافت نکرده‌ایم. پس موسیقی خدادادی آب بود که چنین آرامشی را در وجود او نهاد.



نمادها و رنگ‌ها در نقاشی کودکان

حسین زراعتی
کارشناس ارشد رشته نقاشی

والدین باید سعی کنند تا راه‌های برخورد با نقاشی‌های کودکانشان را از مریبان بیاموزند تا به فرزندشان در این امر کمک کنند.

بزرگ‌ترها نباید بالای سر کودک بنشینند و به میل خود به او مدادرنگی بدهند. بچه‌ها در نقاشی کردن باید آزادی کامل داشته باشند. در پایان نقاشی از کودک بخواهید که در مورد تصاویری که کشیده است، برای شما حرف بزند. این گونه اطلاعات در تجزیه و تحلیل نقاشی کودک کمک می‌کند. کودکان را به کشیدن نقاشی تشویق کنید اما آن‌ها را مجبور نکنید که بلافاصله برای شما نقاشی بکشند.

در تحلیل نقاشی کودکان این موضوع مهم را در نظر قرار دهید که وجود یک علامت در نقاشی، دلیل وجود مسئله‌ای خاص در فرزندتان نیست بلکه تکرار این علامت در چند نقاشی باید ملاک تحلیل شما قرار گیرد. البته کودکان عموماً قبل از آنکه کشیدن را آغاز کنند، مقاصد خود را بیان نمی‌کنند بلکه اغلب پس از اتمام کار به تفسیر نقاشی خود می‌پردازند.

کودکان در این سنین علاقه وافری به کتاب‌های رنگ‌آمیزی دارند و متأسفانه والدین به راحتی این کتاب‌ها را در اختیار کودکان می‌گذارند. آن‌ها کم‌کم به این کتاب‌ها عادت می‌کنند و از انجام دادن کارهای خلاق فاصله می‌گیرند و خلاقیت خود را از دست می‌دهند. در نتیجه، انگیزه‌ای برای کشیدن نقاشی ندارند. اغلب والدین و مریبان فکر می‌کنند کودکانی که از این کتاب‌ها استفاده می‌کنند نظم و انضباط را می‌آموزند و یاد می‌گیرند که از خط بیرون نزنند. در صورتی که ثابت شده هرگز چنین نیست. این کودکان به مرور یاد می‌گیرند که همه چیز را حاضر و آماده در اختیار داشته باشند و تلاشی برای به دست آوردن چیزی نمی‌کنند. در نقاشی‌های کودکان رؤیایها و آرزوهای آن‌ها نیز به چشم می‌خورد. حالات روحی کودک و رابطه او با والدین، دوستان، خواهر و یا برادر در نقاشی‌های کودکان به وضوح پیداست. فشاری که هنگام کشیدن نقاشی وارد می‌کند، رنگ‌هایی که به کار می‌برد، بزرگ و یا کوچک کشیدن یک طرح همگی بیانگر دنیایی از احساسات و عواطف اوست که بی‌تردید باید به آن‌ها توجه کرد. کودک هنگام



کلیدواژه‌ها:
نقاشی کودک،
رنگ، نماد

نقاشی نوعی

بیان خویشتن است و

بیان خویشتن نوعی زبان است و

به کارگیری زبان علاوه بر اینکه امکان ارتباط را فراهم می‌کند، می‌تواند سبب تخلیه عاطفی و روانی گردد. نقاشی در کودک حداقل بازی نمادین و تصویر ذهنی است و تقریباً در ۲ یا ۲/۵ سالگی آغاز می‌شود. در ابتدا به صورت نقطه است؛ سپس به خط تبدیل می‌شود و بعد از آن سطوح را کامل می‌کند و از ۱۸ ماهگی علائمی بر روی کاغذ می‌کشد.

تحلیل کردن موضوع نقاشی به کودکان درست نیست؛ مگر بعضی اوقات که معلم موضوعی را تعیین کند و کودکان نیز آزاد باشند که هر موضوع دیگری را دوست دارند ترسیم کنند و به کشیدن موضوعی که معلم پیشنهاد کرده است، ملزم نباشند. کشیدن شکل‌های تزئینی و دیگر تصاویر توسط بزرگ‌ترها در دفتر نقاشی کودکان، کاری است نابجا. چون کودکان، نقاشی خود را با آنان مقایسه می‌کنند و کارشان را در مقابل کار آن‌ها کمتر و یا ضعیف می‌دانند. از این رو، از کارهایی که باعث می‌شود کودک توانایی خود را دست کم بگیرد، باید اجتناب کرد.

دخالت در نقاشی بچه‌های کم‌سن که به تکنیک اشراف چندانی ندارند، اشتباه است. آن‌ها باید با رنگ راحت باشند. ترس از درست یا غلط در نقاشی ذوق بچه را از بین می‌برد. در این میان، به همان اندازه که خانواده می‌تواند هنرمند تربیت کند، می‌تواند مانعی برای تربیت هنرمندان هم باشد.

نقاشی کشیدن باید آزاد و رها باشد تا بتواند خواسته‌ها و رویاهای خود را در نقاشی نشان دهد و بداند دنیایی هست که او به راحتی می‌تواند وارد آن شود و در آن‌ها هر چیزی را به تصویر بکشد ولی اگر از کتاب‌های رنگ‌آمیزی استفاده کند، این امکانات برای او فراهم نیست. بنابراین، تهیه این کتاب‌ها برای کودکان توصیه نمی‌شود.

مداد رنگی اولین ابزاری است که بیشتر مربیان و والدین در دسترس خردسالان قرار می‌دهند. اما مداد رنگی به دلیل داشتن سر باریک، فاقد اثرگذاری سریع است و فقط کودک را خسته می‌کند. برای عضلات ضعیف و ظریف کودکان پاستل بهترین وسیله است. پاستل، رنگ‌های درخشان و تندی دارد که خردسالان به راحتی می‌توانند با آن کار کنند.

در اینجا به بعضی علائم در نقاشی کودکان اشاره می‌کنیم. به کارگیری فضا در نقاشی کودک نشان دهنده اعتقاد و واکنش او به محیط اطرافش است. پژوهشگران مختلفی متوجه شده‌اند که بعضی از کودکان خردسال از بالای کاغذ شروع به کشیدن می‌کنند و دلیل آن را شکل بدن آدم‌ها و حرکات دست می‌دانند و دیگر اینکه قسمت بالا نشان دهنده سر، و بالا، نمادی از آسمان و ارزش‌های والا است.

برخی از مؤلفان بر این عقیده‌اند که سمت چپ صفحه نقاشی به گذشته تعلق دارد و کودک مایل است هیجانانگیز و احساسات خود را به صورت مستقیم و بلافاصله بیان کند و رفتاری کودکانه نشان دهد. نقاشی در سمت چپ صفحه معرف دلبستگی به مادر است. در حالی که، ترسیم در سمت راست صفحه نشانه مهار عقلی و تحول یافتگی است و دلبستگی به پدر را نشان می‌دهد.

کادر عمودی

معمولاً کودکانی که این کادر را برای نقاشی استفاده می‌کنند پر جنب و جوش و گاهی بیش فعال‌اند. رنگ‌های مورد استفاده آن‌ها معمولاً گرم قرمز، نارنجی و زرد است. برون‌گرا هستند (ظاهر هر چیزی را می‌بینند)، زود عصبانی و زود نیز ساکت می‌شوند. بی‌حوصله‌اند و گاهی اوقات حوصله شنیدن داستان را ندارند. نگاه این گروه به زندگی، رو به آینده است. ذهن بسیار خوبی در ریاضی دارند و از خطوط زاویه‌دار استفاده می‌کنند.

کادر افقی

کودکان انتخاب‌کننده این کادر معمولاً درون‌گرا و به شدت عاطفی هستند. در نقاشی آن‌ها رنگ‌ها بیشتر سرد (آبی) است. آرام، حسابگر و عمیق‌اند. نقاشی‌های آن‌ها خطوط نرم و شلوغ دارند. تعداد دوستانشان اندک است ولی در دوستی‌ها عمیق‌اند. نگاه این گروه به زندگی، رو به گذشته است. بسیار روایی هستند و داستان را تا انتها گوش می‌دهند.

پایین صفحه نشان دهنده قلمرو زمینی و عینی است و با زندگی روزمره ارتباط دارد و از آنجا که این ناحیه از صفحه معرف زمین

است، عنصر ایستا و حیات‌بخش را تشکیل می‌دهد. تأکید بر خط زمین در نقاشی گاهی نشانگر نیاز حسی به تغذیه و ایمنی جسمانی است و قسمت بالایی صفحه معرف ارزش‌های برتر، جهان رؤیایها، خیال‌پردازی‌ها و آرمان‌هاست.

معمولاً در نقاشی‌های کودکان خانه بیش از هر چیز دیگری کشیده می‌شود. در شروع کار معمولاً خانه به صورت یک مربع که بر بالای آن یک مثلث قرار دارد و سپس محیط اطراف خانه کشیده می‌شود. خانه نماد پناهگاه و هسته اصلی و گرم خانواده‌ای است که امکان دارد مورد علاقه یا تنفر کودک باشد. خانه‌هایی که کودکان ترسیم می‌کنند، ممکن است دارای باغچه، گل، درهای بزرگ، پنجره و پرده‌های رنگین باشد. چنین خانه‌ای نماد یک زندگی سعادت‌مند است که کودک در آن احساس آرامش می‌کند. برعکس، اگر خانه‌ای بدون در ورودی، با دیوارهایی بلند و به گونه‌ای منزوی و دور افتاده ترسیم شود، معنای متفاوتی پیدا می‌کند. مثلاً اگر این خانه بین پنج تا هشت سالگی ترسیم شود، نشانگر خجالتی بودن کودک و وابستگی شدید او به مادر است. بعد از هشت سالگی نشانگر احساس خودکوک‌چگی بینی و تنهایی کودک و در نوجوانی نشانگر شرم و حیای بیش از حد و داشتن احساسات رقیق است. هنگامی که پدر و مادر جدا شده باشند، خانه به دو قسمت تقسیم می‌شود و اغلب دارای دو در ورودی است که یک در نماد زندگی خانوادگی واقعی و در دیگر نشانه زندگی تحمیل شده به کودک است.

درخت

بسیاری از روان‌شناسان از درخت به عنوان موضوعی برای شناخت شخصیت کودک استفاده کرده‌اند. برای تجزیه و تحلیل نقاشی درخت باید سه قسمت اصلی آن را مشخص کرد که عبارت‌اند از ریشه، تنه، شاخه و برگ‌ها.

ریشه که در زمین فرو رفته و درخت از آن غذا دریافت می‌کند، نماد ناخودآگاه و فشارهای غریزی است. تنه پر ثبات‌ترین و مشابه‌ترین عامل به کودک است؛ بنابراین، بیانگر مشخصات دائمی و عمیق شخصیت اوست. شاخه‌ها و برگ‌ها بیانگر طریق ارتباطی او با دنیای خارج است. مثلاً تنه درخت ممکن است کوتاه یا بلند کشیده شود. بچه‌ها در سنین قبل از دبستان تنه درخت را بلند ترسیم می‌کنند، ولی بعد از این سن بلند بودن تنه درخت اغلب نشانگر عقب‌افتادگی فکری و یا بیماری‌های عصبی و یا آرزوی بازگشت به دنیای کوچکی و قبل از مدرسه است. برعکس، اگر تنه درخت کوتاه کشیده شود، نشانگر جاه طلبی و بلندپرواز بودن کودک است. تنه درخت ممکن است صاف یا کج کشیده شود که در حالت دوم نشانگر عدم ثبات کودک است. شکل شاخه‌ها و برگ‌ها و یا قسمت‌های بالایی درخت نیز دارای معانی مختلفی است. برای مثال، شکل منظم شاخه‌ها نشان می‌دهد که کودک کمتر به تمایلاتش متکی است و بیشتر به نتیجه‌گیری‌های منطقی دست می‌زند و یا به عکس شکل نامنظم و درهم شاخه‌ها بیانگر این است که با کودکی بلغمی مزاج و در

خود فرو رفته که آمادگی هیچ‌گونه تغییر و تحولی را ندارد روبه‌رو هستیم. گاهی نیز درختی که کودک ترسیم می‌کند شاخه ندارد که این امر نشانگر عدم گسترش استدلال و تفکر منطقی و درگیر بودن فرد با عالم رؤیاست.

برگ‌ها نیز بر حسب چگونگی ترسیم آن‌ها تعبیر مختلفی دارند. مثلاً برگ‌های منظم و یک شکل مخصوص کودکی است که مسائل را به سادگی می‌فهمد و قادر به ارتباط با دیگران است و با نشان دادن برگ‌ها به صورت هاله‌ای سبزرنگ در اطراف شاخه‌ها، تمایل کودک به تأثیرگذاری و تسلط بیشتر بر روی محیط را نشان می‌دهد. برگ‌های پاییزی و یا برگ‌های در حال ریخته شدن بیشتر در نقاشی‌های نوجوانان و کودکان منزوی دیده می‌شود. چنین ترسیمی از برگ مانند هر حرکت پایین رونده دیگر، مبین یأس و سرخوردگی تلقی می‌شود.

خورشید

خورشید به علت نقش مهمی که بر عهده دارد و نیز تالو آن، در نقاشی‌های بیشتر کودکان دیده می‌شود. تصویر خورشید بیانگر امنیت، خوشحالی، گرما، قدرت و به نظر بعضی پژوهشگران نماد پدر مطلوب است. وقتی رابطه پدر و کودک خوب است، خورشید به‌طور کامل و در حال درخشیدن نمایش داده می‌شود. هنگامی که این ارتباط مطلوب نیست، خورشید در پشت کوه ناپدید است و یا به صورت قوسی در افق دیده می‌شود. اگر کودک از پدرش هراس داشته باشد، خورشید به رنگ قرمز تند یا سیاه، که مضطرب کننده است، ترسیم می‌شود.

با وجود این، نحوه نمایش خورشید مانند سایر موضوع‌های نقاشی ممکن است به حال و حوصله لحظه‌ای کودک و نه به تفاهم و عدم تفاهم بین کودک و پدر بستگی داشته باشد. بنابراین، قبل از هر قضاوت و تعبیری در این مورد بهتر است چندین نقاشی یک کودک را مورد بررسی قرار دهیم تا معلوم شود آیا این پدیده مرتب تکرار شونده است یا خیر و آن‌گاه به تجزیه و تحلیل آن پرداخت.

حيوانات

اگر کودک به‌دلیلی جز اینکه در محیط زندگی اش حیوانی دیده باشد یا خودش حیوانی داشته باشد یا اصولاً حیوانات را دوست داشته باشد، حیوانی را نقاشی کند (معمولاً حیوانات وحشی) ممکن است به دلیل احساس گناه و تقصیری باشد که کودک در موقعیت خاص حس کرده است و چون جرئت ندارد گناه خود را ترسیم کند، ترجیح می‌دهد احساسات، عادات و تمایلات خود را در قالب تصویر حیوانی نشان دهد. درست مانند زمان بازی با عروسک‌هایش که برایش جالب و بسیار جذاب است؛ زیرا او می‌تواند آزادانه هر چه را دلش می‌خواهد از زبان عروسک‌هایش بیان کند؛ بی آنکه در خود احساس گناه کند.

اتومبیل

در جوامع امروزی ماشین نماد قدرت است و به همین دلیل

در نقاشی‌های کودکان، مخصوصاً پسرها زیاد دیده می‌شود. به نظر **لویی** که آزمایش ترسیم ماشین را ابداع کرد، نوجوانان در سن بلوغ از کشیدن تصویر انسان خودداری می‌کنند و تصویر ماشین را ترجیح می‌دهند که خود نشان دهنده وابسته بودن فرد به دنیای خارج و ترجیح دادن زندگی سرد ماشینی بر دنیای انسان‌هاست.

انتخاب رنگ از نظر روان‌شناسی مفهومی بی‌چون و چرا دارد ولی برای تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری از آن حتماً باید عامل سن کودک را در نظر داشت.

در حالت کلی دو گروه رنگ وجود دارد: رنگ‌های گرم و رنگ‌های سرد. رنگ‌های گرم عبارت‌اند از قرمز، زرد و نارنجی. تحریک‌کننده و سبب فعالیت و جنب‌وجوش، الهام‌دهنده روشنی و شادی زندگی و مولد حرکت‌اند. در حالی که رنگ‌های سرد (سبز، آبی و بنفش) موجد حالت‌های انفعالی، سکون، بی‌حرکتی و تلقین‌کننده غم و اندوه هستند. به نظر **کاندینسکی** اگر رنگ زرد در یک شکل هندسی قرار گرفته باشد، وقتی به‌طور مستقیم به آن نگاه شود موجد هیجان، ناراحتی، کوفتگی و برانگیزاننده حالتی غضبناک می‌شود. اگر توانایی این رنگ تشدید شود، ممکن است برای چشم و مغز غیر قابل تحمل باشد. رنگ آبی، برعکس، انسان را به سوی دقیق شدن در بی‌نهایت سوق می‌دهد و هر قدر بیشتر روشن باشد، انعکاس موجی خود را بیشتر از دست می‌دهد؛ تا آنجا که به آرامش خاموش رنگ سفید می‌رسد.

به نظر **کاندینسکی** رنگ سبز مطلق، آرام‌بخش‌ترین رنگ‌هاست. این رنگ هیچ انعکاس موجی حاوی شادی و رنج و یا ترس ندارد و به هیچ طرفی در حرکت نیست بلکه آرام و ساکن و راضی از خود است.

رنگ قرمز رنگی گرم و منبسط است. بر خلاف رنگ زرد که سبک و سطحی است. قرمز رنگی زنده و در عین حال پرنیرو و مصمم به‌نظر می‌رسد.

رنگ نارنجی، حرکت رنگ زرد و قدرت رنگ قرمز را دارد و رنگی زنده و چابک است.

بنفش، برعکس، قرمزی است سرد شده؛ یعنی هوسی مهار شده یا انتهای یک رویا. در این رنگ یک احساس درونی غم و تنهایی نهفته است.

رنگ سفید احساس سکوت می‌دهد؛ زیرا همه چیز در آن محو می‌شود. این رنگ در خود حاوی بی‌نهایت امکانات و رنگی معرف سکوت است، نه مرگ. در واقع سفید نماد جوانی است.

به نظر **کاندینسکی** رنگ سیاه، برعکس، نشانگر عدم نیستی و مانند سکوتی ابدی بدون آینده و امید است. بدین معنی که پایان راه یا آن توافقی را می‌نمایاند که در پایان کامل نطق پدید می‌آید.

منابع

۱. داداش‌زاده، کاوه، نقاشی و نوشته‌های کودکان، تهران، گوتنبرگ، ۱۳۷۳
۲. الیور فراری، آنا، نقاشی کودک و مفاهیم آن، ترجمه عبدالرضا صرافان، تهران، دستان، ۱۳۹۲



قصه‌های قرآنی و تربیت کودک

مهدی مروجی

کارشناسی ارشد تعلیم و تربیت اسلامی

چکیده

در این مقاله ابتدا به ویژگی‌های قصه‌های قرآن پرداخته شده است. سپس از کودک و نقش قصه در پرورش اخلاقی او سخن به میان آمده و در بخش پایانی به مؤلفه‌هایی که یک نویسنده قصه کودک باید به آن‌ها توجه کند و نیز تأثیر مفاهیم قرآنی در تربیت کودکان پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: قصه‌های قرآنی، کودک، تربیت و آموزش اخلاقی

مقدمه

خداوند حکیم طراح قصه‌های قرآن است و بیان آن‌ها به وسیله کتاب با عظمت قرآن صورت گرفته است. این موضوع بسیاری از محققان را بر آن داشته است که از زاویه‌های گوناگون به تحقیق و بررسی قصه‌های قرآنی بپردازند. ما هم بر این نظریه که قصه‌ها در این کتاب مقدس قطعاً هدف‌های والایی دارند.

در این مقاله بعد از جست‌وجوی معنای مفاهیم و اصطلاحات، به کودک و اهمیت دوران کودکی اشاره کرده‌ایم. انواع قصه‌های قرآن، ویژگی‌ها و نکات تربیتی آن‌ها، و نیز تأثیر انتقال مفاهیم قصه‌های قرآنی در پرورش اخلاقی کودکان مطالبی هستند که به اجمال و در حد ظرفیت مقاله به آن‌ها پرداخته شده است.

امیدواریم این مقاله راهنمای مربیانی باشد که با تربیت اخلاقی و دینی کودکان از طریق قصه و قصه‌گویی می‌خواهند به اهداف الهی نزدیک شوند.

بیان مسئله

دغدغه والدین مسلمان و مذهبی این است که کودکان با مفاهیم و ارزش‌های دینی و قرآن آشنا شود و فردی با ایمان و با اخلاق پرورش یابد. دوره کودکی یکی از بهترین دوران یادگیری مفاهیم اساسی زندگی است. بنابراین والدین، مربیان و افرادی که با کودکان در ارتباط‌اند باید تلاش کنند با در پیش گرفتن راه‌های درست تربیتی در رشد شخصیت و تکامل کودک مؤثر

باشند. در این میان، سه مورد از مسائل تربیتی که باید در این دوران به آن‌ها پرداخت، عبارت‌اند از:

۱. نشان دادن راه‌های شناخت خدا به کودک از طریق خودشناسی، جهان‌شناسی با بهره‌گیری از مثال‌هایی از طبیعت حیوانات و انسان‌های دیگر

۲. آموختن مفاهیم، ارزش‌ها و رفتارهای اخلاقی به کودک

۳. آماده کردن کودک برای انجام مناسک و آداب دینی در جامعه اسلامی و دینی.

بررسی‌ها نشان می‌دهد داستان‌ها این ظرفیت را دارند که بتوان از طریق آن‌ها زمینه را برای موارد فوق فراهم کرد.

چگونه می‌توان به این هدف‌ها رسید؟

به تجربه ثابت شده است که فرایند آموزش غیرمستقیم به مراتب تأثیر و نفوذ بیشتری از القاء مستقیم دارد. قصه آموزشی است که الگوها، نمادها، شخصیت‌ها و حوادث موجود در آن به طریق غیرمستقیم تأثیر خود را در ذهن و اندیشه کودکان بر جای می‌گذارند. قصه‌ها، به‌ویژه قصه‌های قرآنی، ابزار بنیادین «معنادهی» و الگوی طبیعی برای تولید سؤال و در نتیجه فراهم آوردن زمینه تفکر محسوب می‌شوند.

امتیاز قصه‌های قرآن این است که قصه‌گوی آن خداوند است؛ خدایی که حکیم است و همه امورش حکیمانه‌اند و قطعاً هدف‌های متعالی انسانی را دنبال می‌کند. بنابراین، قصه‌های قرآن می‌توانند بار تربیتی فوق‌العاده‌ای داشته باشند و تأثیر شگرفی بر فکر و ذهن کودک بگذارند؛ البته این به شرطی است که قصه‌گو بتواند به چند سؤال جدی زیر پاسخ صحیح بدهد:

الف - موضوع قصه برای کودک چه باشد؟

ب - بیان قصه به چه شیوه‌ای باشد؟

ج - پیام قصه چگونه مطرح شود؟

معنای مفاهیم و اصطلاحات

- قصه در لغت و اصطلاح

لغویون
معانی زیر را برای کلمه
قصه برشمرده‌اند:
پی گرفتن، روایت کردن، خبر و
سرگذشت (نحن نقص علیک أحسن
القصص... یوسف/۳).
قصص جمع قصه و مصدر آن «قصص»، گزاره‌هایی
از پیشینیان است که با زبان وحی بر پیامبر اسلام(ص)
بازگو شده است تا برای بازماندگان مایه عبرت و پندآموزی
باشد. (معرفت، ۱۳۸۵: ۵۱۳)

پا سخ
دادن به پرسش‌های
بی‌پایان کودکان است. این
قصه‌ها دو گونه‌اند:
۱. قصه‌های استخراج شده از متون دینی
غیر از قرآن کریم
۲. قصه‌هایی که در قرآن بیان شده است.

ویژگی‌های قصه‌های قرآنی

- **واقع‌گرایی:** قرآن برای سامان بخشی به زندگی انسان از راه قصه حوادثی را بیان می‌کند که با واقعیت‌های معمول همهٔ اعصار همخوانی داشته باشد. (همان: ۵۱۳)
- **حقیقت‌گویی:** آنچه در قرآن بازگو شده، حقایق عینی است که هیچ‌گونه وهم و اشتباهی در آن نیست. (یونس: ۶۱)
- **پرورش صفات والای انسانی:** داستان‌های قرآن گرایشی اخلاقی - تربیتی دارند و به دنبال رشد و پرورش ایمان به خدا، عمل صالح و رفتار نیک در منش فرد و جامعه‌اند.
- **حکمت‌آموزی:** قرآن با هدف پرورش انسان از تجربه‌های تاریخ و واقعیت‌های زندگی او بهره می‌گیرد و از حقایقی که انسان را به سوی حکمت و کمال رهنمون می‌شود، پرده برمی‌دارد.
- **پیام‌داری:** خداوند حکیم در هر کدام از قصه‌های قرآن پیام یا پیام‌هایی برای انسان‌ها دارد. لذا، باید از دوران کودکی زمینه‌های آشنایی هر فرد با این الگوها و سیره آن‌ها به‌عنوان الگوی عملی در زندگی فردی و اجتماعی فراهم شود.
- **شخصیت‌پردازی:** قرآن در شناسایی شخصیت داستان‌ها نهایت عنایت را به کار برده و به شیوه‌های مختلف از عهدهٔ این کار مهم برآمده است.

● **توصیفی:** بیشتر شخصیت‌های قرآنی، اعم از شخصیت‌های مثبت یا منفی، به طرز زیبا و به شکل تجسمی و با بیانی غیرمستقیم معرفی شده‌اند. خداوند در معرفی شخصیت‌های مثبت داستان در مقام تجلیل از شخصیت آنان است و شخصیت‌های منفی را نیز به طرز زیبایی توصیف کرده است.

نکات تربیتی قصه‌های قرآنی

- هر کدام از قصه‌ها شامل نکات تربیتی ظریفی هستند که با دقت در آن‌ها می‌توان به برخی از این نکته‌ها دست یافت. در این قسمت به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.
- **ربوبیت الهی:** آنجا که در قصه حضرت موسی، فرعون می‌پرسد: «رب همه هستی که تو از آن سخن می‌گویی، کیست؟» حضرت موسی پاسخ می‌دهد: «رب السماوات و الأرض و ما بینهما» (شعرا/۴۲).
- **توکل بر خدا:** در قرآن می‌بینیم که مادر حضرت موسی به

کودک و اهمیت دوران کودکی

با توجه به بررسی‌های مکرر از طریق مقالات و پایان‌نامه‌ها در مورد کودک و اهمیت دوران کودکی، در این قسمت با ذکر چند نکته در مورد خصوصیات گروه سنی کودک به این بخش پایان می‌دهیم.

الف - خصوصیات گروه سنی الف: کودک در این مرحله به شدت کنجکاو است؛ به طوری که چهار سالگی را می‌توان

سن «چراها» نامید. ذهن کودک در این دوران بین تخیل و واقعیت در نوسان، و مدت زمان تمرکز و توجهش کوتاه است. از ویژگی‌های این دوران بازی کردن است. بر این اساس، روان‌شناسان این دوره را بازی‌های خلاق نیز نامیده‌اند.

ب - خصوصیات گروه سنی ب: طرز تفکر کودک در سال‌های اول دبستان به طرز فکر بزرگ‌ترها نزدیک می‌شود و نظم منطقی پیدا می‌کند. او میان کنجکاوی، چراها، تقلید،

خیال‌بافی و داستان‌پردازی در تردد است. از بازی‌های تخیلی و کتاب‌هایی دربارهٔ بازی لذت می‌برد. در این دوره بر مدت توجه کودک اضافه می‌شود و یادگیری و توانایی اش در خواندن افزایش می‌یابد.

ج - خصوصیات گروه سنی ج

در این سنین کودک در خواندن، مهارت بیشتری می‌یابد، از خواندن مستقل لذت می‌برد و خواندن را به‌عنوان سرگرمی مطبوع می‌پذیرد، به علاوه با لغات و الفاظ علوم طبیعی و اجتماعی در کتاب‌های درسی آشنا می‌شود.

انواع قصه‌های قرآنی

همچنان که ذکر شد، قصه‌گویی یکی از روش‌های غیرمستقیم آموزش است که به دلیل علاقه‌مندی کودکان به آن، اهمیت ویژه‌ای دارد. قصه‌ها اثر عمیقی بر فکر و روحیهٔ کودکان می‌گذارد و آن‌ها را برای مواجه شدن با مسائل رشد و معاشرت با دیگران آماده می‌سازند. قصه‌های قرآن یکی از بهترین راه و شیوه‌های صحبت کردن با کودکان دربارهٔ خدا و مفاهیم دینی و همچنین

دغدغه

والدین مسلمان
و مذهبی این است
که کودکان با مفاهیم و
ارزش‌های دینی و قرآن آشنا
شود و فردی با ایمان و با
اخلاق پرورش یابد

الهام الهی اعتماد و به خدا توکل کرد و فرزند شیرخواره اش را به دریا سپرد و با حضرت ابراهیم(ع) به خداوند اعتماد کرد و با توکل به خدا پسرش اسماعیل را برای قربانی کردن در محضر الهی آماده کرد. (همان: ۱۲۴ و ۱۳۰)

اخلاقی دارند که می‌توان از آن‌ها با بیانی کودکانه و جذاب استفاده کرد تا کودک آنچه را باید از امر و نهی‌های پدر و مادر بیاد بگیرد به‌طور غیرمستقیم و چه بسا بهتر و عمیق‌تر از این طریق بیاموزد.



قصه‌ها به‌ویژه قصه‌های قرآنی ابزار بنیادین «معنادهی» و الگوی طبیعی برای تولید سؤال و در نتیجه بسترسازی برای تفکر محسوب می‌شوند. این قصه‌ها ظرفیت ترکیب قدرتمندی برای سازماندهی و بالابردن شناخت و معنادهی به زندگی دارند. کشش، جذابیت و گیرایی آن‌ها موجب می‌شود کودک تا آخرین لحظات همراه قصه‌گو باشد و به درک بهتر پیام آن نائل آید. قصه‌های قرآن با داشتن موضوعات پرورشی و زمینه‌های تربیتی نیازمند پردازش، متناسب با سن مخاطبان مورد نظر به‌وسیله نویسنده‌های کارآمد و توانا هستند تا برای کودک قابل درک شوند. برای دستیابی به این هدف پیشنهاد می‌شود:

- زبان نگارش قصه متناسب با فهم کودک باشد؛ به‌طوری‌که کودک با شنیدن و خواندن قصه پیام‌ها و نتایج آن را درک کند.
- در همه قصه‌ها حضور خداوند به‌عنوان محور، واضح و مشخص باشد.
- طرح قصه باید تا جایی که امکان دارد ساده باشد تا ذهن کودک توانایی دریافت آن را داشته باشد.

- آغاز و پایان مشخص و روشن باشد.
- همچنین طرح بازگو کردن قصه طوری باشد که حوادث و نتایج آن موجب عبرت گرفتن کودک شود.

قصه‌ها، به‌ویژه قصه‌های قرآنی، ابزار بنیادین «معنادهی» و الگوی طبیعی برای تولید سؤال و بسترسازی برای تفکر محسوب می‌شوند

قصه‌های قرآنی و پرورش اخلاقی کودکان

کودکان از شخصیت‌های قصه که قادر باشند نگاه و علاقه آن‌ها را جلب کنند، الگو می‌گیرند و تأثیر می‌پذیرند و ناخواسته مجذوب ویژگی‌های آن شخصیت‌ها می‌شوند.

از آنجا که در قصه‌های قرآنی قصه‌گو از سوی خداوند است، خداوند حکیم تنها نکاتی را که برای هدایت و تربیت مؤثر دانسته با ظرافت خاصی گلچین کرده و به زیبایی در کنار هم قرار داده است که اگر با بیان ساده برای کودک مطرح شوند او از همان کودکی با قرآن کریم انس و علاقه پیدای می‌کند.

خداوند در هر کدام از قصه‌های قرآن درسی به انسان‌ها می‌دهد. چنان‌که با قصه حضرت موسی و مرد صالح درس تواضع و بردباری در برابر معلم، با قصه اصحاب لوط درس عفت و پاکدامنی، با قصه آدم و حوا، آموزش دوری از شیطان، بدی‌ها و زشتی‌ها، و با قصه حضرت مریم(ع)، آموزه پاکدامنی و توکل به خدا را به ما ارائه می‌کند.

در قصه حضرت یوسف(ع) که تنها قصه پیوسته قرآن مجید و یک قصه بلند و کامل است اخلاص و توحید را به تصویر می‌کشد و ولایت خدای سبحان به بنده اش را مجسم می‌سازد. در این قصه نشان داده می‌شود که چگونه خداوند حضرت یوسف(ع) را به اوج عزت می‌رساند و دست او را می‌گیرد و از ته چاه اسارت و طناب بردگی و زندان عذاب و شکنجه بر بالای تخت سلطنت می‌آورد. قصه‌های قرآنی دیگر به همین شکل، نکاتی تربیتی و

منابع

۱. قرآن کریم
۲. اصول داستان‌های فکری و مفاهیم موجود در آن‌ها (ویژه‌نامه فلسفه و کودکان)، ۱۳۸۴
۳. حسینی دشتی، مصطفی؛ معارف و معاریف (دایره‌المعارف جامع اسلامی)، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، ۱۳۷۹.
۴. حسینی (زرفا)، سیدابوالقاسم؛ مبانی هنرهای قصه‌های قرآن، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، تهران، ۱۳۷۹.
۵. سادات، محمدعلی؛ راهنمای پدران و مادران، ج ۲، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
۶. خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، دوستان و ناھید، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷.
۷. حکیمی، محمود، کاموس، مهدی. مبانی ادبیات کودکان و نوجوانان، آرون، تهران، ۱۳۸۳.
۸. معرفت، محمدهادی، نقد شبهات پیرامون قرآن کریم، مترجم: حسن حکیم‌باشی، علی‌اکبر رستمی عزیزاده، حسن خرقانی، تمهید، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۹. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۹.
۱۰. نفیسی، علی‌اکبر؛ فرهنگ نفیسی، بی‌جا، خیام، بی‌تا
۱۱. اقتباس از پایان‌نامه خانم نسرین سجادیپور

ضرورت آزمون‌سازی و استاندارد کردن آزمون‌ها

آزمون غربالگری اختلالات ویژه یادگیری کودکان پیش دبستانی

غلامرضا تبریزی، مدرس مرکز تربیت معلم شهید خورشیدی، مشهد
مریم تبریزی، دبیر آموزشگاه باغچه‌بان موفقیان، کرج

مقدمه

بی‌شک اندیشه مطالعه و بررسی ساخت ابزاری برای تشخیص و غربالگری اختلالات ویژه یادگیری در کودکان پیش دبستانی در سال‌های اخیر اذهان کارشناسان سنجش و اندازه‌گیری وزارت آموزش و پرورش و حوزه مدیریت آموزش‌های پیش دبستانی را به خود مشغول کرده است. کودکان پیش دبستانی دارای اختلالات ویژه یادگیری یا بدون این گونه اختلالات که در مدارس، مهدکودک‌ها و منازل خویش زندگی می‌کنند، بخشی از جامعه کودکان و دانش‌آموزان آینده نظام آموزش و پرورش هستند که پرداختن به مسائل آنان در حکم پیشگیری از افت‌های تحصیلی آینده است.

مطابق با دیدگاه اکثر صاحب‌نظران، کودکان پیش دبستانی دارای اختلالات ویژه یادگیری در آینده با واقعیت تلخی از جدایی پیش‌رونده در کلاس و نظام آموزشی روبه‌رو می‌شوند و در خطر از دست دادن عزت‌نفس خویش‌اند. این گروه از کودکان با دارا بودن زمینه‌های اختلالات یادگیری با تجارب مکرر شکست‌های تحصیلی مواجه می‌شوند که می‌تواند اثر

مخری بر بهداشت روانی آنان داشته باشد. این کودکان در مدرسه و حتی در سنین پیش دبستانی با طرد و احساس کهنتری، مشکلات ارتباطی، فقدان سلامت روانی، تأخیر در رشد، مشکلات روان‌شناختی و عدم پیشرفت تحصیلی روبه‌رو می‌شوند. این پیامدهای روانی - آموزشی با دیگر پیامدها زنجیره‌ای را تشکیل می‌دهند که با وجود آن سطحی‌ترین نیازهای این افراد نیز برطرف نمی‌شود. رشد، تحت تأثیر قرار می‌گیرد و به تبع آن، سلامت جسمانی آنان به خطر می‌افتد. این امر بهداشت روانی خانواده آنان و حتی جامعه را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و در پی آن عملکرد اجتماعی بسیاری از افراد درگیر به شدت دچار افت می‌شود. (پینکرتون و ابرامسون، ۲۰۰۶).

بی‌شک، مشکلات آموزشی این کودکان با مشکلات روان‌شناختی همراه با عملکرد ضعیف اجتماعی، اضطراب، افسردگی و مشکلات رفتاری به دنبال کسب تجارب متوالی و ناموفق، منجر به بروز شدیدترین آسیب‌های روان‌شناختی می‌شود. توجه به کودکان دارای اختلالات ویژه یادگیری مستلزم بازنگری در راهکارهای تشخیصی و درمانی در این حیطه است که یکی از آن‌ها توجه جدی‌تر به شیوع این اختلال در کودکان سنین پیش از دبستان است. شناسایی به موقع و صحیح کودکان دارای اختلالات ویژه یادگیری و اجرای برنامه‌های آموزشی و ترمیمی سازمان‌یافته توسط مربیان و حمایت بی‌دریغ

خانواده‌ها می‌تواند در مدت زمان مناسبی مشکلات یادگیری آنان را کاهش دهد.

کلیدواژه‌ها: اختلالات یادگیری، آزمون غربالگری، رشد شناختی

ناتوانی‌های ویژه یادگیری

از دهه ۱۹۶۰ کودکان مبتلا به ناتوانی‌های ویژه یادگیری کانون توجه مطالعات روانی و آموزشی بوده و در واقع شاخه جدیدی را شکل داده‌اند که به آموزش و پرورش ویژه افزوده شده است. امروزه ناتوانی‌های ویژه یادگیری قلمرو نسبتاً جدیدی است ولی رشد مفهوم آن ظاهراً سریع بوده است؛ به گونه‌ای که از طریق هم‌آمیختگی پیشه‌های متعدد به صورت یک پیشه گسترده میان رشته‌ای جلوه‌گر شده است. امروزه در تحقیقات و کوشش‌های مکرری که برای تعیین جمعیت کودکان ناتوان در یادگیری به عمل آمده، ابعاد مختلف این سازه مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، هر گروه از متخصصان براساس دیدگاه خویش و با شیوه‌های متفاوتی به تعیین حدود و ثغور ابعاد مسئله و تعریف آن همت گماشته‌اند. در سال ۱۹۶۸ کمیته مشورتی ملی ایالات متحده آمریکا در گزارش سالیانه خود به کنگره تعریفی را از اختلالات ویژه یادگیری ارائه کرده است: «کودکان ناتوان در یادگیری در یک یا چند فراگرد اساسی روانی در ارتباط با فهمیدن یا کاربرد زبان شفاهی

و با کتبی ناتوانی نشان می‌دهند. تظاهرات این ناتوانی ممکن است به صورت اختلال در شنیدن، فکر کردن، سخن گفتن، خواندن، نوشتن، هجی کردن و یا حساب باشد.» (لرنر، ۱۳۸۹) این اختلالات نتیجه شرایطی شامل نقص ادراکی، ضایعات مغزی، اختلال جزئی در کارکرد مغز، نارساخوانی و اختلال گویایی است. ناتوانی یادگیری این کودکان از نوع مشکلاتی نیست که مربوط به بینایی، شنوایی، نقایص حرکتی، کم‌توانی ذهنی، پریشانی عاطفی و یا کمبود امکانات محیطی - آموزشی باشد (رخشان، ۱۳۸۷). این در حالی است که ناتوانی ویژه یادگیری در اندام ظاهری کودک آشکار نیست؛ به طوری که کودک مبتلا به این عارضه می‌تواند دارای بدنی قدرتمند، چشمانی قوی، گوش‌هایی تیز و هوش بهنجار باشد. در عین حال، چنین کودکی در برخی از عملکردهای یادگیری و تحصیلی ناتوان است. به بیانی، عملکردهای تحصیلی این کودکان با توانایی‌های حسی و شناختی آنان همخوانی ندارد. (امیدوار، ۱۳۸۶)

شیوع این اختلال در بررسی‌های متعدد، گوناگون گزارش شده است و این ناهمخوانی در آمار نیز به دلیل این است که اختلال مورد نظر در افراد می‌تواند در تمام سطوح و پایه‌های آموزشی، از آمادگی تا دانشگاه، وجود داشته باشد. لذا ناتوانی‌های ویژه یادگیری طیف سنی وسیعی را دربرمی‌گیرد و هر یک از محققان تمرکز بر سنی خاص داشته‌اند. با این حال، در بررسی‌های متعدد میزان شیوع آن بین ۱ تا ۱۹ درصد و نسبت دختران به پسران ۴ به ۱ گزارش شده است (تبریزی، ۱۳۸۳).

اصولاً تشابه اولیه کودکان مبتلا به

اختلالات ویژه یادگیری، ناتوانی آن‌ها در یادگیری است و افتراق میان این کودکان تنها زمانی خود را نشان می‌دهد که آن‌ها براساس انواع ناتوانی‌هایی که دارند طبقه‌بندی می‌شوند. بر این اساس، کودکان دارای اختلالات ویژه یادگیری را می‌توان در سه گروه **نارساخوان، نارسانویس و ناتوان در ریاضی** طبقه‌بندی کرد. (سیف، ۱۳۸۴)

نارساخوانی^۱ اختلالی است که در خواندن فرد وجود دارد. کودکان مبتلا به این اختلال با هوش متوسط و یا بالاتر دشواری‌هایی در یادگیری خواندن پیدا می‌کنند و قادر به خواندن به شیوه معمول کلاسی نمی‌باشند. (لرنر، ۱۳۸۹) این در حالی است که ناتوانی در نوشتن^۲ زمانی رخ می‌دهد که مهارت‌های زبان نوشتاری مانند هجی کردن^۳، کاربرد دست‌نویس، نقطه‌گذاری و سازماندهی فکر در نگارش به طور بارزی کمتر از توانایی‌های عمومی وی باشد. (لرنر، ۱۳۸۹) همچنین، ناتوانی در ریاضیات زمانی رخ می‌دهد که مهارت‌های ریاضی مانند دریافت مفهوم عدد، نگارش

محاسبات

و منطق

ریاضی در کودک

به طور بارز از میزانی که با

توجه به توانایی‌های هوشی و

شناختی‌اش پیش‌بینی می‌شود، کمتر

بوده و پذیرفته شده باشد که سایر شرایط

معلولیت‌ساز یا شرایط محیطی در آن

نقشی نداشته‌اند. (امیدوار، ۱۳۸۶)

اختلالات ویژه یادگیری در

پیش دبستان

امروزه تمرکز اغلب فعالیت‌های

تشخیصی و درمانی اختلالات ویژه یادگیری

بر مقطع دبستان است و کمتر توجهی به

دوره پیش از دبستان می‌شود. این در حالی

است که اگر این کودکان طی سال‌های

پیش از دبستان

و قبل

از



(جسمانی، شناختی، زبان و گفتار، روانی، اجتماعی، خودیاری و...) پیشرفت‌های چشمگیری ایجاد می‌کند، از ناتوانی‌های ویژه یادگیری ثانویه جلوگیری می‌کند، تنش خانواده را کاهش می‌دهد، وابستگی و مؤسسه‌زدگی را کاهش می‌دهد، از نیاز به خدمات آموزش ویژه در سن مدرسه می‌کاهد و در هزینه‌های بنیادین بهداشت و آموزش ملی و اجتماعی صرفه‌جویی می‌کند. (اسمیت و استرین، ۲۰۰۹)

نشانگان اختلالات ویژه یادگیری در پیش از دبستان

هر چند کودکان پیش‌دبستانی دچار ناتوانی‌های ویژه یادگیری، هنوز با تکالیف یادگیری تحصیلی مواجه نشده‌اند، غالباً پیش‌درآمدهای شکست تحصیلی را می‌توان در آنان مشاهده کرد. به‌طوری که خردسالان دچار ناتوانی‌های ویژه یادگیری غالباً از نظر آواشناسی، توانایی تحلیل و ترکیب صداها، مهارت‌های نام‌گذاری سریع، یادگیری نام و صداها، حروف الفبا، هماهنگی دیداری - حرکتی و هماهنگی دیداری - ادراکی کمبودها و نواقصی دارند. (فلچر و نورمان، ۲۰۰۵) مشاهده پاره‌ای از ویژگی‌های زیر می‌تواند هشدار درباره یک ناتوانی ویژه یادگیری احتمالی در آینده تحصیلی کودک باشد. ویژگی‌هایی همچون اشکال در تعقیب و اجرای دستورالعمل‌ها و برنامه‌های معمول زندگی، انجام مهارت‌های حرکتی ریز و درشت در حدی کندتر از متوسط، تأخیر در تکلم نسبت به سایر همسالان، مشکلات مکالمه و اشتباه در یافتن کلمه صحیح، اشکالاتی در استفاده از ضمائر، مهارت‌های اجتماعی پایین‌تر از سطح متوسط رشد، اشکال در یادگیری مفاهیم زمانی، مکانی، اندازه‌ها، رنگ‌ها، اعداد، شمارش، تناظر و... و کم‌حوصلگی و بی‌دقتی فراوان در انجام تکالیف. (کرونسیکی، ۲۰۰۶)

بنابراین، امروزه در ارزیابی و تشخیص اختلالات ویژه یادگیری در کودکان

فیزیکی، رفتاری، رشدی و یا توانایی‌های یادگیری انحراف‌هایی از هنجار دارند، این سال‌ها تعیین‌کننده‌تر و حساس‌تر است. یافته‌های پژوهشی متعدد مؤید این نکته است که سال‌های پیش از دبستان زیربنای یادگیری در سراسر زندگی است و

چنانچه در خلال این سال‌ها زمانی برای تشخیص و درمان این‌گونه کودکان فراهم نشود، فرصتی گران‌بها برای همیشه از دست می‌رود. (کرونسیکی، ۲۰۰۶)

از سویی، یکی از زیربنایی‌ترین فرضیه‌ها در آموزش کودکان با نیازهای ویژه مؤید این نکته است که مداخله زودهنگام در رشد و تحول یادگیری کودک تغییرات مهمی ایجاد می‌کند و چنانچه مشکلات این‌گونه کودکان به موقع تشخیص داده شود، می‌توان در حد وسیعی مانع شکست‌های تحصیلی بعدی آن‌ها شد و یا میزان این شکست‌ها را کاهش داد. نتایج پژوهش اسمیت و استرین (۲۰۰۹) حاکی از آن است که تشخیص به‌موقع و مداخله فشرده هم برای کودکان پیش‌دبستانی مبتلا به ناتوانی ویژه یادگیری، هم برای خانواده‌های آنان و هم برای جامعه مزایایی دارد. از جمله آنکه هوش تعدادی از کودکان را افزایش می‌دهد، در اکثر زمینه‌های رشد

هر چند کودکان پیش‌دبستانی دچار ناتوانی‌های ویژه یادگیری، هنوز با تکالیف یادگیری تحصیلی مواجه نشده‌اند، غالباً پیش‌درآمدهای شکست تحصیلی را می‌توان در آنان مشاهده کرد

مواجه

شدن با شکست تحصیلی شناسایی شوند، می‌توان مداخله زودرس لازم را در اختیار آنان قرار داد. همگان واقفاند که دوران پیش از دبستان برای همه کودکان سرنوشت‌ساز است اما برای کودکانی که از نظر





ارزیابی رشد انطباقی که

به ارزیابی مهارت‌های خودیاری در کودک می‌پردازد. (مهارت‌هایی مانند غذا خوردن، لباس پوشیدن، توالت رفتن و... بدون کمک دیگران و نیز توانایی جدایی از والدین)

ابزارهای تشخیص اختلالات ویژه یادگیری پیش از دبستان

امروزه، تحول مهم در تشخیص و جایگزینی کودکان پیش‌دبستانی دارای اختلالات ویژه یادگیری دریافت‌های جدیدی است که از چگونگی استفاده از آزمون‌های روانی - شناختی به دست آمده است. (امیدوار، ۱۳۸۶)

این‌گونه ارزیابی‌ها، طراحان سیاست‌های آموزشی را به این حقیقت رهنمون می‌سازند که خدمات آموزشی و پرورشی می‌بایست حوزه وسیعی را دربرگیرد و سعی شود نوآموزان پیش‌دبستانی نیز از تشخیص و درمان بهره‌مند گردند. برای نیل به این اهداف، آزمون و کسلسر پیش از دبستان یکی از ابزارهای نسبتاً گویا و فراگیری است که علاوه بر تعیین هوش‌بهر^۵ به منظور ارزیابی کودکان پیش‌دبستانی با اختلالات ویژه یادگیری، کاربردهای فراوانی دارد. همچنین، آزمون‌های دیداری حرکتی بندر گشتالت، آزمون ادراکی بینایی فراستیک^۶، آزمون‌های شنوایی وپمن^۷، آزمون رشد حرکتی لینکلن

پیش‌دبستانی تأکید عمده بر استفاده از مقیاس‌های ارزیابی غیررسمی و عملکردی به جای تکیه بر آزمون‌های رسمی و استاندارد شده و شیوه‌های اجرای آزمون است و مشاهده کودک بیشتر در محیط طبیعی صورت می‌گیرد (وولری و دیگران، ۲۰۰۴). با توجه به دیدگاه‌ها و پژوهش‌های انجام شده در خصوص موضوع، که به دلیل محدودیت تعداد اندکی از آنان ارائه شد، عواملی را می‌توان به‌عنوان حیطه‌های ارزیابی اختلالات ویژه یادگیری در کودکان پیش‌دبستانی در نظر داشت که عمدتاً عبارت‌اند از:

ارزیابی رشد شناختی کودک
شامل توانایی کودک برای فکر کردن، برنامه‌ریزی و مفهوم‌سازی. (مثلاً رنگ‌های اصلی را تشخیص دهد و نام ببرد، اعضای بدن را نام ببرد و نشان دهد و مهره‌ها را براساس رنگ، اندازه و شکل طبقه‌بندی کند)

ارزیابی رشد جسمانی کودک
به ارزیابی حرکات ظریف و درشت وی می‌پردازد و مهارت‌های حرکتی او را مورد بررسی قرار می‌دهد. (مثلاً گرفتن توپ یا کیسه‌ای پر از دانه، پریدن، لی‌لی کردن، طناب‌بازی، ساختن طرح‌های چند قسمتی و...)

ارزیابی رشد مهارت‌های ارتباطی
که شامل مهارت‌های گفتاری و توانایی فهم زبان و استفاده از آن است. (مانند گفتن مشخصات خود: نام و نام خانوادگی و نشانی منزل و... خواندن یک شعر، شرح دادن آنچه در تصاویر می‌بینند و...)

ارزیابی رشد اجتماعی و عاطفی؛
در این مقوله آزمونگر مشاهدات خود را از تعامل اجتماعی کودک یادداشت و ثبت می‌کند. مشاهده چگونگی ارتباط برقرار کردن کودک با بزرگسالان و سایر کودکان میزان رشد اجتماعی و عاطفی او را نشان می‌دهد.

- اوزرتسکی و آزمون برتری طرفی نیز در تشخیص این‌گونه کودکان ابزارهای مفیدی به‌شمار می‌آیند. مقیاس ارزیابی لوواس^۸ (۱۹۹۸) نوعی آنالیز رفتاری کاربردی^۹ است که توسط لوواس برای کودکان مبتلا به اختلال در توجه و تمرکز^{۱۰} پیش از دبستان تدوین شده است. این مقیاس شش حیطه حسی - حرکتی، رفتار اجتماعی، ادراک بینایی، ادراک شنوایی، حافظه و توانایی‌های روانی زبانی را در کودکان پیش‌دبستانی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. آزمون توانایی‌های روانی - زبانی ایلینویز^{۱۱} نیز یکی دیگر از آزمون‌های مورد استفاده در ارزیابی کودکان دارای اختلالات ویژه یادگیری است. این آزمون در سال ۱۹۶۸ براساس نظریه ارتباطی آژگود^{۱۲}، به‌وسیله کرک^{۱۳} و مک‌کارتی^{۱۴} به‌منظور شناسایی توانایی کودکان پیش‌دبستانی و دبستانی در زمینه‌های روانی - زبانی تدوین شده است. (رید و هرسکو، ۱۹۸۱)

آزمون یاد شده اساساً آزمونی درون فردی و ابزاری است که در سطح بین‌المللی برای تشخیص و درمان اختلالات

یادگیری

در کودکان مناسب

شناخته شده است و به کار گرفته

می‌شود. (سالویا و یسلدایک، ۱۹۸۸)

با این حال در ایران تاکنون آزمونی اختصاصی با هدف غربالگری کودکان پیش‌دبستانی دارای اختلالات ویژه یادگیری تدوین و هنجاریابی نشده است. بنابراین، با عنایت به مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش در راستای توجه جدی‌تر به دوره پیش از دبستان، ساخت و هنجاریابی آزمونی که بتواند غربالگری مناسبی از کودکان پیش‌دبستانی دارای اختلالات ویژه یادگیری را به انجام رساند بیش از گذشته ضرورت می‌یابد.

سخن پایانی

به گفته معاونت آموزشی وزارت آموزش و پرورش در گردهمایی رؤسای آموزش و پرورش (۱۳۸۹)، ۱۲ درصد کودکان سن مدرسه دارای انواع مختلفی از طیف‌های گوناگون اختلالات ویژه یادگیری می‌باشند که ۸۳ درصد این اختلالات در صورت تشخیص قبل از مدرسه قابل درمان است. لذا با احتساب ۱۲ میلیون دانش‌آموز ثبت نام شده در سال تحصیلی جاری (به نقل از مدیر کل آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰/۷/۱۴)، روزنامه همشهری می‌توان انتظار داشت که ۱۴۴۰۰۰۰ دانش‌آموز هر یک به انواع مختلفی از اختلالات ویژه یادگیری مبتلا باشند که از این تعداد ۳۵ درصد دچار انواع افت‌های تحصیلی و تکرار پایه می‌شوند. چنانچه صرفاً هزینه سرانه هر دانش‌آموز اعم از سرانه‌های آموزشی، بهداشتی، پرورشی و... (مطابق با بودجه ۱۳۸۹) وزارت آموزش و پرورش ۲۵۰۰۰ ریال برآورد شود، می‌توان انتظار داشت که هر ساله وزارت آموزش و پرورش مبلغی بالغ بر ۱۲۶۰۰۰۰۰۰۰ ریال از بابت آموزش‌های ناکافی در سنین پیش از دبستان و به تبع آن حضور کودکان دارای اختلالات ویژه

یادگیری در سنین

مدرسه متضرر گردد. این در حالی

است که شواهد امر حکایت از افزایش

هر ساله کودکان دارای اختلالات ویژه

یادگیری و ناموفق بودن طرح آموزش‌های

پیش از دبستان در مدارس تحت نظارت

آموزش و پرورش و مهدکودک‌های تحت

نظارت بهزیستی دارد. (خبرگزاری ایسنا،

تیرماه ۱۳۸۹) گستردگی این پدیده، که

خود متأثر از آموزش‌های ناکافی و توزیع

ناعادلانه امکانات آموزشی در مناطق مختلف

کشور است، نشان می‌دهد که برای حل این

معضل تنها فعالیت یک ارگان خاص کافی

نیست و آموزش و پرورش می‌بایست در کنار

بهزیستی، کانون پرورش فکری کودکان و

نوجوانان، مراکز مشاوره و دیگر نهادهای

مرتبط این کودکان را غربالگری و شناسایی

کند و برای آنان شرایط حداقلی آموزش را

فراهم آورد.

پی‌نوشت‌ها

1. Dyslexic
2. Dysgraphia
3. Spelling
4. Dyscalculia
5. IQ
6. MFDT
7. Auditory Discrimination Test
8. Lovaas
9. Applied Behavior Analysis (ABA)
10. ADHD
11. Illinois Test of Psycholinguistic Abilities (ITPA)
12. Osgood
13. Kirk
14. McCarthy

منابع

۱. جانسون ج، ماهیت و درمان اختلالات تولیدی (ترجمه شاهی، بهرام)، تهران: دانشکده

علوم

توانبخشی دانشگاه

علوم پزشکی ایران،

۱۳۶۴.

۲. تبریزی، مصطفی (۱۳۸۹).

درمان اختلالات دیکته‌نویسی. تهران:

فراروان.

۳. سلیمی، مسعود (۱۳۸۷). اختلال در

نوشتن (علائم، کمک‌ها، ترمیم و درمان). نشریه

تعلیم و تربیت استثنایی، شماره ۸۰ و ۸۱

۴. سواری، کریم (۱۳۸۷). بررسی اختلالات املا و

روش‌های درمان آن. نشریه تعلیم و تربیت استثنایی،

شماره ۷۹.

۵. عاشری، طاهره (۱۳۸۹). بررسی تجربی رفع اختلال

املا نویسی امیرحسین به روش چند حسی، نشریه

پیمایش، سال ششم، صص ۲۶۸-۲۸۱.

۶. فائق، زهرا خاتون (۱۳۸۹). چگونه می‌توانم

باتقویت حافظه دیداری و حساسیت شنیداری اختلال

دیکته‌نویسی دانش‌آموز را درمان کنم؟ نشریه پیمایش،

سال ششم، صص ۱۰۸-۱۱۴.

۷. لرنر، ژانت (۱۳۸۴). ناتوانی‌های یادگیری. مترجم

عصمت دانش. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

8. catts, H.W. & Kamhi, A. G (1999). Lan-

guage and reading disabilities. Bostob:

Allyn and Bacon.

9. Simon, C. S. (1985). Communication

skills and classroom success: Assessment

of language learning disabled students.

San Diego, CA: College Hill.

10. Smith, C. R. (1998). From gibberish

to phonemic awareness: effective decod-

ing instruction. Teaching Exceptional

children, 30 (6), 20- 25.

11. Wiig, E. H. & Secord, W. A. (1998).

Learning disabilities in school age chil-

dren and youth. New York: Merrill.

12. Wiig, E. H. & Semel, E. M. (1976).

Learning disabilities in children and ado-

lescents. Coumbus, OH:

Charles E.





ماده پنج اساسنامه دوره پیش دبستانی، که در سال ۱۳۸۲ جلسه شماره ۶۹۹ شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب رسیده است، می گوید: «در چارچوب راهنمای برنامه آموزشی و پرورشی دوره پیش دبستانی مواد آموزشی به صورت غیر متمرکز تهیه می گردد.»

تهیه و تدوین مواد آموزشی به صورت «غیر متمرکز»، در مقابل روش های متداول تهیه مواد آموزشی و کتاب های درسی به صورت «متمرکز»، یک تحول بزرگ، لازم و اجتناب ناپذیر بوده است. برای این مهم در دوره پیش دبستان، دستورالعمل هایی تدوین و کار گروه های تولید محتوای آموزشی و پرورشی متشکل از برنامه ریز درسی، روان شناس تربیتی (با گرایش کودکان)، تکنولوژیست آموزشی، کارشناسان محتوایی و اجرایی، مربیان و متخصصان موضوعی (قصه، شعر، بازی، نقاشی، کار دستی و...) در استان ها تشکیل شد که هنوز هم ادامه دارد. از برکت زحمات و تلاش های کمیته های مزبور در استان ها تاکنون صدها جلد کتاب و فعالیت مورد علاقه کودکان در قالب کتاب کار و راهنمای مربی تهیه شده است. این روش که موجب تحرک و شور نشاط در استان ها شده و اهمیت و ضرورت توجه به آداب و رسوم و فرهنگ بومی را نشان می دهد، در اسناد تحولی و برنامه درسی نیز مورد تأکید واقع شده است. هم زمان کتاب های کمک آموزشی ناشران نیز، که در چارچوب راهنمای مصوب پیش دبستانی تدوین شده اند، توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی در کتابنامه های رشد معرفی شده است و استان ها مجازند علاوه بر تولیدات بومی خود و سایر استان ها (که محتوای آن ها تناسب لازم را با موقعیت فرهنگی و آداب و رسومشان دارد) از مواد آموزشی مندرج در کتابنامه های مزبور نیز بهره مند شوند.

دغدغه متولیان امر همیشه این بوده است که کودکان این مرز و بوم در اقصی نقاط کشور از مناسب ترین مواد آموزشی و پرورشی برخوردار باشند؛ در حالی که همه کار گروه های استانی ظرفیت یکسان و بالایی ندارند. بر این اساس، هر از چندگاهی به کمک استان ها اقدام به تولید محتوای الگویی و شایسته ای باشد برای رفع این خلأ و جبران ضعف های احتمالی.

از این رو، در گام اول، در سال ۱۳۹۰، پنج کتاب کار کودک مربی با نام های «ایران، نعمت های خدا، محیط زیست، بهداشت و ایمنی، و مناسبت ها» با همکاری کار گروه های استان ها توسط انتشارات مدرسه تهیه و توزیع گردید که با استقبال خوب مخاطبان نیز مواجه شد و در پی آن نیز شاهد تولیدات بهتری از این دست توسط کار گروه های استانی بودیم. در ادامه نیز، یک بسته آموزشی نمونه و محدود با عنوان «خدای مهربانم» در دست تهیه است که امید است در فرصت مقتضی آماده و توزیع شود.

با توضیحات بالا، اینک این پرسش مطرح است که در تفسیر عبارت «تهیه مواد آموزشی و پرورشی به صورت غیر متمرکز» سهم استان ها، ناشران، و حوزه ستادی چقدر باید باشد و چه باید کرد که این روند به بهبود نتایج به ویژه به سود کودکان این مرز و بوم منتهی شود. در پایان در انتظار وصول نظرهای ارزشمند مخاطبان عزیز مجله در این زمینه هستیم.

مواد آموزشی و پرورشی دوره پیش دبستان

تفسیری بر تولید غیر متمرکز

مرتضی طاهری
کارشناس دفتر تألیف

تاب‌آوری

راز موفقیت کودکان در آینده

زهره میرمحمدی

مقدمه

عوامل خطر از ظرفیت‌های موجود خود در دستیابی به موفقیت و رشد زندگی استفاده کند و از این چالش و آزمون‌ها به‌عنوان فرصتی برای توانمند کردن خود بهره‌جوید و از آن‌ها سربلند بیرون آید. تاب‌آوری با در نظر داشتن توأم شرایط استرس‌زا و توانایی ذاتی افراد برای پاسخ‌گویی، دوام آوردن و رشد معمول و طبیعی در شرایط استرس‌زا مطرح می‌شود. تاب‌آوری یک راه‌حل امیدبخش و خوشایند است؛ زیرا سرانجام سختی‌ها و شرایط بد دوران کودکی می‌تواند بالقوه ویرانگر و ناامیدکننده باشد. شواهد روشنی در مورد وجود رابطه میان وقایع ناخوشایند و سختی زندگی در دوران کودکی با بروز اختلالات روانی در سال‌های بعدی زندگی وجود دارد که از این اختلالات می‌توان افسردگی، سوء‌مصرف مواد و خودکشی را نام برد.

ما در برنامه‌های پیشگیری‌اثر اعتیاد غالباً از یاد می‌بریم که در میان جمعیت ۷۰ میلیونی کشور با آنکه میزان اعتیاد ۲ درصد است اما ۹۸ درصد - یعنی حدود ۶۵ میلیون نفر از جمعیت سالم هستند و اگر چه بسیاری از این جمعیت غیرمعتاد شرایط پرخطر و دشوار اعتیاد را تجربه کرده‌اند و در تهدید عوامل خطر ساز به‌سر برده‌اند، اما توانسته‌اند از خطرات سربلند بیرون بیایند. باید پرسید که چه عامل یا عواملی باعث می‌شوند که افرادی که در شرایط نابسامان و پراسترس زندگی می‌کنند و در معرض بسیاری از عوامل خطر ساز هستند سالم و موفق بیرون می‌آیند؟

راز این سالم ماندن چیست؟ بدون شک پاسخ به این سؤالات می‌تواند سرآغاز دستیابی به اطلاعات و دانش مفید باشد.

مسئولیت‌پذیری کودکان و تاب‌آوری

موضوع مهم در بحث تاب‌آوری این است که اجازه دهیم بچه‌هایمان آزادانه دنیای اطراف خود را کشف کنند.

بچه‌ها خودشان را روی زمین می‌کشند، سپس چهار دست و پا شروع به حرکت می‌کنند و بالاخره دوست دارند که اکثر اوقات مشغول بازی باشند، اشیاء را لمس کرده، تکان دهند و به‌هم بکوبند. ما باید اجازه دهیم بچه‌هایمان خودشان تصمیم بگیرند و اصراری نداشته باشیم آن‌ها همان کاری را انجام دهند که ما می‌خواهیم.

باید به آن‌ها اجازه دهیم به‌دنبال تصمیم‌گیری خود و خلق یک رویداد، احساسات ناشی از آن را تجربه کنند و نیز اصراری بر تلقین

با تغییر شکل خانواده از گسترده به‌صورت هسته‌ای و افزایش خانواده‌های تک‌فرزند، مشاهده می‌شود که حساسیت خانواده‌ها نسبت به فرزندان افزایش یافته و کمتر اجازه تجربه مستقیم و شکست به کودکان داده می‌شود و پدرها و مادرها حداکثر سعی خود را به‌کار می‌برند که فرزندان‌شان به هیچ‌وجه طعم شکست را نچشند و تمام شرایط را برای آن‌ها مهیا می‌سازند تا جایی که دیگر امکان این امر وجود ندارد. بچه‌ها باید در محیط‌های طبیعی به تعامل و رقابت با دیگران بپردازند و چون توان و آمادگی این کار را ندارند به زودی احساس ناتوانی و شکست می‌کنند. اگر چه در سنین بالا مقابله با این مشکل غیرممکن نیست اما کاری بس دشوار خواهد بود. از این‌رو لازم است از همان سنین پایین مهارت‌ها و توان مقابله با چالش‌ها و شکست‌های احتمالی را در کودکان تقویت کنیم و به‌تدریج این مهارت‌ها را افزایش دهیم.

مهم‌ترین مهارت در این راستا تاب‌آوری یا ایجاد تحمل چالش و شکست در کودکان است.

کلیدواژه‌ها: تاب‌آوری، ناامیدی، مسئولیت‌پذیری، شکست

واژه تاب‌آوری را می‌توان «توانایی بیرون آمدن از شرایط سخت یا تعدیل آن» تعریف نمود. در واقع، تاب‌آوری ظرفیت افراد برای سالم ماندن، مقاومت و تحمل در شرایط سخت و پرخطر است که فرد نه‌تنها بر آن شرایط دشوار فائق می‌آید بلکه طی آن و با وجود آن قوی‌تر نیز می‌شود. پس تاب‌آوری به‌معنای توان موفق بودن، زندگی کردن و خود را رشد دادن در شرایط دشوار (با وجود عوامل خطر) است. این فرایند خودبه‌خود ایجاد نمی‌شود؛ مگر اینکه فرد در موقعیت دشوار و ناخوشایندی قرار گیرد و برای رهایی از آن یا صدمه‌پذیری کمتر، حداکثر تلاش را برای کشف و بهره‌گیری از عوامل محافظت‌کننده (فردی و محیطی) در درون و بیرون خود، که همواره به‌صورت بالقوه وجود دارد به‌کار گیرد.

تاب‌آوری در مورد کسانی به‌کار می‌رود که در معرض خطر قرار می‌گیرند ولی دچار اختلال نمی‌شوند. از این‌رو شاید بتوان نتیجه‌گیری کرد که مواجه شدن با خطر شرط لازم برای آسیب‌پذیری هست اما شرط کافی نیست.

عوامل تاب‌آور باعث می‌شوند فرد در شرایط دشوار و باوجود

را به دست بیاورند و نتایج این سازگاری‌ها دسترنج خودشان باشد و برای رسیدن به آن‌ها زحمت بکشند.

کودک ما همیشه بهترین بازیکن تیم نخواهد بود و حتی ممکن است ضعیف‌ترین هم باشد. ما نباید از مربی بخواهیم که به بیجه ما توجه خاص نشان دهد. فرزند ما باید مجبور شود مراحل تاب‌آور شدن را طی کرده و برای کسب آن تلاش کند و حتی اگر لازم شد شکست را نیز تجربه کند؛ با توجه به اینکه در این سن و سال معمولاً شکست‌ها نه در امور بسیار حیاتی زندگی بلکه در امور جزئی زندگی است: مانند مسابقه ورزشی، ناکامی در یک درس، یک قهر ساده.

زمان‌هایی که در کنار کودکمان حضور نداریم، باید اجازه دهیم او نتایج واقعی عملکردش را ببیند و می‌توانیم به او یادآوری کنیم که در صورت نیاز به کمک، ما در کنارش خواهیم بود.

لازم است اجازه دهیم فرزند ما در بازی‌هایش شکست و

پیروزی را توأمان تجربه کند. او باید بتواند با

افراد جدید دوست شود و حتی گاهی دوستی با آن‌ها را قطع کند.

باید به کودکمان آموزش دهیم که در

احساس خود به آن‌ها نداشته باشیم.

اگر ما به دنبال شکست کودکمان، برای مثال، در مسابقه‌ای ورزشی، سراسیمه و غمگین شویم، احساس شکست را به او منتقل کرده‌ایم.

باید بدانیم که کودکان ما تنها با تجربه کردن حوادث متنوع و قرار گرفتن در موقعیت‌های مختلف تاب‌آور خواهند شد؛ پس سعی نکنیم آن‌ها را از این تجربه‌ها منع کنیم. ما همیشه در کنار کودکمان نیستیم و حتی نمی‌توانیم همواره و در مورد هر موضوعی به آن‌ها کمک کنیم؛ بنابراین باید در بسیاری از مواقع انجام کارها را به عهده خود آن‌ها بگذاریم و فقط در موارد لازم آن‌ها را یاری کنیم. باید کودکمان را با مسئولیت‌هایشان آشنا و آن‌ها را در رقابت‌ها فعال ساخته و اجازه دهیم در مقابل نتایج اعمالشان پاداش یا تنبیه را تجربه کنند. مسابقه‌های ورزشی نمونه‌های بسیار خوبی برای انجام این رقابت‌ها هستند؛ در عین حال، ما نباید انتظار داشته باشیم که کودکانمان به‌طور حتم در میدان رقابت پیروز باشند.

تحمل شکست و عدم ناامیدی

باید بدانیم که توانایی‌ها، آرزوها و حتی علاقه به بازی‌های مختلف در همه کودکان یکسان نیست. باید اجازه دهیم کودکان خودشان سازگاری‌های لازم در بازی

راز تاب‌آوری در انعطاف‌پذیری برای از سر گذراندن مشکلات و نشکستن در مقابل مسائل و آسیب‌های زندگی است



عوامل تاب‌آوری است. در واقع، باید گفت که این گروه از کودکان، تاب‌آور بار آمده‌اند. تاب‌آوری توانایی پیشرفت، رشد و افزایش شایستگی‌ها و صلاحیت‌های فرد در مواجهه با رویدادهای ناگوار و موانع پیشرفت است.

چهار شیوه افزایش تاب‌آوری

۱. افزایش عزت‌نفس و خودباوری کودک
۲. متوقف کردن زنجیره رخدادها و حوادث منفی در مورد کودک

۳. آموزش مهارت‌هایی برای موفقیت در کارها و فراهم کردن امکان پیروزی در مورد کودکان
 ۴. از بین بردن عوامل ایجاد فشار، تنش و استرس
- ما باید به کودکان خود کمک کنیم که عزت‌نفس، خودباوری و افکار مثبتشان را افزایش دهند. باید فرصت‌هایی برای آن‌ها خلق کنیم تا با استفاده از آن‌ها در انجام کارها و به‌طور کلی در زندگی‌شان موفق باشند.

تشخیص تاب‌آوری کودکان

تاب‌آوری یک ویژگی غیرعادی نیست. هر فرد تا حدی واجد این ویژگی است و در مقابل مصیبت‌های پیش آمده، واکنش‌های تاب‌آورانه از خود بروز می‌دهد.

به‌طور کلی، افراد تاب‌آور مهارت‌هایی را آموخته و کسب کرده‌اند که آن‌ها را در مقابل مشکلات و آسیب‌های زندگی توانمند می‌سازد. ما نیز لازم است این مهارت‌ها را در کودکان تقویت کنیم. برای تشخیص میزان تاب‌آوری کودکانمان لازم است ببینیم آن‌ها کدام یک از خصوصیات ذیل را دارند:

- مهارت‌های اجتماعی قوی و مشارکت‌پذیری
- قدرت کنترل درونی بالا
- استقلال
- هوش هیجانی بالا
- خوش‌بینی
- انعطاف‌پذیری
- خودباوری
- منطقی بودن
- پشتکار

● روشن‌بینی (نگرش مثبت به موقعیت‌های دشوار و روبه‌رو شدن با بحران‌ها به‌عنوان چالش‌های ناگزیر نه سدهای غیر قابل عبور).

ما باید کودکانمان را با مهارت‌های تاب‌آوری آشنا کنیم و این مهارت‌ها را به آن‌ها بیاموزیم تا بتوانند بحران‌های زندگی را بهتر کنترل کنند. کودکان با رشد این مهارت‌ها، آمادگی روبرویی با تنش‌ها و بحران‌های آینده و کنترل صحیح آن‌ها را خواهند داشت. ما می‌توانیم شیوه‌هایی برای موفقیت فرزندانمان در بعضی

مقابل توفان‌های زندگی مانند درخت انعطاف داشته باشند و به‌دنبال شکست‌ها ناامید نشوند و خود را نیازمند. آن‌ها باید بیاموزند که با تلاش و کوشش، شکست‌ها را جبران کرده و دوباره روی پای خود بایستند.

راز تاب‌آوری در انعطاف‌پذیری برای از سر گذراندن مشکلات و نشکستن در مقابل مسائل و آسیب‌های زندگی است (تمثیل خم شدن درخت)، کودک ما باید به این راز دست پیدا کند و ته دلش امیدوار باشد که بدترین شرایط نیز دائمی نیستند و بالاخره از میان تمام درهای بسته، دری به‌سوی تغییر، جبران شکست و پیروزی گشوده خواهد شد).

کودکان ما بهتر زندگی خواهند کرد؛ اگر ما سعی کنیم توانایی‌های زیر را در آن‌ها به وجود آوریم:

- مسئولیت‌پذیری به‌جای احساس قربانی بودن
- داشتن روابط قوی و عمیق با همسالان
- توانایی «ته» گفتن
- کسب توانایی بالای تحصیلی و توجه کردن به درس و مدرسه

● داشتن زندگی شاد و لذت بردن از آن.

باید به فرزندان خود یاد دهیم که زندگی پُر از چالش، بحران، شکست، ناراحتی و بالاخره غم و اندوه است. اگر آن‌ها به‌جای تسلیم شدن، در مقابل سختی‌ها تاب بیآورند و حتی بتوانند برای مسائلی که حل‌نشده به‌نظر می‌رسند، راه‌حلی پیدا کنند، زندگی شادتری خواهند داشت

(اعتقاد به اینکه وقتی همه درها بسته است، بالاخره

دری به‌سوی تغییر گشوده خواهد شد).

نیمه پر لیوان و عوامل تاب‌آور

به‌طور کلی بعضی از افراد همیشه نیمه خالی لیوان را می‌بینند و برخی نیمه پُر را. گاهی اوقات ما هم در مورد کودکانمان تنها نیمه خالی لیوان را می‌بینیم و بیشتر بر عوامل خطرآفرین و آسیب‌زا تمرکز می‌کنیم و آن‌قدرها کاری به توانمندی‌های آنان نداریم. در صورتی که اگر بیشتر به نیمه پُر لیوان و توانایی‌های کودکانمان توجه کنیم، نتایج مثبتی خواهیم گرفت.

برای مثال، کودکانی را در نظر بگیریم که در محله‌های بسیار فقیر شهر، بدون پدر و مادر و در محیط‌هایی پر از فساد، فحشا، تبعیض و بی‌عدالتی پرورش یافته‌اند ولی به افرادی بسیار موفق تبدیل شده‌اند. آنچه در این افراد باعث دستیابی به موفقیت شده،

در واقع، تاب‌آوری ظرفیت افراد برای سالم ماندن، مقاومت و تحمل در شرایط سخت و پرخطر است که فرد نه تنها بر آن شرایط دشوار فائق می‌آید بلکه طی آن و با وجود آن قوی‌تر نیز می‌شود



● گفت‌وگو با کودکان درباره احساسات و عواطف آن‌ها و ارائه پیشنهادهایی مناسب برای بیان احساس‌هایشان

● و بالاخره ایجاد این بینش در کودکان که بحران‌ها، چالش‌هایی هستند که باید با آن‌ها روبه‌رو شد و نباید آن‌ها را سدهایی غیر قابل عبور تلقی کرد.

ما می‌توانیم از طریق قصه و بازی، کودکانمان را با مهارت‌های تاب‌آوری آشنا کنیم. بسیاری از نصیحت‌هایی که والدین به‌صورت مکرر به فرزندان خود می‌کنند، چندان تأثیری بر آن‌ها نمی‌گذارد ولی انتقال همین مفاهیم از طریق قصه و بازی به سادگی امکان‌پذیر است و نتایج بسیار بهتری دارد.

منابع

۱. ثنایی، باقر و ستیلا علاقیند، مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج، رشد، تهران، ۱۳۷۹.
۲. داجن، چارلز، ای، مایکل شی، دبلیو، (۲۰۰۰)، ترجمه رنجگر و بایرامعلی، روان‌شناسی اعتیاد (سنجش و درمان)، روان، تهران، ۱۳۸۳.
۳. سالاری، رضیه سادات، مقایسه کارکرد خانواده در نوجوانان افسرده و بهنجار، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، ۱۳۸۳.
۴. محمدی، مسعود؛ بررسی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری در افراد در معرض خطر سوء‌مصرف مواد، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

کارها پیدا کنیم. باید کاری کنیم که کودکانمان موفقیت را تجربه کنند به‌دنبال این تجربه‌هاست که کودکان می‌توانند در آینده واقعاً در مسئولیت‌ها و وظایف مختلف خود موفق شوند.

تاب‌آفرینی در کودکان

برای ایجاد خصوصیت تاب‌آوری و رشد تاب‌آفرینی در کودکان می‌توانیم شگردهای زیر را به کار گیریم:

● آموزش روش‌ها و مهارت‌های حل مشکل به کودکان

- نمایش همدلی و تحمل به آن‌ها
- عمق بخشیدن به روابط خود و سایر بزرگسالان با کودکان و شرکت در اجتماعات مختلف با دیدگاه مثبت
- برقراری رابطه دوستانه با کودکان و به حداقل رساندن سرزنش‌ها
- سهیم شدن در وظایف و امور مختلف مربوط به کودکان و سهیم کردن آن‌ها در این وظایف.
- باید کودکانمان را در انجام وظایفشان مسئول و در امور مختلف آن‌ها را به مشارکت با دیگران تشویق کنیم.
- آموزش مهارت‌های ارتباطی به کودکان؛ این مهارت‌ها شامل موارد زیر است:
- الف. ارتباط‌های مؤثر کلامی و غیر کلامی
- ب. روش‌هایی برای کنترل درگیری‌ها و عوامل مخرب در ارتباط‌ها

پول توجیبی

فرصت یا تهدید آینده مالی کودک

فایزه فیض نژاد

مقدمه

در محاورات روزانه معمولاً متوجه نیستیم که کودکان تا چه حد به سخنان ما دقت دارند. یکی از مواردی که در همه محافل و مهمانی‌ها از آن صحبت می‌شود «پول» است. بنابراین، کودکان از سنین پایین با مفهوم پول آشنا می‌شوند و به آن تمایل پیدا می‌کنند. لازم است که آموزش استفاده از پول مانند سایر مهارت‌های زندگی از سنین پایین‌تر به کودک آموخته شود در سنین پیش‌دبستانی می‌توانیم کودکانمان را با مفهوم اقتصادی پول آشنا کنیم. در واقع، می‌توانیم با دادن پول توجیبی ارزش پول و در عین حال مدیریت مخارج را به فرزندانمان آموزش دهیم.

کلیدواژه‌ها: پول توجیبی، استقلال کودک، پس‌انداز

نکته مورد توجه این است که پول توجیبی نباید به دست آورده شود. اشتباهی که اغلب در خانواده‌ها رخ می‌دهد این است که برخی از والدین تصور می‌کنند پول توجیبی پاداشی برای رفتار خوب و یا دستمزدی برای کار روزانه کودک است. به همین دلیل، از آن به عنوان وسیله‌ای برای فشار آوردن به کودک و وادار کردن او به اطاعت استفاده می‌کنند.

نکته مهم این است که دادن پول توجیبی شیوه‌ای آموزشی و تربیتی است که هدف و نتیجه مشخصی دارد. در واقع، با دادن پول توجیبی سرمایه و پول برای کودک معنای حقیقی می‌یابد. چرا که او با داشتن پول می‌تواند شخصاً برای پس‌انداز و خرید اقدام کند. دریافت مبلغی مشخص به کودک اجازه می‌دهد تا برای آینده برنامه‌ریزی کند. این برنامه‌ریزی می‌تواند برای جمع کردن به قصد پس‌انداز یا خرید هدیه باشد که در هر دو صورت احساس شخصیت، هویت و اعتماد به نفس را در او ایجاد می‌کند.

دیدگاه والدین در مورد پول توجیبی

دیدگاه والدین در مورد پول توجیبی بسیار متفاوت است. برخی والدین بر این باورند که دادن پول توجیبی به کودک خطاست؛ چرا که فرزند آن‌ها هنوز کوچک است و ارزش واقعی پول را نمی‌داند. از سوی دیگر، برخی دیگر بر این باورند که تا آنجا که وسعشان می‌رسد، به فرزندشان پول توجیبی بدهند. آن‌ها با این روش اجازه نمی‌دهند که فرزندشان احساس کمبود کند. کدام‌یک از این دو گروه فرزندان خود ساخته و آینده‌نگر خواهند داشت؟ پاسخ پرسش مطرح شده را باید در عملکرد والدین جست‌وجو کرد.

بهترین سن برای پرداخت پول توجیبی

وقتی کودکان به شش سالگی می‌رسند، معمولاً آن‌قدر بزرگ شده‌اند که بتوانند مسئولیت پولشان را به عهده بگیرند. باید به کودک توضیح داد در مقابل مقدار پولی که دریافت می‌کند، مسئول است. پس، پول دیگری از شما (والدین) نمی‌گیرد تا اینکه زمان پول توجیبی بعدی شود.

نحوه مدیریت پول توجیبی از جانب والدین

والدین می‌توانند در گام نخست مبلغی را به عنوان پول توجیبی برای فرزندشان در نظر بگیرند و آن را بنا به سن کودک انتخاب و در زمان‌های مشخص به او پرداخت کنند و در گام بعدی نحوه مدیریت پول توجیبی را نیز به او بیاموزند.

برای آموختن مدیریت پول توجیبی به کودک یکی از بهترین راه‌ها این است که به کودک خود بیاموزیم قدری از پولش را پس‌انداز کند. برای اینکه این کار جذاب باشد، بهتر است یک ظرف شیشه‌ای (مثل شیشه‌مر یا یا ترشی) یا قلمک برای پس‌انداز استفاده

وقتی کودکان به شش سالگی می‌رسند، معمولاً آن‌قدر بزرگ شده‌اند که بتوانند مسئولیت پولشان را به عهده بگیرند. باید به کودک توضیح داد در مقابل مقدار پولی که دریافت می‌کند، مسئول است

تعریف پول توجیبی

پول توجیبی مقدار پولی است که والدین با هم توافق می‌کنند که به کودک بدهند تا او بتواند جواب نیازهای خود را بدهد.

- منابع
۱. موسوی، شکوفه؛ آموزش مهارت‌های روزمره به کودکان، قطره، ۱۳۸۹.
 ۲. آموزش مدیریت مالی به کودک، روزنامه سلامت، شنبه ۹ آذر ۱۳۹۲.
 3. www.farzandparvari.com
 4. www.namabourse.com
 5. www.koodakcity.com
 6. www.madreshclub.com

شود. چون زمانی که کودک پس انداز خود را درون ظرف شیشه‌ای می‌اندازد و به آن نگاه می‌کند و شاهد افزایش آن است، بیشتر علاقه‌مند می‌شود تا پس انداز کند و هر چه زودتر ظرفش پر شود. این خود عاملی می‌شود که از خرید غیر ضروری خود بگذرد و به دنبال پس انداز بیشتر باشد. در گام سوم والدین می‌توانند پس اندازهای کودک را به سمت سرمایه‌گذاری‌های کوچک نیز هدایت کنند.

پول توجیبی عامل ایجاد استقلال در کودک

پول توجیبی به کودک استقلال می‌بخشد و به او می‌آموزد چگونه تصمیم بگیرد، کجا خرج کند و چقدر تا ماه آینده پول دارد. در واقع، او را با مفهوم سرمایه و پس انداز آشنا می‌کند. او می‌آموزد گاهی برای رسیدن به بعضی از خواسته‌هایش از بعضی از خواسته‌ها بگذرد. به علاوه، هوش و استعداد کودک تقویت می‌شود. وظیفه هر پدر و مادری است که علاوه بر دادن پول توجیبی به فرزند خود، او را با راه‌های پس انداز و ارزش پول آشنا کنند. همچنین به کودک باید آموزش داده شود که تفاوت میان نیاز، خواسته و آرزو را به خوبی درک کند تا در آینده تصمیم‌های عاقلانه‌تری در مورد نحوه خرج کردن بگیرد.

نکته مهم این است که برخی خواسته‌های کودک از طریق پول توجیبی تأمین می‌شود. ما نباید نگران باشیم که اعتماد به نفس فرزند ما در خواستن و نداشتن چیزی کاهش می‌یابد. ما باید کاری کنیم که عزت نفس او افزایش یابد و این امر تحقق نمی‌پذیرد مگر اینکه همیشه در کنار او باشیم و با او راه زندگی را بپیماییم.

و اما چند نکته...

گاه خانواده‌ها به دلیل محبت افراطی پول توجیبی زیادی به فرزندشان می‌دهند که این کار به نوعی تربیت نازپرورده را نهادینه می‌کند. این نوع تربیت باعث می‌شود فرزند برای به دست آوردن مال سختی نکشد و هر چه اراده کند در اختیارش قرار بگیرد.

روان‌شناسان معتقدند که اگر کودک پول توجیبی خود را به درستی خرج کند، می‌توان مبلغی به عنوان جایزه ویژه علاوه بر مبلغ پول توجیبی از جانب والدین به وی هدیه شود تا کودک دریابد که رفتار درست او مورد توجه والدین قرار گرفته است. والدین نباید فراموش کنند که حتی

کودکانی که برای خریدهای مختلف خود به پول نیاز ندارند، باز هم به پول توجیبی نیاز دارند تا از این طریق احساس استقلال و کنترل دخل و خرج را تجربه کنند و فرا بگیرند.

مربیان و مادران عزیز

برایمان بنویسید که شما در مورد پول توجیبی فرزندانتان چه تدابیری اندیشیده‌اید و مشکلات شما چه بوده است.

تعریف
پول توجیبی مقدار پولی است که والدین با هم توافق می‌کنند که به کودک بدهند تا او بتواند جواب نیازهای خود را بدهد. نکته مورد توجه این است که پول توجیبی نباید به دست آورده شود

تربیت جنسی کودکان

اکرم صالح‌زاده

کارشناس ارشد آموزش و پرورش پیش از دبستان و مدرس دانشکده فنی و حرفه‌ای دختران قم

چکیده

تربیت جنسی به کلیه اقداماتی گفته می‌شود که از دوران اولیه زندگی انسان در جهت رشد متعادل و مناسب انگیزه جنسی صورت می‌گیرد و هدف آن اطلاع‌رسانی جنسی، کمک به تکامل رفتارهای جنسی، تداوم و بقای نسل و رسیدن به مودت، رحمت و آرامش است.

مقاله حاضر بر آن است که ویژگی‌های عصر کنونی هدایت جنسی کودکان را مطرح کند تا بتواند گامی مفید و مؤثر در تحلیل صادقانه اوضاع و شرایط تربیت جنسی کودکان بردارد. به امید اینکه راهبردهای ارائه شده در آن کمک مؤثری به این ارزشمندترین سرمایه‌های کشور یعنی کودکان عزیز باشد. تربیت جنسی باید در یک برنامه‌ریزی زمان‌بندی شده متناسب با مقتضیات سنی و با پیروی از عقل و مبتنی بر شناخت نیازها و قابلیت‌های افراد صورت گیرد. عدم توجه به شرایط سنی و ذهنی در هر مرحله از رشد و طرح شتاب‌زده مسائل جنسی می‌تواند آسیب‌زا باشد و ناهنجاری‌هایی را به وجود آورد که با فلسفه تربیت و رشد کودک ناسازگارند.

تربیت جنسی در دوره کودکی

این مرحله از رشد (دوره ابتدایی) مرحله ادب‌کردن و آموزش مقدمات لازم برای ورود به دنیای بلوغ است. نقش اصلی تربیت جنسی در دوران کودکی و ایجاد عادت‌های مناسب به عهده پدر و مادر است. البته آن‌ها خود باید آموزش‌های لازم و روشن در زمینه تربیت جنسی را دریافت کرده باشند.

کودک سه تا پنج ساله نسبت به خصوصیات جسمانی خود و تفاوت‌های جنسی دختر و پسر کنجکاو است و کنجکاو او صرفاً جنبه شناختی و کشف دارد. نوع پرسش‌های کودک معمولاً در مورد آفرینش خود، کیفیت پیدایش و چگونگی به دنیا آمدن خود است؛ سؤال‌هایی از قبیل «مرا از کجا آوردی؟» و «نوزاد از کجا می‌آید؟» و «من کجا بوده‌ام؟» طبیعی و عادی است. دید کودک درباره بدن خود و همسالانش مانند دید والدین نیست، از این رو در پاسخ به این پرسش‌ها همواره باید به این نکته توجه داشت که روند آموزشی کودک باید تدریجی باشد و نباید همه جزئیات را یک‌باره در اختیار او گذاشت. پاسخ پرسش‌ها باید کوتاه و ساده باشد.

کلیدواژه‌ها: تربیت جنسی، هویت جنسی، کودک

مقدمه

جهان در آغاز هزاره سوم با شتابی تصاعدی شاهد شکل‌گیری تحولات و دگرگونی‌های عمیق در بسیاری از ابعاد است. این نو شدن تنها در ابزار، روش و برنامه‌ها نیست بلکه اندیشه و نگرش انسان به خود و جهان اطراف را نیز در بر می‌گیرد. در زمان حاضر، در کشور ما متوسط سن بلوغ کاهش یافته و سن ازدواج در حال افزایش است. همچنین عقاید سنتی در حال تغییرند و در مجموع کاهش نفوذ و تأثیر خانواده، رواج شهرنشینی، مهاجرت، توسعه گردشگری و ارتباطات جمعی، تغییرات وسیعی در رفتار جنسی و اجتماعی به وجود آورده است. ویژگی‌های عصر حاضر ضرورت تربیت جنسی کودکان را دوبرابر ساخته است؛ زیرا کودکان مکرراً در معرض پیام‌های جنسی فیلم‌ها، برنامه‌ها و نمایش‌های تلویزیونی و نیز پیام‌های ناشی از نحوه برخورد والدین قرار دارند. شاید بزرگ‌ترین نگرانی والدین و خانواده‌ها در مورد تربیت کودکان این است که درباره مسائل جنسی چه چیزی باید به کودکان گفته شود و چه چیزی را به آنان نباید گفت و چه زمانی در مورد این مسائل با آنان باید صحبت کرد و چگونه رفتارهای جنسی کودکان را هدایت کرد.

تربیت جنسی

تربیت جنسی امری تدریجی و مرحله‌ای است که باید براساس ویژگی‌های کودکان و نوجوانان صورت گیرد. استعدادهای انسان بر پایه توانایی‌هایش و با حرکتی تدریجی در جهت کمال مطلق شکوفا می‌شوند. در تربیت جنسی صرف ارائه اطلاعات کفایت نمی‌کند بلکه رفتار و نگرش والدین نسبت به امور جنسی در اثربخشی و کارآمدی آموزش اهمیت بسزایی دارد.



در ۶-۵ سالگی فعالیت هورمون‌های جنسی کم است؛ در ۷ سالگی پسران به دختران ابراز علاقه می‌کنند اما این ابراز علاقه جنبه دوستی دارد نه جنبه جنسی. یکی از مسائلی که پدر و مادر در شکل‌گیری آن نقش مؤثری دارند، «هویت جنسی» است. هویت جنسی مفهومی است که فرد از خود به عنوان یک مرد یا زن دارد. در واقع، تصویری که هر فرد از زن یا مرد بودن خود دارد و برداشت او از اینکه زن یا مرد چگونه است، هویت او را می‌سازد.

مناسب‌ترین زمان برای آموزش مسائل جنسی به کودکان هنگامی است که خود کودک در این مورد می‌پرسد و موضوعی را مطرح می‌کند. در این موقع، حس کنجکاوی کودک برانگیخته شده است و باید از آن استفاده کرد. بهتر است اول از خود کودک جواب سؤال خواسته شود و سپس والدین با دقت درباره پاسخ کودک و جواب مناسب به بحث و بررسی اقدام کنند اما رعایت نکات زیر می‌تواند والدین را در این فرایند یاری دهد.

برخورد والدین با این سؤالات عادی باشد تا کودک احساس کند مسائل جنسی هم مانند سایر مسائل اند و او پاسخ سؤالاتش در مورد این‌گونه مسائل را هم به راحتی از والدین دریافت می‌کند.

● در جواب کودک حقیقت را بگویید و جواب قانع‌کننده‌ای به کودک بدهید تا کنجکاوی‌اش ارضا شود.

● جواب‌ها مبهم و گیج‌کننده نباشند

تا احساس ابهام و سردرگمی به کودک دست ندهد.

● هرگز جواب دادن به سؤال کودک را به بعد موکول نکنید.

● آموزش‌های خود را به تدریج کامل کنید. پرسش‌های گام به گام کودکان نیازمند جواب گام به گام است.

● جواب‌ها ساده، روشن و متناسب با سطح رشد و سن کودکان باشند.

● کودک را به خاطر سؤال‌هایش تحقیر و سرزنش نکنید.

● در توضیحات خود، اصطلاحات و لغت‌های مناسب و صحیح به کار ببرید.

● شنونده خوبی باشید و اجازه دهید فرزندان در کمال آرامش سؤالات خود را مطرح کنند.

منابع

۱. اسلامی‌نسب، علی؛ تربیت جنسی کودک از دیدگاه علم و اسلام، نسل نو اندیش، تهران، ۱۳۷۹.
۲. امامی نائینی، مهرگان؛ آموزش مسائل جنسی به کودکان و نوجوانان، نشریه طبیب مردم، ۱۳۸۶.
۳. اوحدی، بهنام؛ تمایلات و رفتارهای جنسی انسان، (بی‌جا)، ۱۳۸۰.
۴. جعفری، ابراهیم؛ تحولات جهانی

آینده، بیم‌ها و امیدها در کانون خانواده، نشریه نگاه،

آبان ماه، ۱۳۸۴.

۵. فرمهبینی فراهانی، محسن؛ نگاهی گذرا بر تربیت جنسی در مقاطع مختلف تحصیلی، سلامت روان، ۱، ۱۳۸۷.

۶. قائمی، علی؛ تربیت جنسی، رشد، تهران، ۱۳۷۷.

۷. قائمی، علی؛ هدایت جنسی و مسائل مربوط به ازدواج، از مقالات ارائه شده در کتاب پنجم آموزش خانواده، چاپ سوم، انجمن اولیا و مربیان، تهران، ۱۳۷۸.

۸. سلحشور، م؛ اهمیت تربیت جنسی در کودکان و نوجوانان در خانواده، نشریه پیوند، شماره ۳، ۱۳۸۴.

۹. معرفای، ابراهیم؛ تربیت جنسی، تربیت فراموش شده، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۷۹.

مبانی تحولات اساسی در آموزش دوران اولیه کودک از تولد تا هشت سالگی

دکتر مریم باریک‌بین

عنوان: مبانی و تحولات اساسی در آموزش دوران اولیه کودک (از تولد تا هشت سالگی)
نام نویسنده: مارتا تیلور دیورو، رنه سی. فالکنر
مترجمان: فرزانه معتمدی شارک، سکینه راه‌پیما، دکتر علیرضا محمدی آریا، حلیمه پناهی
ناشر: رشد فرهنگ (۶۶۳۷۷۵۷۰-۰۲۱)
سال انتشار: پاییز ۱۳۹۲

این کتاب در چهار بخش و چهارده فصل تنظیم شده است. در **بخش اول:** تکامل آموزش دوران کودک، در **بخش دوم:** دوران اولیه کودک، **بخش سوم:** راهنمایی و ارزیابی کودکان خردسال، و بالاخره در **بخش چهارم** حمایت از کودکان خردسال در قرن بیست و یکم مورد توجه قرار گرفته است. نگاه به کودکی در گذشته و حال که در بخش اول کتاب آمده است، حکایت از این دارد که کودکان بزرگ‌ترین سرمایه ما هستند و باید آن‌ها را درست پرورش دهیم. این بخش با مطالعه چگونگی دیدگاه دوره باستان تا زمان حاضر ادامه یافته است. فصل دوم با شرح گرایش‌های فلسفی و اجتماعی طی زمان و توصیف محققانی که کارشان بر این گرایش‌ها تأثیر داشته است پیگیری شده است. عصر استعمار، عصر صنعت، عصر پیشرفت از جمله مواردی هستند که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. در فصل سوم تأثیر تفاوت‌های فرهنگی و سیر تکاملی نحوه اداره مدارس به موازات رشد سیاست‌ها و احکام دادگاه‌ها، در گذشته و حال لحاظ شده است. در بخش دوم بر نقش مربیان شاغل در محیط‌های کودکان شیرخوار، نوپا، پیش‌دبستانی، مهدکودک و پایه ابتدایی تمرکز شده است.

فصل چهارم به تشریح صلاحیت‌های حرفه‌ای مربیان برای کار در محیط‌های متنوع این دوره نظر داشته است. شاخص‌های تعیین برنامه‌ها و کار محققان در این زمینه بر مبنای پژوهش‌های انجام یافته در سایر فصل‌های این بخش پیگیری شده است.

در بخش سوم موضوعات و شیوه‌های کار در ارتباط با راهنمایی و سنجش کودکان خردسال مورد توجه قرار گرفته و نقش مربیان در مورد مدیریت، راهنمایی کودک، سنجش و کار با کودکان با زبان‌های متفاوت و خانواده‌های آن‌ها تشریح شده است.

این کتاب نسبتاً جامع با بحث‌های متنوع خود می‌تواند خوانندگان را با چالش‌های جدیدی روبه‌رو کند. از این‌رو، علاقه‌مندان پس از مطالعه آن برای دستیابی به اطلاعات تکمیلی می‌توانند به سایتی که نشانی آن در کتاب آمده است، مراجعه کنند.

مطالعه این کتاب را به مربیان، مدیران، کارشناسان، محققان و دانش‌پژوهان توصیه می‌کنیم و برای مترجمان آن آرزوی موفقیت بیشتر داریم.

